
مهر
مهدوی

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش ها و پاسخ های قرآنی

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرسش ها و پاسخ های قرآنی (مهر مهدوی ۱) جلد ۱۱

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : مهدویت [کتاب]/ جمعی از پژوهشگران[مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی]؛ زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر : قم: نسیم حیات ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۳۴۳ ص.

فروست : پرسش های قرآنی جوانان؛ ۶.

شابک : دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۲-۸۸۲-۶ ؛ ۱۵۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۲-۸۷۶-۵

وضعیت فهرست نویسی : فاپا(چاپ دوم)

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: The Quranic questions of youth ۶.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : چاپ قبلی: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۹۰(۳۲۸ ص.).

یادداشت : عنوان روی جلد: مهدویت: تفسیر مهمترین آیاات مهدویت نشانه های آخرالزمان و علائم ظهور... .

یادداشت : کتابنامه: ص. [۳۳۹۲] - ۳۴۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : مهدویت: تفسیر مهمترین آیاات مهدویت نشانه های آخرالزمان و علائم ظهور... .

موضوع : قرآن -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : Qur'an -- Questions and answers

موضوع : مهدویت

موضوع : Mahdism

شناسه افزوده : رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ -

شناسه افزوده : مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی (عج)

شناسه افزوده : پرسش های قرآنی جوانان؛ [ج].۶.

رده بندی کنگره : BP۶۵/۲/پ۴ ۶.ج ۱۳۹۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۱۶۵۴۸

ص :۱

اشاره

درآمد:

قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه ی بشر تابید و راه انسان ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره ای الهی است (۱) که می تواند نسل های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد؛ و مقام دانش و دانشمندان را ارج می نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی داند، (۲) بلکه با اشارات متعدد به مباحث علوم تربیتی، کیهان شناسی، زیست شناسی، رویان شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روانشناسی، حسّ کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می کند و زمینه رشد علوم را فراهم می سازد. (۳)

پرسش کلید دانش است. (۴) و ذهن پرسشگر ارجمند است، و وظیفه ی دانشمندان، دریافت پاسخ از منابعِ قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه ی آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش های تخصصی قرآن و علم»، و ارسال

۱- (۱) . عن النبی(صلی الله علیه و آله): القرآن مأدبهٔ اللّٰه فتعلّموا مأدبته ما استطعتم. (بحار، ج ۹۲، ص ۱۹)

۲- (۲) . هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون. (زمر / ۹)

۳- (۳) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی

۴- (۴) . عن علی(علیه السلام): العلم خزائن و مفاتیحها السئوال (غررالحکم، میزان الحکمهٔ، ج ۴، ص ۳۳۰)

پرسشنامه به دانشگاه های مختلف، به گردآوری پرسش ها و ارائه ی پاسخ پرداخته اند، که حاصل تلاش این عزیزان در این مجموعه گردآوری شده است.

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته ام، شاهد تلاش علمیِ همراه با تعهد آنها بوده ام، که در حد توان کوشیده اند پاسخ های مناسب و متین ارائه نمایند. البته برخی پرسش ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو قرآن دریافت شده و در برنامه ی پرسش و پاسخ قرآنی آنجا پاسخ داده ایم که به این مجموعه اضافه شده است.

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه ی ما بپذیرد و این اثر مورد عنایت خاص حجهٔ بن الحسن العسگری(علیه السلام) قرار گیرد.

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی و پیشنهادات و انتقادات خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می خواهیم که اگر پرسش هایی در زمینه ی «قرآن و علم» دارند، به نشانی ما ارسال فرمایند. (۱)

با سپاس

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

قم - ۱۳۸۷/۳/۱۹

ص:۱۴

۱- (۱) . نشانی: قم، خیابان معلم، معلم ۹، جنب هتل یثرب، کوچه شهید محمدحسن احمدی، کوی نور، پلاک ۹۱ تلفن، پیام گیر، نمابر: ۰۲۵۱ ۷۷۳۹۰۰۲ص . پ: ۴۱۶ - ۳۷۱۸۵ - قم Email: quran quransc.com info quransc.com WWW.quransc.com

فصل اول: مهدی شناسی

اشاره

ص:۱۵

پرسش:

طول عمر حضرت مهدی(عج) و ارتباط آن با زنده بودن حضرت الیاس و خضر و عیسی(علیه السلام) چیست ؟

پاسخ:

یکی از مباحث مهم پیرامون شخصیت حضرت مهدی(عج)، طول عمر آن بزرگوار است، که برای هر کسی ممکن است این سوال مطرح شود که چگونه حضرت مهدی(عج) فرزند امام حسن عسکری(علیه السلام) هستند و با بیش از هزار سال سن زنده می باشند.

قرآن و روایات معصومین(علیهم السلام) به پاسخ این پرسش اشاره کرده اند که به بیان برخی از آنها می پردازیم:

۱. عمر نوح(علیه السلام): قرآن کریم وقتی سخن از حضرت نوح(علیه السلام) به میان

ص:۱۷

می آورد، می فرماید:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحاً إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَاماً فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ؛ (۱)و بیقین نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ و در [میان] آنان هزار سال جز پنجاه سال، درنگ کرد؛ و (سرانجام) سیلاب آنان را فراگرفت در حالی که آنان ستمکار بودند.»

بنابراین خداوند در قرآن کریم که سراسر نور و هدایت و راستی است می فرماید: «حضرت نوح ۹۵۰ سال بین قوم خود درنگ داشته و مردم را هدایت می کرد.» و جای هیچ شکی نیست که چون قرآن عمر ۹۵۰ ساله را برای یک نفر تائید کرده طولانی بودن عمر حضرت مهدی(علیه السلام) نیز قابل قبول خواهد بود.

۲. زنده بودن حضرت الیاس(علیه السلام): حضرت الیاس(علیه السلام) از رسولان الهی است که ۲ مرتبه هم در قرآن از ایشان یاد شده است. (۲) ایشان از پیامبران بنی اسرائیل و از اولاد هارون بن عمران بوده و عموزاده حضرت الیسع(علیه السلام) می باشد. الیسع(علیه السلام) همان یسع بن اخطوب بن عجوز است که الف و لام آن زائده و برای زینت است مانند الحسین، وی نیز از پیامبران بنی اسرائیل می باشد و حضرت الیاس(علیه السلام) هنگامی که به آسمان رفت حضرت الیسع(علیه السلام) را جانشین خود بین مردم قرارداد. از حضرت امام رضا(علیه السلام)

۱- (۱) . عنکبوت / ۱۴

۲- (۲) . انعام / ۸۵ و صافات / ۱۲۳.

حکایت شده که می فرمایند: الیسع همان کارهایی را که حضرت عیسی انجام می داد انجام داد، روی آب راه می رفت، مرده زنده می کرد، کر و لال شفا می داد ولی مردم او را خدا نخواندند. (۱)

علامه مجلسی زنده بودن حضرت الیاس(علیه السلام) را از طریق ۲ روایت اعلام می کند:

۱. امام محمدتقی(علیه السلام) از امام صادق(علیه السلام) نقل می کنند که روزی پدرم امام محمدباقر در حال طواف بود که ناگاه با مردی برخورد کرد که چیزی به خود بسته بود و طواف پدرم را قطع نمود و آن حضرت را به خانه ای در جوار کوه صفا برد و مرا نیز طلب کرد و غیر از ما ۳ نفر کسی در آنجا نبود.] سؤالاتی پرسید و سخنانی میان آنها گذشت که می توانید به اصل حدیث مراجعه کنید [تا اینکه شمشیر خود را بیرون آورد و گفت: این هم یکی از آن شمشیرهایی است که در زمان حضرت مهدی(عج) کشیده خواهد شد؛ سپس گفت: منم الیاس و آنچه از تو پرسیدم همه را می دانستم و شما را می شناختم ولی می خواستم باعث قوت ایمان اصحاب تو شود و بعد ناپدید شد. (۲)

۲. از حضرت امام حسن عسکری(علیه السلام) حکایت شده که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) به زید بن ارقم سخنانی گفتند از جمله آنها این بود که فرمودند: حضرت خضر و حضرت الیاس در موسم حج همدیگر را ملاقات می کنند و زمانی

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۴۰۱ و معارف و معاریف، ج ۱۰، ص ۵۹۵

۲- (۲) . ر.ک: حیوه القلوب، ج ۲، ص ۸۴۳.

که می خواهند از همدیگر جدا شوند فلان دعا را می خوانند و بعد از

همدیگر جدا می شوند. (۱)

۳. حضرت خضر(علیه السلام): ایشان از پیامبران مرسل می باشد که بر قومش مبعوث شد و معجزه اولش این بود که هر گاه بر چوبی خشک یا زمین بی سبزه ای می نشست فوراً چوب دارای برگ می شد و زمین سرسبز می شد و به همین خاطر او را «خضر» می گویند. خضر به معنای سبز و سبزه می باشد. (۲) نام اصلی و نسب او چنین است: «تالیا بن ملکان بن عابر بن ارفخشد بن سام بن نوح» و مدت عمر او، حدود ۶ هزار سال تخمین زده شده است. (۳)

طبق روایاتی که علامه مجلسی(ره) در بحارالانوار (۴) و حیوة القلوب (۵) آورده حضرت خضر(علیه السلام) به همراه حضرت ذوالقرنین(علیه السلام) که قرآن در اواخر سوره ی کهف از او سخن به میان آورده به سوی ظلمات رفت و آب حیات خورد و تا دمیده شدن صور از دنیا نمی رود.

از امام رضا(علیه السلام) حکایت شده: حضرت خضر از آب حیات خورد و تا نفخ صور زنده است، نزد ما می آید و بر ما سلام می کند ما صدایش را می شنویم و خودش را نمی بینیم او در مراسم حج شرکت می کند و

۱- (۱) . ر.ک: حیوه القلوب، ج ۲، ص ۸۴۵

۲- (۲) . فرهنگ جامع عربی فارسی، ص ۳۵۰، ج ۲

۳- (۳) . یوم الخلاص، ص ۱۵۷

۴- (۴) . بحار، ج ۱۲، ص ۱۷۲

۵- (۵) . حیوه القلوب، ج ۲، ص ۸۴۴.

همه ی مناسک حج را انجام می دهد. در روز عرفه در سرزمین عرفات

می ایستد و بر دعای مؤمنان آمین می گوید، خداوند به وسیله ی او در زمان غیبت، از قائم ما رفع غربت می کند و به وسیله ی او تنهایی و خلوتش را به انس تبدیل می کند. (۱)

از امام صادق(علیه السلام) حکایت شده: ... اما آن بنده صالح خدا خضر، خداوند عمر او را نه به خاطر رسالتش طولانی کرده و نه به خاطر کتابی که بر او نازل کرده و... بلکه خدای جهان آفرین برای آن که اراده فرموده بود عمر گرامی قائم(علیه السلام) را در دوران غیبت او بسیار طولانی سازد و می دانست که بندگانش بر طول عمر او ایراد و اشکال خواهند نمود، به همین دلیل عمر این بنده ی صالح خویش «خضر» را طولانی ساخت که بدان استدلال شود و عمر قائم بدان تشبیه گردد و بدین وسیله اشکال و ایراد دشمنان و بد اندیشان باطل گردد. (۲)

البته همانطور که از جزئیات زندگی حضرت مهدی(عج) اطلاعاتی در دست نداریم از زندگی حضرت خضر(علیه السلام) و الیاس(علیه السلام) و اینکه چگونه و کجا زندگی می کنند و به چه اعمالی مشغول هستند اطلاعاتی نداریم و ظاهراً این گونه مسائل جزء اسرار است و علم آن بما واگذار نشده است.

۴. زنده بودن حضرت عیسی(علیه السلام): آنچه در مورد حضرت عیسی(علیه السلام) قطعی است و قرآن هم بدان تصریح دارد آن است که حضرت عیسی(علیه السلام)

۱- (۱) . کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹۰ و بحار، ج ۱۳، ص ۲۹۹

۲- (۲) . کمال الدین و تمام النعمه، ج ۳، ص ۳۵۷ و بحار، ج ۵۱، ص ۲۲۲.

به دار آویخته نشده است و به تعبیر قرآن امر بر دشـمنان آن حضـرت مشتبه شد «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللّهِ وَمَا قَتَلُوهُ

وَمَا صَلَبُوهُ وَلكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِيناً» و (بخاطر) گفتارشان: «که ما، مسیح، عیسـی پسر مریم، فرستاده خدا را کشتیم.» (از رحمت خدا دور شدند.) و حال آنکه وی را نکشتند، و او را بر دار نیاویختند، و لیکن (امر) بر آنان مشـتبه شد. و قطعاً کسانی که در (باره قتل) او اختلاف کردند، از آن در شکّند، و برای شان هیچ علمی به آن جز پیروی از گمان نیست. و یقیناً او را نکشتند؛

و آن که خداوند حضرت عیسی را به آسمان بالا برد

«بَل رَفَعَهُ اللّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللّهُ عَزِيزاً حَكِيماً؛ بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد؛ و خدا، شکست ناپذیری فرزانه است.»

که بسیاری از مفسرین این بالا رفتن حضـرت عیسـی(علیه السـلام) را به صورت زنده می دانند نه این که حضرت عیسی(علیه السلام) از دنیا رفته باشد.

بلکه طبق احادیث، حضـرت عیسـی(علیه السلام) زمان ظهور حضرت مهدی(عج) هنگامی که مردم در بیت المقدس برای نماز صبح به امـامت حضـرت مهـدی(علیه السـلام) صف کشـیده انـد از آسـمان فرود می آیـد و بـا حضـرت بیعت می کنـد و امام زمان(علیه السـلام) به حضـرت عیسی می فرمایند: شما امام جماعت باشید که حضرت عیسی(علیه السلام) می فرماید نه هرگز! شما باید نماز را برای مردم بخوانید و همگی به شما اقتدا نمایند چرا که شما بنده ی شایسته ی

ص:۲۲

خدا و حجت او هستید و خدا از شما خشنود است و من به عنوان وزیر شما مبعوث شده ام نه امیر. (۱) و پس از فتح غرب توسط آن حضرت و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضرت عیسی(علیه السلام) رحلت نموده و حضرت مهدی(علیه السلام) و مسلمانان آشکارا بر پیکر مطهر ایشان نماز می گذارند تا مثل بار اول کسی سخن ناروا نگوید و او را خدا نداند. و در پارچه ای که دستباف مادرش حضرت مریم(سلام الله علیها) است او را کفن نموده و کنار مزار مادرش او را دفن می کنند. (۲)

در نتیجه حضرت عیسی(علیه السلام) نمرده بلکه زنده است و در آسمان بسر می برد، که از چگونگی حیات حضرت در آسمان چهارم یا آسمانی دیگر و نحوه ی زندگی ایشان اطلاعاتی در دست نیست.

نکته:

در روایاتی بین زنده بودن حضرت الیاس(علیه السلام) و خضر(علیه السلام) با زنده بودن حضرت مهدی(علیه السلام) شباهت ذکر شده است اما روایتی که دلالت کند بر اینکه حضرت مهدی(علیه السلام) شبیه حضرت عیسی(علیه السلام) زنده است نداریم و اساساً چنین تشابهی غلط است چرا که زنده بودن حضرت عیسی(علیه السلام) با زنده بودن حضرت مهدی(علیه السلام) تفاوت دارد و نوع زنده بودن حضرت مهدی(علیه السلام) از نوع زنده بودن حضرت عیسی(علیه السلام) نیست. حضرت مهدی(علیه السلام)

۱- (۱) . الملاحم و الفتن، سید بن طاووس باب ۱۷۸، معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، ص ۵۲۷

۲- (۲) . عصر ظهور (علی کورانی)، ص ۲۹، فرهنگ نامه مهدویت، ص ۵۰۹.

بین مردم زندگی می کنند نه اینکه به آسمان بالا رفته باشند. طبق روایت شخص امام از ما غائب است. (۱)

در حدیث امام رضا(علیه السلام) آمده: «جسم او دیده نمی شود» (۲) یا در حدیث دیگر می فرماید:

«مردم امامشان را گم می کننـد. پس او در مراسم حـج حاضـر می شود و مردم را می بینـد ولی آنان او را مشاهـده نمی کنند»، (۳) اما حضرت عیسی(علیه السلام) در آسمان ها هستند نه در روی زمین و بین مردم.

۵. وجود افرادی با عمر طولانی: مانند:

۱. لقمان حکیم: ۴۰۰۰ سال

۲. لقمان بن عاد(علیه السلام): ۳۵۰۰ سال عمر داشته است.

۳. نوح پیامبر(علیه السلام): ۲۵۰۰ سال عمر داشته است.

۴. شیث فرزند آدم(علیه السلام): ۹۱۲ سال عمر داشته است.

۵. حضرت آدم(علیه السلام): ۹۳۰ سال عمر داشته است.

۶. حضرت ادریس(علیه السلام): ۸۶۲ سال عمر داشته است.

۷. سلیمان نبی(علیه السلام): ۷۱۲ سال عمر داشته است.

۸. سام پسر نوح(علیه السلام): ۶۰۰ سال عمر داشته است.

۹. فرعون معاصر موسی: ۶۰۰ سال

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲

۲- (۲) . کمال الدین، ص ۳۷۰

۳- (۳) . بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۱ و کمال الدین، ص ۴۴۰.

۱۰. مریم مادر حضرت عیسی: ۵۰۰ سال

۱۱. سلمان فارسی: ۴۰۰ سال

و افراد دیگر... (۱)

تذکر: امکان طول عمر از نظر علم و عقل

از نظر علمی هیچ گونه قاعده و قانونی که مانع وقوع و تحقق عمر طولانی باشد، وجود ندارد.

«برنارد شو» می گوید: از اصول علمی ثابت نزد تمام دانشمندان «بیولوژی» آن است که عمر انسان ممکن نیست که برای او حد ثابتی باشد طول عمر مسئله ای است که حد نمی پذیرد. (۲)

«فلوکر» فیزیکدان معروف می گوید: حدّ طبیعی عمر انسان ۶۰۰ سال است. و «روجرپیکن» آن را ۱۰۰۰ سال می داند «دیمندوبرل» از اساتید دانشگاه «جونس هبکنس» می گوید: تمام اجزای اصلی انسان بدون استثناء با امتحان به اثبات رسیده که قابل خلود است و یا حداقل قابل عمری طولانی تر از این مقدار.

نتیجه آنکه:

به استناد قرآن و روایات و شهادت تاریخ و علم و عقل هیچ منعی برای عمر طولانی نیست و امام زمان(علیه السلام) هم اکنون که سال ۱۴۲۸ قمری

ص:۲۵

۱- (۱) . المستطرف، ج ۲، ص ۳۳ و کامل ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۹

۲- (۲) . موعودشناسی، ص ۵۱۰ به نقل از عمرالمهدی بین العلم و الادیان، ص ۶.

است، ۱۱۷۸ سال دارند و با اولیاء خاصی مانند حضرت خضر(علیه السلام) و الیاس(علیه السلام) ارتباط و انس دارند. و هر یک از این اولیاء الهی به وظیفه ی

تعیین شده از طرف خداوند عمل می کنند. چنانچه حضرت عیسی(علیه السلام) در آسمان زنده است.

ص:۲۶

پرسش:

حضرت مهدی چند سال دارند و هنگام ظهور با چه قیافه ای ظاهر می شوند؟

پاسخ:

اول: حضرت مهدی(عج) اکنون چند ساله دارند؟

حضرت مهدی(عج) در سال ۲۵۵ ه- . ق به دنیا آمدند و با توجه به اینکه الآن در سال ۱۴۲۸ ه- . ق هستیم عمر حضرت در نیمه شعبان امسال ۱۱۷۳ سال می باشد.

دوم: شکل و شمایل حضرت مهدی(عج)، موقع ظهور مثل انسان چند ساله است؟

در مورد قیافه و شکل و شمایل حضرت موقع ظهور به طور کلی دو دسته روایت وجود دارد:

الف. روایاتی که مطلق است و سنی را بیان نمی کند و فقط جوان

ص:۲۷

بودن حضرت را متذکر می شود.

۱. «شابٌ بعد کبر السن» (۱) جوان است با اینکه سن اش زیاد است.

۲. «رجوعه من غیبته بشرخ الشباب» (۲) در بهترین مرحله ی جوانی ظهور می کند.

۳. «فی سن الشیوخ و منظر الشباب» (۳) در سن کهن سالان و سیمای جوانان.

ب. روایاتی که علاوه بر تأکید بر جوانی، سن و سال را هم مشخص می کند.

۱. «فی صورهٔ فتیَ موفق این ثلاثین سنه» (۴) با چهره ی جوانی کامل به سن سی سالگی.

۲. «فی صورهٔ شاب دون اربعین سنهٔ» (۵) با چهره ی جوانی کمتر از چهل سالگی.

۳. سن اش زیـاد و چهره اش جوان است به گونه ای که در نظر بیننـده چهـل سـاله یا کمتر می نمایـد و از نشانه های ایشان آن است که تا زمان وفات پیر نمی شود. (۶)

۱- (۱) . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷

۲- (۲) . غیبت طوسی، ص ۴۲۱

۳- (۳) . کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۶

۴- (۴) . غیبت طوسی، ص ۴۲۰

۵- (۵) . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۶

۶- (۶) . کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲.

نکات:

۱. می دانیم که سن حضرت بیش از هزار سال است و روایاتی که سن ایشان را بین ۳۰ تا ۴۰ سال بیان کرده منظور این است که در زمان ظهور چهره و سیمای نورانی حضرت در این سن است و اختلاف سن در این موضوع موجب تضاد نمی باشد. زیرا این اعداد نشانگر سن انسان کامل و جوان است.

۲. البته عمر طولانی مثل نوح (۹۵۰ سال) در قرآن آمده و یا حضرت خضر و عیسی(علیه السلام) سابقه دارد و در عالم حیوانات نیز عمر طولانی مشابه دارد و پیری و مرگ در اثر عوامل فرسایشی است که اگر آن عوامل نباشد شخص جوان می ماند. (۱)

۳. آنچه مهم است شناخت و معرفت امام است و این اهمیت به قدری است که در روایات نشناختن امام برابر با بی دینی و جهالت شمرده شده.

«من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیةً» (۲)

«کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»

و این معرفت، مخصوص شناخت ظاهری نیست بلکه فراتر از آن است.

ص:۲۹

۱- (۱) . ر.ک: عدالت گستر جهان، ابراهیم امینی

۲- (۲) . الصوارم المعرفه، ص ۲۶۳.

پرسش:

آثار و برکات وجودی حضرت حجت(عج) چیست ؟

پاسخ:

حضرت مهدی(علیه السلام) در تاریخ پانزدهم شعبان سال ۲۵۵هجری قمری در شهر سامرا به دنیا آمدند. و تنها امامی هستند که در عراق متولد شدند چرا که یازده امام دیگر همگی در مکه یا مدینه متولد شدند. پدر بزرگوار ایشان امام حسن عسگری(علیه السلام) و مادر گرامیشان حضرت نرگس خاتون می باشد. از آنجا که، دشمنان زیادی داشتند و حتی در صدد قتل ایشان بودند حتی تولد ایشان همچون تولد حضرت موسی به صورت مخفی بود و به جز معدودی از شیعیان، دیگران نمی توانستند ایشان را زیارت کنند. تا اینکه در سال ۲۶۰ هجری پدر بزرگوارشان به شهادت رسیدند و در پنج سالگی قامت ایشان به ردای امامت و ولایت آراسته شد. اما به خواست خداوند متعال به کناره گیری از اجتماع مأمور شدند و تا

سال ۳۲۹ در غیبت صغری به سر می بردند. در این مدت شیعیان و دوستان ایشان از طریق ۴ نائب خاصی که خود حضرت معرفی کرده بودند با حضرت در ارتباط بودند و مشکلات و سؤالات خود را مطرح می کردند. تا اینکه نوبت به غیبت کبری رسید. و از طریق آخرین نائب خود اعلان کردند که پس از ایشان نائب خاصی در بین مردم ندارند و مردم در مشکلات و حوادثی که برایشان پیش می آید به نایبان عام یعنی فقیهان جامع الشرایط مراجعه کنند. و غیبت کبری برای مدت طولانی، همچون ابر بر خورشید جمال حضرتش افتاد و از این پس ناچاریم از پس ابر، از خورشید وجودش استفاده کنیم.

آثار و برکات وجودی امام زمان چیست؟

احادیث فراوانی از پیامبر اکرم و ائمه(علیه السلام) در پاسخ این گونه پرسش ها حکایت شده که در اینجا به عنوان نمونه حدیثی را از امام سجّاد(علیه السلام) که بیانگر پاره ای از برکات وجودی امام(علیه السلام) است، ذکر می کنیم:

سلیمان از امام صادق(علیه السلام) و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام باقر(علیه السلام)و آن حضرت از امام زین العابدین(علیه السلام) حکایت می کند:

«ما (اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) پیشوایان امت اسلام، حجت های خدا بر جهانیان، آقای اهل ایمان، پیشتوای روسفیدان و سرپرست مؤمنانیم. ما امان برای اهل زمین هستیم، همچنان که ستارگان برای اهل آسمان امان هستند. خدا به واسطه ی ما آسمان را بر فراز زمین نگاه داشته و اهل زمین را از هلاکت نجات بخشیده

ص:۳۲

است. به واسطه ی ما باران می بارد و رحمت خدا منتشر می شود و زمین برکاتش را بیرون می آورد و اگر در هر عصر و زمانی، امامی از ما اهل بیت، در زمین نبود زمین اهلش را فرو می برد و هلاک می کرد.» (۱)

سپس فرمودند: از هنگام خلقت آدم تا قیامت، زمین از حجت خدا خالی نبوده و نخواهد بود؛ خواه حجتش در میان مردم آشکار و معروف باشد یا غایب و ناپیدا. و اگر آن حجت نبود خدا در زمین عبادت نمی گردید.»

سلیمان می گوید: از امام صادق(علیه السلام) پرسیدم! مردم در زمان غیبت چگونه از امام غایب بهره مند می شوند؟!

آن حضرت فرمود: «همچنان که از خورشید هنگامی که در پشت ابرها است، بهره مند می گردند».

توضیح: بیان امام(علیه السلام) در این حدیث، به سه بخش عمده تقسیم می شود:

۱- (۱) . «نحن أئمّة المسلمین، و حجج اللّه علی العالمین، و سادة المؤمنین وقادة الغرّ المحجّلین، و موالی المؤمنین، و نحن أمان لأهل الأرض کما أنّ النّجوم أمان لأهل السماء، و نحن الّذین بنا یمسک اللّه السماء أن تقع علی الأرض إلاّ بإذنه، و بنا یمسک الأرض أن تمید بأهلها، و بنا ینزل الغیث، و تنشر الرحمة، و تخرج برکات الأرض، و لولا ما فی الأرض منّا لساخت بأهلها». ثمّ قال: و لم تخل الأرض منذ خلق اللّه آدم من حجّة اللّه فیها ظاهر مشهور أو غائب مستور، ولا تخلو إلی أن تقوم الساعة من حجّة اللّه فیها، ولولا ذلک لم یعبد الله. قال سلیمان، فقلت للصادق(علیه السلام): فکیف ینتفع الناس بالحجّة الغائب المستور؟ قال: «کما ینتفعون بالشمس إذا سترها السحاب». کمال الدین، ص ۲۰۷، ح ۲۲.

بخش اول: در مورد موقعیّت ائمه(علیه السلام) از جهت مقام و منصب الهی

است که پیشوایان راستین اسلام پس از پیامبر گرامی حجت های خدا بر تمام عالمیان و سیّد و آقای اهل ایمان هستند که به فرمان خدای سبحان به وسیله ی پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) به جامعه اسلامی معرّفی شدند و برای هدایت و رهبری همه انسان ها در همه ی زمان ها تعیین گردیدند.

بخش دوم: پاره ای از برکات وجودی ائمه اطهار(علیه السلام) بیان شده است که اختصاص به زمان حضور امام(علیه السلام) ندارد. زیرا آثار و برکات آن حضرت چنان گسترده است که شامل زمان حضور و غیبت می شود.

بخش سوم: در این بخش به چند نکته ی اساسی اشاره شده است:

الف) خالی نبودن زمین از حجت خدا، یک سنّت الهی است که از زمان حضرت آدم(علیه السلام) تا قیامت جریان دارد.

ب) اگر امامی از اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) در زمین نباشد، زمین اهلش را نابود می کند.

ج) عبادت خدا در زمین، به وجود حجّت خدا بستگی دارد.

د) در کلام حضرت به بهره مند شدن مردم از وجود امام(علیه السلام) در ایام غیبت تصریح شده است.

ما هنگامی می توانیم منظور کلام جامع و بلند امام سجاد(علیه السلام) را خوب درک کنیم که نسبت به خداوند متعال و اهداف وی از آفرینش انسان ها و سایر موجودات، شناخت صحیح داشته باشیم. زیرا شناخت صحیح خداوند متعال است که به انسان امکان شناخت پیامبر و امامان را می دهد.

ص:۳۴

از این رو سفارش شده: به هنگام دعا و کمک خواستن از خداوند چنین بگوییم:

«اللّهُـمَّ عرِّفنی نفسک فإنّک إن لم تُعرِّفنی نفسک لم أعرف نبیّک، اللّهُمَّ عرّفنی رسولک فإنَّک إن لم تعرّفنی رسولک لم أعرف حجّتک، اللّهمَّ عرّفنی حجّتک فإنّک إن لم تعرّفنی حجّتک ضللت عن دینی». (۱)

در توضیح این دعا باید گفت: معرفت خداوند متعال دارای مراتب و درجاتی است که انسان می تواند تا حدّی در پرتو نور «فطرت» و «عقل» به آن دست یابد؛ لکن معرفت صحیح و برتر و کامل را، باید به کمک پیامبران الهی و جانشینان راستین آنان، – بیانگران معارف دینی – به دست آورد.

وجود امام (علیه السلام) موجب آرامش اهل زمین

اگر شناخت صحیح نسبت به خداوند متعال از راه نزول وحی به وسیله ی امام بعد از پیامبر انجام گیرد، به خوبی روشن می شود که وجود امام معصوم در میان جامعه بشری از جهات گوناگون «موجب آرامش و امنیت» برای ساکنان زمین است.

ص:۳۵

۱- (۱) . «خداوندا! خودت را به من بشناسان، زیرا اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت؛ خداوندا! فرستاده ات را به من بشناسان، زیرا اگر فرستاده ات را به من معرّفی ننمایی، حجّت تو را نخواهم شناخت؛ خداوندا! حجّت خود را به من بشناسان، زیرا اگر حجّتت را به من نشناسانی، از دینم منحرف خواهم گشت!» (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵)

اینک به برخی از آن جهات اشاره می کنیم:

۱.امنیت فکری وروحی

امـام(علیه السـلام) بر اسـاس این که مسـئولیت هـدایت و ارشاد جامعه را بر عهـده دارد، از مرزهای اعتقادی و فکری جامعه ی اسـلامی نگهبـانی می کنـد تـا مورد هجوم افکـار غلـط و اعتقادات منحرف دشـمنان خـدا واقع نشود. در پرتو هـدایت و ارشاد حجـت خـداست که انحرافـات فکری و عقیـدتی که مـوجب تزلزل فکری و روحی جـامعه است، از بین رفته و «امنیت فکری و روحی» به وجود می آید.

۲. به دست گرفتن زمام امور جامعه

مسئولیت دیگر امام سرپرستی امور جامعه است که در صورت فراهم شدن شرایط و امکانات کافی، امام، زمام امور را به دست گرفتـه و قسـط و عـدالت همگـانی را جـایگزین بی عـدالتی هـا می نمایـد زیرا بی عـدالتی هـاست کـه نظـم و آرامش فردی و اجتماعی را بر هم می زند؛ در نتیجه اهل زمین از آرامش و ثبات برخوردار می گردند.

اگر می بینیم که امام از تصـرف ظاهری در اداره ی امور جهان خودداری می کند، به خاطر عدم وجود شرایط و مقدمات لازم است و خودداری از تصـرف ظاهری در امور، چیزی نیست که منحصر به حضرت حجت(علیه السلام) باشد، بلکه امامان پیشین نیز چنین بودند، چنانکه حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) بیش از بیست و پنج سال در امور اجرایی دخالت و تصرف نکردند؛ در حالی که از اولین لحظه ی ارتحال پیامبر گرامی اسلام

ص:۳۶

از طرف خـدا و پیامبر نیز به مقام ولایت و امامت بر مردم انتخاب شـده بودنـد، و واجـد تمام شـرایط زعامت و سـرپرستی مردم بودنـد، ولی به خـاطر کوتـاهی و سـهل انگاری عـده ای و کارشـکنی عـده ای دیگر جامعه ی اسـلامی از برکات وجود امام و رهبری معصوم، محروم ماند.

اگر امروز اجتماع ما از برکات تصـرف مسـتقیم امام و حجت خدا محروم است، نه تنها مربوط به کوتاهی مسلمین صدر اسلام، بلکه به خاطر غفلت های جامعه خود ما نیز می باشد.

امید است روزی فرا رسد که جامعه ی اسلامی و مردم جهان به این حقیقت پی ببرند که برای دست یافتن به عالی ترین مدارج تکامل انسانی، ناگزیرنـد ازانسانی کامل ومعصوم که واجد تمام شـرایط رهبری در ابعاد مختلف زندگی انسان است، اطاعت و پیروی کننـد؛ در این صورت است که زمینه و شـرایط برای تصـرف مسـتقیم حجت و ولیّ خـدا فراهم می گردد و امـام، با اذن خداونـد متعال ظاهر می شود و ظلم و بیـداد را از بین می ببرد، و زمین را از عـدل وقسط پر می کند. چنانکه امیرالمؤمنین(علیه السـلام) پس از بیست و پنج سال کناره گیری از تصـرف در امور مسـلمانان، بعد از فراهم شدن شـرایط، رسـماً زمام امور را به دست گرفت و موفق گردیـد که در این مـدّت کوتـاهِ زعـامت و رهبری خود، نمونه ای کامـل از حکومت قرآنی و اسـلامی را برای همه ی مسلمانان و انسان های جهان در طول تاریخ ترسیم کند.

ص:۳۷

محقّق طوسی در این باره می نویسد:

«وجوده لطف و تصرّفه لطف آخر وعدمه منّا». (۱)

وجود امام لطف است و تصرف و سرپرستی امام لطف دیگر است.

امّا اگر مردم از این لطف دوم برخوردار نیستند و امام در امور اجرایی به ظاهر تصرّف نمی کند، به خاطر سهل انگاری و کوتاهی خود آن هاست. از این رو لازم است امت اسلام از خواب غفلت بیدار شوند و مقدّمات حضور امام معصوم را در میان خود، به وجود آورند تا از برکات کامل الهی برخوردار گردند.

وجود امام،منشاء خیر و برکت

با توجه به آیات و روایات، وجود افراد مؤمن در بین مردم، منشأ خیر و برکت و موجب نزول باران و جلب منافع و دفع بسیاری از بلاها و خطرها از جامعه است، چنانچه در تفسیر آیه ی ۲۵۱ سوره ی بقره (۲) از امام صادق(علیه السلام) حکایت شده:

«إنّ اللّه لیدفع بمن یصلّی من شیعتنا عمّن لاـ یصلّی ولو اجتمعوا علی ترک الصلاهٔ لهلکوا؛ به درستی که خداوند به واسطه نمازگزاران شیعه، بلا را از کسانی که نماز نمی خوانند، دفع می کند. زیرا اگر همه ی شیعیان نماز را ترک کنند، هلاک می گردند». (۳)

۱- (۱) . کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۲۸۵

۲- (۲) . ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الأرض ولکن الله ذوفضل علی العالمین

۳- (۳) . اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۱.

آنگاه حضرت نسبت به سایر احکام، مانند پرداخت زکات و حجّ گزاردن همین مطلب را می فرماید.

وقتی وجود افراد مؤمن در اجتماع، چنین برکتی را به همراه داشته باشد، معلوم است که برکات وجود امام معصوم که ولیّ و حجّت خدا بر مردم است، به مراتب بیشتر خواهد بود. زیرا امام و حجت خدا واسطه ی رسیدن فیض و برکت خداوند متعال به مردم و برطرف کننده ی بلاها از آنان است.

امداد های غیبی امام زمان (عج)

روایاتی که از پیامبر اکرم و ائمه اطهار(علیه السلام) درباره ی غیبت حضرت مهدی(علیه السلام) رسیده، امکان بهره مندی از وجود آن حضرت را در عصر غیبت، مانند بهره مندی از نور خورشید، هنگامی که در پشت ابرها نهان است، دانسته است (۱) که این بهره مندی گاهی به شکل امدادهای غیبی از حضرت صادر می شود.

از جمله امدادهای غیبی حضرت به جامعه ی شیعه، عنایت خاصّ آن بزرگوار به شیعیان است چنانکه در توقیعی از آن حضرت برای شیخ مفید(ره)، چنین آمده است:

«إنّا غیر مهملین لمراعاتکم ولا ناسین لذکرکم ولولا ذلك لنزل بکم اللأواء واصطلمکم الأعداء؛ (۲) «ما امور شما را رها نمی گذاریم و همیشه شما

۱- (۱) . کمال الدین، ص ۲۵۳ و ۴۸۴

۲- (۲) . احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۸.

را مراعات می نماییم و به یاد شما هستیم و گر نه، دشواری ها و گرفتاری ها بر شما فرو می ریخت و دشمنان، شما را لگدمال می کردند!»

از این جملات محبّت آمیز حضرت استفاده می شود که پیوسته امدادهایی پر برکت از جانب آن بزرگوار به ما می رسد.

نتیجه گیری:

با توجه به آنچه گذشت آثار وجودی امام زمان(علیه السلام) را می توان در دو بخش آثار تکوینی و تشریعی (۱) برشمرد. که به نمونه هایی از آنها اشاره می شود:

الف. آثار تکوینی:

۱. واسطه فیض.

۲. نفوذ روحانی و امدادهای غیبی.

ب. آثار تشریعی:

۱. پاسداری از دین.

۲. امید بخشی.

۳. تصرف امام در کارها (به واسطه نائبان خاص و عام)

ص:۴۰

۱- (۱) . فایده ی تکوینی: به آن فایده ای گفته می شود که شناخت و عدم شناخت در بهره مندی از نعمت وجود امام دخالت ندارد. مثلاً برخورداری انسان از نعمت حیات، آب، زمین، هوا و... - نیازمند معرفت امام نیست و مسلمان و کافر همه بهره مند می شوند. هر چند شناخت تاثیر خود را دارد. فایده ی تشریعی: در این فایده معرفت به امام در بهره مندی از وجود امام دخالت مستقیم دارد یعنی هر چه انسان نسبت به امام معرفت و محبت بیشتری داشته باشد و بیشتر تسلیم او باشد از وجود ایشان بیشتر بهره مند می شود. (ر.ک: آفتاب در غربت، انتشارات میقات، ص ۱۱۵)

اسامی و القاب حضرت مهدی

پرسش:

تعدادی از اسامی و القاب حضرت مهدی(عج) در قرآن و سایر کتب آسمانی را بیان کنید؟

پاسخ:

هر انسانی را با ۳ عنوان اسم، کنیه و لقب می توان یاد کرد. اسم لفظی است که به وسیله آن شخص نام گذاری می شود و معرفی می گردد و غالباً در آن هیچ معنای دیگری غیر از اشاره بودن بر شخص مورد نظر منظور نمی گردد.

کنیه اسمی است که مزین به «ابن» یا «اب» یا «اُم» یا «اخ» یا «اُخت» باشد و به منظور تعظیم و تجلیل از فرد از کنیه استفاده می شود.

لقب نام دوم انسان است که در آن معنای مدح و ذم منظورمی گردد

ص:۴۱

به خلاف اسم عَلَم چنان چه گفته شد. (۱)

نام اصلی حضرت مهدی(علیه السلام) «محمد (علیه السلام)» می باشد و این نامی است که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) برای ایشان انتخاب نموده است و در اخبار متعدد شیعه و سنی آمده است که رسول خدا فرمودند مهدی هم نام من است (۲) و در حدیث لوح فاطمه که بسیاری از محدثین شیعه از جمله شیخ طوسی و شیخ مفید و شیخ صدوق و شیخ کلینی نقل کرده اند از ابوبصیر که امام صادق(علیه السلام) فرمودند پدرم(علیه السلام) به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: من با تو کاری دارم چه موقع برای تو آسان تر است که در خلوت از آن موضوع سؤال کنم؟ جابر عرض کرد هر زمان شما دوست داشته باشید، تا این که روزی با جابر تنها نشست وبه او فرمود ای جابر به من گزارش بده از آن لوحی که در دست مادرم فاطمه(سلام الله علیها) مشاهده نمودی و درخشندگی عجیبی داشت ... تا آن جا که گفت نام حضرت مهدی(عج) «ابوالقاسم محمد بن الحسن هو حجة الله القائم» ثبت و ضبط شده بود (۳) هم چنین در حدیثی مشهور از حضرت رسول(صلی الله علیه و آله) وارد شده است که مهدی از فرزندان من است اسم او اسم من و کنیهٔ او کنیه من است و شبیه ترین مردم است به من از جهت خَلق و خُلق. (۴)

۱- (۱) . معارف و معاریف واژه های اسم و کنیه و لقب

۲- (۲) . ملاحم الفتن سید بن طاوس، ص ۷۴ یاتی علی الناس، ج ۱، ص ۳۵

۳- (۳) . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۵ غیبت طوسی، ص ۹۲ نجم الثاقب باب دوم و ..

۴- (۴) . کمال الدین، ج ۲، ص ۲۸۶ ینابیع الموده، ص ۴۳۹ یاتی علی الناس، ج ۱، ص ۳۶، در کتاب سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۰۹ حدیث ۴۲۸۲ روایتی نقل شده که حضرت رسول(صلی الله علیه و آله) فرمودند اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی، نام او همنام من است و نام پدرش نام پدر من است یعنی عبدالله و حال آن که می دانیم نام پدر حضرت مهدی(عج) حسن بن علی(علیه السلام) بوده است و علی الظاهر این حدیث توسط بنی العباس جعل شده است. زیرا دولت عباسی برای تائید سلطنت خود و تشویق مردم به بیعت با محمد بن عباس ملقب به مهدی عباسی که سومین خلیفه دولت عباسی است دست به هر کاری می زدند و یکی از آن حیله ها آن بود که منصور عباسی که نامش عبدالله بود فرزندش را محمد نامید و او را ملقب به مهدی نمود و از مردم برای او به عنوان جانشین خود بیعت می گرفت و طوری وانمود کرد که مهدی عباسی همان مهدی امت است که پیامبر وعده او را داده است و چون کنیه او با کنیه پیامبر فرق می کرد حدیث را تحریف کرد و گفت اصل حدیث این است که اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی چرا که نام پدر مهدی عباسی عبدالله بود، و مؤید این نظریه آن است که این حدیث در هیچ ترمذی و سنن ابن ماجه و مسند احمد حنبل و... آمده ولی عبارت اسم ابیه اسم ابی نیامده و در کتب حدیثی شیعه نیز چنین حدیثی به چشم نمی خورد و با ادلّه قطعی و روایات متواتره دیگر که حضرت مهدی فرزند حضرت امام حسن عسکری(علیه السلام) است موافقت ندارد.

در قرآن به این اسم تصریح نشده است چنان چه اسامی یازده امام دیگر نیز بیان نشده است. البته در بر زبان آوردن این نام حضرت اختلاف است و بعضی از فقها طبق بعضی از روایات که دلالت بر منع بردن نام حضرت در دوران غیبت می کند بر زبان آوردن آن را حرام می دانند که در جای خود باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کنیه حضرت مهدی(علیه السلام):

کنیه حضرت مهدی(علیه السلام) به استناد روایات ابوالقاسم، ابوعبدالله، ابوجعفر، ابومحمد، ابو ابراهیم، ابوالحسن، ابوبکر و ابوصالح و ابو تراب نقل شده است. (۱) و در قرآن اشاره ای به کنیه حضرت مهدی(عج) نشده است.

القاب شریف حضرت مهدی(عج) که از قرآن و کتب سایر ادیان و

ص:۴۳

۱- (۱) . نجم الثاقب باب دوم، فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۵۹۴.

روایات به دست می آید بسیار زیاد می باشد که هریک بیان گر یک ویژگی ممتاز و مدح و تعریف حضرت به حساب می آید. حاجی نوری در کتاب نجم الثاقب این القاب را جمع آوری کرده که بیش از صد و هشتاد لقب می باشد. که بعضی از آن ها را از آیات قرآن و بعضی را از کتب دیگر ادیان و مذاهب و بعضی را هم از روایات و ادعیه برداشت نموده است، (۱) که دراین مجال چون اسامی و القاب حضرت در قرآن و سایر کتب ادیان را بررسی می کنیم به بعضی از این القاب اشاره می کنیم.

القاب حضرت در کتب مذهبی ادیان دیگر:

«صاحب و حاشر» در صحف ابراهیم «قائم» در زبور سیزدهم «قیدمو» در تورات به لغت ترکوم «ماشیع» مهدی بزرگ در تورات به لغت عبدانی «مهمید آخر» در انجیل «پسر انسان» در عهد جدید «فیروز» در کتاب اشعیای پیامبر «سروش ایزد» درزمزم زرتشت «پنده یزدان» در زند و پازند «لندیطارا» در هزار نامه هندیان «خسرو» در کتاب مجوس «پرویز» در کتاب برزین آذر فارسیان «منصور» در کتاب دید براهمه. (۲)

القاب حضرت مهدی در قرآن کریم:

با توجّه به آن که آیات متعددی پیرامون حضرت مهدی(علیه السلام) سخن

ص:۴۴

۱- (۱) . نجم الثاقب، باب دوم

۲- (۲) . نجم الثاقب باب دوم، الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۸۱، فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۹۴.

گفته و مفسرین نیز به آن اعتراف دارند و در بخش آیات مهدویت به آن اشاره کردیم القاب متعددی را که حاکی از وجود آن صفات و القاب در حضرت مهدی دارد می توان نام برد که بعضی از آن ها را مختصراً توضیح می دهیم.

۱. بقیهٔ الله:

از مشهورترین القاب حضرت در قرآن است و به معنی بقیه و بازمانده خلفای خدا در زمین از انبیاء و اوصیاء می باشد. از حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) پیرامون آیه بقیهٔ الله خیرٌ لکم ان کنتم مؤمنین (سوره هود، آیه ۸۶) سوال شد، که این بقیه چیست و کیست؟ حضرت فرمودند اولیای خدا بقیهٔ الله اند و مقصود مهدی(علیه السلام) است که در هنگام پایان پذیری این مهلت خواهد آمد و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد آن گونه که از علم و جور مملو گشته است و از آیات و نشانه های او غیبت است و پنهان شدن، آن گاه که طغیان گسترش یابد و انتقام فرا رسد. (۱)

همچنین از حضرت صادق(علیه السلام) سوال شد آیا می شود به قائم آل محمد به عنوان امیرالمؤمنین سلام کرد؟ حضرت فرمودند: نه این اسمی است که خدا حضرت علی(علیه السلام) را به آن نامیده و قبل و بعد از او جز کافر به این نام نامیده نمی شود، راوی حدیث عرضه داشت فدای شما شوم پس به حضرتش چگونه باید سلام کرد؟ حضرت فرمود: باید گفت السلام علیک یا بقیهٔ الله آن گاه آیه شریفه سوره هود را تلاوت فرمود که بقیت الله خیر

ص:۴۵

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۱۰۶.

لکم ان کنتم مومنین، در دعای ندبه نیز می خوانیم این بقیۀ الله التی لاتخلو من العترۀ الهادیه. (۱)

البته چنان چه از اطلاق آیه قرآن و از متن زیارت جامعه کبیره (۲) به دست می آید همه اهل بیت بلکه جمیع حجج الهی بقیۀ الله و باقی و به جا گذارده شده روی زمین برای هدایت بشر هستند امّا فرق حضرت مهدی با دیگر امامان آن است که بعد از هریک از ائمه دیگری می آمد و اگر بقیۀ الهی از دنیا می رفت بقیۀ الله دیگری به جا می ماند ولی وجود مقدس صاحب الزمان بقیۀ الهی است که پس از او دیگر بقیّه ای نیست و او آخرین بقیۀ الله است و با آمدن او دیگر بقیه ای باقی نمانده است که بیاید. (۳)

۲. خلیفۀ الله

به معنای جانشین خداوند است و جزء القاب حضرت مهدی(عج) شمرده شده است، حضرت مهدی همان خلیفه باقی مانده ای است که قرآن شریف نیز به او اشاره دارد که انی جاعل فی الارض خلیفه. (۴) حضرت مهدی خلیفه خدا به مفهوم حقیقی است و معانی واژه خلیفه را دارا است خداوند او را جانشین پیامبر قرار داده و او برگزیده خدا است نه منتخب

۱- (۱) . مفاتیح الجنان، ص ۸۸۵ دعای ندبه
۲- (۲) . در زیارت جامعه می خوانیم السلام علی الائمۀ الدعاۀ و القاده الهداۀ ... و اولی الامر و بقیۀ الله و خیرته مفاتیح الجنان زیارت جامعه کبیره
۳- (۳) . فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۱۷۲
۴- (۴) . بقره، آیه ۳۰.

مردم و خداوند او را به خلافت انتخاب کرده است چنان چه در زیارت آل یاسین می خوانیم السلام علیك یا خلیفهٔ الله و ناصر حقّه، و پیامبر اکرم هم فرمودند خروج می کند مهدی(علیه السلام) و بر سر او ابری است و در آن منادی ندا می کند این مهدی خلیفه الله او را پیروی کنید. (۱)

۳. حجهٔ الله:

حضرت مهدی(علیه السلام) یکی از محبّت های الهی که به وسیله او غلبه و سلطنت بر خلائق پیدا می کند، چنان چه در قرآن می خوانیم: «قُلْ فَلِلّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ؛ بگو: «پس فقط دلیل رسا برای خداست. و اگر (بر فرض خدا) می خواست، حتماً همه شما را (به اجبار) راهنمایی می کرد.»

حکیمه خاتون، خواهر حضرت امام حسن عسکری(علیه السلام) می فرماید وقتی حضرت مهدی(علیه السلام) متولد شد آن جناب را به نزد برادرم حسن بن علی(علیه السلام) آوردم پس حضرت با دست شریفش روی پر نور او را مسح کرد و فرمود: سخن بگو ای حجهٔ الله و بقیهٔ الانبیاء و ... نقش انگشتر آن حضرت نیز انّا الحجه الله و به روایتی انا حجه الله و خالصته می باشد. (۲)

۴. منتظَر:

انتظار یکی از کلیدی ترین واژه های مباحث مهدویت است که به فرموده رسول اکرم افضل اعمال امتی انتظار الفرج بهترین اعمال امت من

ص:۴۷

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱، فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۳۰۴

۲- (۲) . نجم الثاقب، باب دوم، فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۱۷۱.

انتظـار فرج است (۱) و حقیقت این انتظـار عبارت است از ایمان اسـتوار بر امامت و ولایت حضـرت مهـدی(عـج) و امیـدوار به ظهور مبارک آن واپسـین حجت الهی و نگه داشتن ایمان و صبر و پایداری در برابر ناملایمات که جوهره انتظار را دربردارد و دعا برای تعجیل در فرج شریفش.

در قرآن می خوانیم: «فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِینَ ...» (۲)

این انتظار و منتظر بودن انبوهی از مردم نسبت به چه چیزی است؟ آیا بـدون منتظر معنا دارد . آیا عقل می پسـندد که ما منتظر باشـیم امّا کسـی نباشد که منتظر او باشـیم؟ پس این انتظار حقیقی و عشق سوزان و مقاومت بر سـختی ها تا صـبح امید و ظهور منجی عـالم موجب شـده است لقب منتظر را برای حضـرت مهـدی(علیه السـلام) به وجود بیـاورد که مـا منتظر و انتظار کشـنده باشـیم و او کسـی باشـد که انتظـارش را می کشـند. بنـابراین یکی از القـاب مشـهور حضـرت که از آیـات قرآنی هم می توان استفاده کرد منتظر بودن حضرت است و بسیاری در انتظار او به سر می برند تا پس از اذن ظهور پیدا کردن او از طرف خداوند متعال به یاری او بشـتابند و او را در فراهم ساختن زمینه تشـکیل حکومت عـدل الهی و برچیـدن بساط ظلم و تباهی از سرتاسـر عـالم و برقراری صـلح و امنیـت واقعی که آرزوی همیشـگی انسـان در طـول تاریـخ بـوده است، یـاری کننـد. شخصـی از امـام باقر(علیه السلام) از دلیل منتظر نامیدن حضرت مهدی(علیه السلام) سوال کرد؟ حضرت

ص:۴۸

۱- (۱) . کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷

۲- (۲) . اعراف ۷۱ و یونس ۱۰۲.

فرمودند: او را منتظر می گویند چرا که آن حضرت دوره غیبت بسیار

طولانی خواهد داشت و پیروان مخلص او در طول این دوره با وجود

سختی های زیادی که دارد در انتظار ظهور او به سر خواهند برد و این در حالی است که بسیاری از افراد تردید کننده، قیام و ظهور او را منکر خواهند شد. (۱) در دعای ندبه نیز این صفت اشاره شده است چنان چه می خوانیم این المنتظر لاقامهٔ الاِمْتِ العوج (۲) کجا است آن امامی که مردم به منظور برطرف ساختن اساس گژی و انحراف ها در انتظار او به سر می برند یا در زیارت صاحب الامر می خوانیم السلام علی القائم المنتظر و العدل المشتهر. (۳)

۵. المضطر

یکی از لقب های مشهور امام عصر مضطر است چنان چه امام صادق(علیه السلام) درباره تفسیر آیه امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء. (۴) می فرمایند سوگند به خدا منظور از مضطر در این آیه قائم آل محمد(صلی الله علیه و آله) است وقتی که در آخرالزمان ستم و بی داد و فساد در نتیجه سلطه پیدا کردن مستکبران وانحراف مردم از صراط مستقیم سرتاسر جهان را پرساخت آن حضرت در بین رکن و مقام دو رکعت نماز می خواند و آن گاه دست به دعا برداشته از خداوند تعجیل در فرج خود را می خواهد و

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰ فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۶۹۹

۲- (۲) . مفاتیح الجنان، دعای ندبه

۳- (۳) . مفاتیح الجنان

۴- (۴) . سوره نمل، آیه ۶۲.

پروردگار عالم نیز دعای او را اجابت نموده و به او اذن ظهور می دهد و به دنبال این واقعه مبارک آن حضرت به برکت امدادهای غیبی و هم چنین یاری انسان های مؤمن و شجاع بساط ستم را از روی زمین برخواهد چید. (۱)

در بسیاری از ادعیه و روایات نیز حضرت مهدی با لقب مضطر یاد شده است چنان چه در دعای ندبه می خوانیم این المضطرّ الذی یجاب اذا دعی کجا است آن مضطری که چون دعا کند خواست او به اجابت می رسد.

و در فلسفه این لقب که چرا حضرت مضطر نامیده شده است باید گفت: امام معصوم به عنوان حجّت الهی در خیرخواهی به بندگان خدا و محبت به آنان از پدر و مادر به آن ها مهربان تر است و کدام اضطرار از این سخت تر است که کسی حجت خدا باشد و مسئولیت حفظ و تبلیغ و ترویج و حاکمیّت بخشی به همه احکام و ارزش های الهی را بر عهده داشته باشد، امّا در شرایطی واقع شود که ببیند حکام جور از یک طرف و منافقان و انسان های هواپرست از طرف دیگر احکام حیات بخش الهی را زیر پا می گذارند و بندگان خدا را از مسیر سعادت واقعی منحرف می سازند و آن ها را به بی راهه سوق می دهند و او هیچ راهی برای نجات آن ها ندارد جز آن که با اضطرار شدید از خداوند بخواهد که شرایطی فراهم کند تا بتواند داد مظلوم از ظالم بستاند و ارزش ها را حاکم کند. (۲)

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۱، آیه ۴۸

۲- (۲) . فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۶۷.

۶. نور

یکی دیگر از القاب حضرت حجّت(عج) در قرآن نور است که حضرت امام صادق(علیه السلام) در تفسیر آیه والله مستم نوره (۱) می فرمایند خدا به وسیله ولایت قائم و به ظهور آن حضرت این نور را به اتمام می رساند و هم چنین مراد از نور ربّ در آیه و اشرقت الارض بنور ربّها روشن شدن زمین به نور آن حضرت است یا منظور از نور در آیه نور که می فرماید یهدی الله لنوره من یشاء حضرت مهدی(علیه السلام) است چنان چه جابربن عبدالله انصاری می گوید در مسجد کوفه داخل شدم در حالی که امیرالمؤمنین با انگشتان مبارک خود می نوشت و تبسم می کرد. عرض کردم یا امیرالمؤمنین چه چیز شما را به خنده آورده است؟ فرمود عجب دارم از آن که این آیه را می خوانند ولی به حق به آن معرفت ندارد. گفتم کدام آیه فرمود الله نورالسموات و الارض (۲) (که به آیه نور معروف است) که «مثل نوره کمشکوة» مشکوه حضرت محمد است «فیها مصباح» منم آن مصباح زجاجة الزجاجة حسن و حسین هستند «کانّها کوکب دُرّی» علی بن الحسین است و «یوقد من شجرة مبارکه» محمد بن علی است «زیتونه» جعفر بن محمد است «لاشرقیه» علی بن جعفر است و «لاغربیه» علی بن موسی الرضا است یکاد زیتها یعنی محمدبن علی است «لولم تمسه النار» علی بن محمد است «نور علی نور» حسن بن علی است و یهدی الله لنوره من یشاء قائم مهدی(علیه السلام) است. (۳)

۱- (۱) . سوره صف، آیه ۸

۲- (۲) . سوره نور

۳- (۳) . نجم الثاقب، باب دوم.

۷. حق

بر حق بودن حضرت حجّت هیچ جای شک و تردیدی نیست لذا امام باقر(علیه السلام) ذیل آیه خداوند در قرآن که می فرماید قل جاء الحق فرموده اند حق حضرت مهدی(علیه السلام) است و خداوند به جهت تأکید بر این که حتماً خواهد آمد با لفظ ما فی جاء (آمده است) تعبیر فرمود، گویا که محقق شده است چنان چه در زیارت حضرت حجت می خوانیم السلام علی الحق الجدید. (۱)

۸. ضُحی

یکی دیگر از القاب شریف حضرت مهدی(علیه السلام) در قرآن ضحی می باشد که در تفسیر آیه و الشمس و ضحیها (۲) آمده است منظور از شمس (خورشید) رسول الله است و ضحای شمس (نور خورشید) قائم(علیه السلام) است و طبق بعضی از روایات ضحا و روشنائی خورشید خروج حضرت از پس پرده غیبت است و این مسلّم است که پرتو نور رسالت و شعاع خورشید نبوت توسط حضرت مهدی(عج) بر شرق و غرب عالم خواهد تابید. (۳)

ص:۵۲

۱- (۱) . نجم الثاقب، باب دوم، فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۲۸۰

۲- (۲) . سوره شمس، آیه ۱

۳- (۳) . نجم الثاقب، باب دوم.

۹. ناقور

نـاقور به معنـای صوری است که در آن دمیـده می شود و صـدا از او خـارج می شود، امـام صادق(علیه السـلام) در تفسـیر آیه شریفه فاذا نقر فی الناقور (۱) می فرمایند هرگاه خداوند اظهار امرش (حضرت حجت(عج) را اراده کرد در دلش می افکند آن گاه ظاهر می شود و خروج می کند به امر خداوند. (۲)

۱۰. خنَّس

خُنّس به معنای سیّاره ای است که برای آن ها محل سیری مشخص است مانند مریخ و زهره و عطارد و یکی از القاب حضرت حجّت به شـمار می رود چون او سـتاره ای است درخشان که سـیر خود را می کند و زمانی پنهان می شود و به دور از دسترس است تا زمانی که خداونـد بخواهـد و آن سـتاره بدرخشد چنان چه ام هانی می گوید حضـرت امام محمد باقر(علیه السـلام) را ملاقات کردم و از ایشان پیرامون آیه فلا اقسم بالخنّس سوال کردم حضرت فرمود: خنّس آن امامی است که پنهان می شود در زمان خود. (۳)

۱- (۱) . سوره مدثر، آیه ۸

۲- (۲) . نجم الثاقب، باب دوم

۳- (۳) . همان.

نجات بخش آخرالزمان در ادیان دیگر

پرسش:

آیا نجات بخش آخرالزمان در ادیان دیگر نیز مطرح است؟

پاسخ:

مقدمه:

امید به آینده و استقرار صلح و عدل جاویدان، امری فطری و طبیعی است که با ذات وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی شناسد و به هیچ قوم و ملتی اختصاص ندارد.

از این رو، همه افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی فرارسد که جهان بشریّت در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یافته، شور و بلوا در جهان پایان پذیرد و انسان ها از وضع فلاکت بار موجود نجات یابند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه ای نایل آیند.

ص:۵۵

به همین دلیل، در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان، از مصلحی که در آخرالزمان ظهور خواهد نمود و به جنایت ها و خیانت های ضد انسانی خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد – سخن به میان آمده و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان نویدهایی داده اند.

در این زمینه، یکی از نویسندگان معروف چنین می نویسد:

«موضوع ظهور و علایم ظهور، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت خاصی است. صرف نظر از عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می دهد، هر فرد علاقه مند به سرنوشت بشریت، و طالب تکامل معنوی، وقتی که از همه ناامید می شود، و می بیند که با وجود این همه ترقیات فکری و علمی شگفت انگیز، باز متأسفانه، بشریت غافل و بی خبر، رو به روز خود را به سوی فساد و تباهی می کشاند و از خداوند بزرگ بیشتر دوری می جوید، و از اوامر او بیشتر سرپیچی می کند؛ بنا به فطرت ذاتی خود متوجه درگاه خداوند بزرگ می شود، و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می جوید.»

از این رو در همه قرون واعصار، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل های خداپرستان وجود داشته است. و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ، مانند: زرتشتی و یهودی و مسیحی و مسلمانان، سابقه دارد، بلکه آثار آن را در کتاب های قدیم چینیان و در عقاید هندیان، و در بین اهالی اسکاندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان و حتی

مکزیک و نظایر آن ها نیز می توان یافت. (۱)

ناگفته نماند که پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، و دیگر ملل و اقوام گذشته و مکاتب مختلف جهان درباره نام آن بزرگوار با هم اختلاف نظر دارند، مسلمانان او را «مهدی موعود منتظر(علیه السلام)» و پیروان سایر ادیان و مکتب ها و ملت ها و توده های محروم وی را «مصلح جهانی یا مصلح غیبی یا رهاننده بزرگ یا نجات بخش آسمانی و یا منجی اعظم» می نامند؛ ولی درباره اوصاف کلّی، برنامه های اصلاحی، تشکیل حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی، و ظهور او در آخرالزمان اتفاق نظر دارند. (۲)

اینک به بررسی مسئله مهدویت از دیدگاه ادیان مختلف و مهم جهان می پردازیم.

الف. نجات بخش آخرالزمان در مسیحیت

اندیشه بازگشت عیسی مسیح(علیه السلام) یکی از مهم ترین باورهای جامعه مسیحیت را تشکیل می دهد. از دیدگاه آنان مسیح(علیه السلام) به صلیب کشیده شده و به شهادت رسیده است. سپس به آسمان ها رفته و در آخرالزمان برمی گردد و جهان را درخشان می سازد و آخرین نجات دهنده است. چنان که در انجیل آمده است:

خدای پدران ما آن عیسایی را که شما به صلیب کشیده و کشتید بر می خیزاند، او را خدا بر دست راست خود بالا برده سرور و نجات دهنده

ص:۵۷

۱- (۱) . مقدمه کتاب «مهدی موعود» ترجمه جلد سیزدهم بحار، ص۱۷۷، و مهدی انقلابی بزرگ، ص ۵۷

۲- (۲) . او خواهد آمد، ص ۷۵.

ساخت، تا اسرائیل را توبه و آمرزش گناهان بدهد». (۱)

ولیکن شنیده و دانسته ایم که این مرد (موعود) به راستی مسیح است و خلاصه کننده ی عالم. (۲)

درباره اندیشه مهدویت، در انجیل موجود، قطعه هایی وجوددارد که چراغ انتظار را در میان مسیحیان روشن می دارد، به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می کنیم.

در انجیل لوقا آمده است:

کمرهای خود را بسته و چراغ های خود را افروخته بدارید، باید مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ در را برای او باز کنند، خوشا به حال آن غلامانی که آقای ایشان چون آید آنها را بیدار یابد، پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که شما گمان نمی برید، پسر انسان می آید. (۳)

در جای دیگر از انجیل لوقا به علائم ظهور اشاره شده است.

و چون اخبار جنگ ها و فسادها را بشنوید مضطرب مشوید زیرا که وقوع این امور ضرور است لیکن انتها، در ساعت نیست. پس به ایشان گفت قومی به قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند کرد و

۱- (۱) . اعمال رسولان، ج ۵، ص ۳۱

۲- (۲) . انجیل یوحنا، فصل ۸، باب ۴، ص ۲۵۳

۳- (۳) . انجیل لوقا، باب ۱۲، شماره ۳۵ - ۴۰.

زلزله های عظیم در جای ها و قحطیها و وباها پدید و چیزهای هولناك و علامات بزرگ از آسمان ظاهر خواهد شد.

و قبل از این همه بر شما دست اندازی خواهند کرد و جفا نموده شما را بکنایس و زندان ها خواهد سپرد و در حضور سلاطین و حکام به جهت نام من خواهند برد.» (۱)

در انجیل متی آمده است:

اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کند بقسمی که شبان میشها را از بزها جدا می کند. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید بیایید ای برکت یافتگان از پدر من و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آمده شده است به میراث گیرید... (۲)

در جای دیگر انجیل متی آمده است:

آنگاه اگر کسی به شما بگوید اینك مسیح در این جا یا در آنجاست باور مکنید، زیرا که مسیحیان کاذب و انبیاء کذبه ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را گمراه کردندی.

اینك شما را پیش خبر دادم. پس اگر شما را گویند اینك در

۱- (۱) . همان، باب ۲۱، شماره ۹ - ۱۲، و نیز ر.ك: باب ۲۱ شماره ۸، ۱۶، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۲

۲- (۲) . انجیل متی، فصل ۲۵، شماره ۳۱ - ۳۴ (به نقل از ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۳۲).

صحراست بیرون مروید یا آن که در خلوتست باور مکنید. زیرا هم چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد. (۱)

در انجیل مرقس آمده:

پس بیدار باشید زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید، در شام یا نصف شب یا با بانگ خروس یا صبح مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. اما آن چه به شما می گویم و به همه می گویم بیدار باشید. (۲)

هم چنان که ملاحظه می شود این قطعه ها از انجیل، به صراحت مسیحیان را به انتظار سازنده و آمادگی برای آمدن منجی و مصلح جهانی دعوت می نماید و آنان را به این نکته متوجه می سازد که هرکس امید به آمدن پسر انسان دارد؛ باید بیدار و آماده باشد و آمادگی پذیرش او را در خود ایجاد کند.

مسیحیان به جهت شوق به بازگشت عیسی(علیه السلام) دچار توهماتی شدند و تاریخ هایی را برای این رویداد پیشگویی کردند. لذا فرقه های متعددی پدید آمد. مثلاً گروه آناباتیستها در قرن شانزدهم برای آماده کردن زمینه ی سلطنت هزار ساله حضرت عیسی(علیه السلام) به پا خاستند و برخی از شهرها را برای مدتی در اختیار گرفتند، ولی آنان را بی رحمانه سرکوب

۱- (۱) . انجیل متی، باب ۲۴، شماره ۲۳ تا ۲۷ و نیز ر.ک: همان شماره ۲۷ - ۴۲

۲- (۲) . انجیل مرقس، باب ۱۳، شماره ۳۵.

کردند. و یا ایروینگینان برای سرعت بخشیدن به ظهور آن حضرت،

دوازده حوری تعیین کردند ولی از این انتظار طرفی نبستند، ویا اینکه گروه گواهان یهوه برای پذیرایی از حضرت عیسی(علیه السلام) و انبیای پیشین در آمریکا آپارتمان تهیه کردند. (۱)

شوق انتظار در مسیحیت معاصر

در میان مسیحیت معاصر هم، شوق انتظار هنوز زنده است. برای اثبات این مطلب موارد زیر را به عنوان شاهد ذکر می کنیم: همان طوری که عده ای از مسیحیان بر این عقیده هستند که عیسی به زودی خواهد آمد و حکومت هزار ساله تشکیل خواهد داد، از این رو از دیرباز گروه های کوچکی به هزاره گرایی در مسیحیت پدید آمده آند که همه سعی و تلاش خود را به آمادگی برای ظهور دوباره حضرت عیسی(علیه السلام) در آخرالزمان مصروف می دارند مثلاً فرقه ادونیستهای روز هفتم که قبل از سال ۱۸۴۳ به وجود آمدند و تا عصر ما باقی هستند. (۲)

یکی از رهبران مسیحی ایران، ملی مصاحبه ای چنین اظهار می دارد:

دین ما نیز مثل اکثر ادیان دیگر که به آمدن فردی اعتقاد دارند - به ظهور مجدد حضرت عیسی(علیه السلام) اعتقا دارد، همه مسیحیان هم به این معتقدند چون حضرت ایشان اعلام کرده اند و در انجیل هم آمده است که حضرت عیسی(علیه السلام) فرمود: من اکنون می روم و باز خواهم گشت. حتی

۱- (۱) . حسین توفیقی، مجله موعود، ش ۱۷، مقاله هزاره گرایی در مسیحیت، ص ۱۹ و ۹۳ (به نقل از: معارف مهدوی، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم)

۲- (۲) . همان.

کلیسای ما نیز یکی از یکشنبه های عید خود را یکشنبه بازگشت (۱) نامیده است.» (۲)

ب. یهودیت و مسئله منجی:

قسمت اوّل از کتاب مقدس به عهد عتیق معروف است که این قسمت همان کتاب تورات یهود و ملحقات آن است و در این کتاب بشاراتی در مورد مسئله مهدویت آمده است.

۱. در مزمور ۳۷ از مزامیر داوود نبی آمده است:

خداوند دارد نبی را به وسیله ی انتظار تسلّی می دهد. و او را به انتظار دعوت می نماید و به او وعده داده می شود که از اکثریت شروران واهمه نداشته باشد. با این بیان که ای داود! ذهنت را مشوش نساز که البته منتظران را خداوند وارث زمین قرار خواهد داد. و آنان که لعنت شده اند پراکنده خواهند شد و صالحان از مردم همان کسانی هستند که زمین را به میراث برند و تا فرجام حیات جهان در آن زیست کنند. (۳)

مصداق همین توصیه چشم به راهی و انتظار نیز در قرآن کریم بیان شده است.

ص:۶۲

۱- (۱) . منظور از یکشنبه های عید، عشای ربانی است که در رأس شعائر هفتگانه مسیحیان قرار دارد که در آن نان و شراب می خورند، به عنوان جسم و خون حضرت عیسی(علیه السلام) مسیحیان این مراسم را در یکشنبه ها برگزار می کنند. ر.ک: ادیان بزرگ جهان، هاشم رضی، ص ۵۵۶ - ۵۵۷

۲- (۲) . مهدی تجسم امید و نجات، عزیزالله حیدری، ص ۶۸ (به نقل از معارف مهدوی، ص۲۵)

۳- (۳) . کتاب مقدس، سفر مزامیر داود، مزمور ۳۷، همچنین ر.ک: همان مزمور ۲۷.

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ؛ (۱)و بيقين در «زَبُور» بعد از آگاه كننده [تورات] نوشتيم كه: «بندگان شايسته ام، آن زمين را به ارث خواهند برد.»

۲. در كتاب مقدس حيقوق نبی آمده است:

اگر چه تأخير نمايد برايش منتظر باش،زيرا كه خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود، بلكه جميع امت ها را نزد خود جمع می نمايد و تمام قوم ها را برای خويش فراهم می آورد. (۲)

قرآن كريم نيز در دو مورد به اين موضوع پرداخته است:

«قُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانتَظِرُوا إِنِّی مَعَكُم مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ؛ (۳)پس بگو: «(آنچه از حسّ) پوشيده، تنها برای خداست؛ پس منتظر باشيد، [چرا] كه من (هم) با شما از منتظرانم.»

«قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَكُم مِنَ الْمُنتَظِرِينَ؛ (۴)بگو: «پس منتظر باشيد كه من (هم) با شما از منتظرانم!»

۳. در كتاب مقدس صفنيای نبی آمده است:

منتظر باشيد زيرا هدف من اين است كه امت ها را جمع نمايم و ممالك را فراهم آورم، در آن زمان زبان پاك به امت ها باز خواهم داد تا

۱- (۱) . انبياء ۱۰۵

۲- (۲) . كتاب مقدس، حيقوق نبی، عهد قديم، باب دوم

۳- (۳) . يونس / ۲۰

۴- (۴) . همان / ۱۰۲.

جمع آنان اسم خدا را بخوانند و یک دل او را عبادت نمایند. (۱)

۴. در کتاب مقدس دانیال نبی آمده است:

در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت قائم است، خواهد ایستاد و در آن زمان قوم تو هر کسی که در آن کتاب مکتوب یافت شده است نجات خواهد یافت. (۲)

اما تو ای دانیال کلمات را مخفی کن و کتاب را به زمان انجام کار مختوم ساز حینی که بسیاری گردش کرده علم زیاد گردد. (۳) و آن مرد ملبس شده به کتان را که بالای آبهای نهر می ایستاد، شنیدم در حالتی که دست راست و دست چپ خود را به سوی آسمان بلند کرده به حیّ ابدی سوگند یاد نمود که برای یک زمان و زمان ها و نیم زمان خواهد کشید و به محض تمام شدن پراکندگی قوت قوم مقدس همگی این حوادث به انجام خواهد رسید. (۴)

۵. در کتاب اشعیاء آمده است:

و نهالی از تندیشی برآمده شاخه از ریشه هایش قد خواهد کشید و روح خداوند که روح حکمت و فطانت و روح مشورت و جبروت و روح علم و خشیت از خدا است بر آن خواهد آرامید و او را در خشیت خداوند نیز

۱- (۱) . کتاب مقدس صفنیای نبی، باب سوم، شماره ۸و۹

۲- (۲) . کتاب دانیال نبی، فصل ۱۲، شماره ۱

۳- (۳) . همان، شماره ۴

۴- (۴) . همان، شماره ۷.

هوش گردانید. موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوش هایش

تنبیه نخواهد فرمود بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی نتیجه خواهد نمود و زمین را به عصای دهانش زده به روح لبهایش شریر را خواهد کشت. و کمربند کمرش عدالت و وفا نطاق میانش خواهد بود و گرگ با برّه سکونت داشته، ببر با بزغاله و هم گوساله و پرواریها با شیرجوان هم خوابه خواهند شد و طفل کوچک راعی ایشان خواهد بود. (۱)

ی هودیت معاصر و مسئله مهدویت

چشم به راهی و انتظار آمدن شخصی فوق العاده در بحرانی ترین ایام روزگار و دادرسی او نسبت به بندگان خدا در منابع کنونی یهود با همه تحریفاتی که طی قرون متمادی در آن ها رخ داده است قابل توجه و عنایت است. به طوری که در عصر حاضر مشاهده می کنیم که ادعیه و عبادات جامعه یهود خالی از انتظار نیست و کاملاً این عقیده در آن هاملموس است که در این جا به چند نمونه اشاره می کنیم:

۱. در کلمات قدوشا (۲) از انتظار سخن به میان آمده است، و این نمونه بارزی است بر این که یهودیان معاصر از جمله منتظرین می باشند و امید و چشم به راهی آنان را در اذهان متبلور می سازد، در آن جا که به منجی و موعود خود اشاره می کند و می گوید:

۱- (۱) . کتاب اشعیاء، فصل ۱۱،شماره ۶-۱ و ر.ك: همان شماره ۱۰-۷، فصل۶۵، شماره ۲۵-۱۶

۲- (۲) . قدوشا: نیایش و ادعیه هفتگی و اعیاد یهود می باشد که از کلمات مقدس تشکیل یافته است.

«ای پادشاه ما! از مقامت ظاهر شو و بر ما حکم فرمایی کن چون ما

در انتظار تو هستیم.» (۱)

۲. یهودیان هم اکنون هر ساله در مراسم سالگرد بنیانگذاری اسرائیل (۲) مراسم باشکوهی برپا می کنند و در آن مراسم ادعیه ای خوانده می شود و از جمله آن ادعیه این دعا است:

اراده ی خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد. (۳)

۳. نمازنامه های یهود (۴) که در بند هفتم آن به انتظار اشاره شده است:

«چشمان ما ببیند که تو از در رحمت به صهیون (۵) باز می گردی»

و در فراز دیگری از آن نمازنامه آمده است:

«این اسیران بیچاره در سرزمین های بیگانه هم چون غلامان و کنیزان از روزی که آنان را ترک کرده ای منتظر تو هستند.» (۶)

همان گونه که مشاهده نمودید در عصر کنونی در جامعه ی یهودیّت همانند گذشتگان به انتظار معتقدند و در مجموع کامل ترین و اصیل ترین بیان در انتظار مسیحائی در منابع یهود موج می زند.

۱- (۱) . انتظار مسیحا در آیین یهود، جولیوس کرینستون، ترجمه حسین توفیقی، ص ۷۷

۲- (۲) . پنجم ماه عیار عبری

۳- (۳) . انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۱۳

۴- (۴) . نمازنامه هیا یهود بیانی است از آرمان های بلند انبیاء و تأملات دانایان و فیلسوفان و تخیلات عارفان که عالمان دینی یهود آن را تنظیم نموده اند (معارف مهدوی، ص ۲۸)

۵- (۵) . نام تپه ای در شهر اورشلیم است

۶- (۶) . انتظار مسیحا در آیین یهود، جولیوس کرینستون، ترجمه حسین توفیقی، ص ۱۸۳.

ج) زرتشتیان و مسئله منجی:

بیشتر پژوهشگران اسلامی بر وجود شخصیتی به نام زرتشت باور دارند و اگرچه در خصوصیات زندگی و پیغمبر بودن او دچار تردیدند، اما اغلب مورخان اسلامی او را شاگرد با واسطه ی ارمیای نبی و یا عزیز نبی می دانند. (۱)

اما زرتشتیان بر این باورند که قرن ها قبل از میلاد مسیح، (۲) زرتشت به دنیا آمد و در ۳۰ سالگی پس از آن که مکاشفه ای به او دست داده از جانب اهورا مزدا - نام خدا در آیین زرتشت - به پیامبری مبعوث شد، (۳) و اگرچه اوستا منشأ تضاد و تناقض بی شمار در ثنویت و توحید است؛ (۴) اما زرتشتیان امروزی خود را یکتاپرست می دانند.

کتاب مقدس مزدیسنا - زرتشت - اوستا (۵) است.

احتمالاً ـ آیین زرتشت، نخستین دینی بود که پیروزی نهایی خوش رفتاری بر بدرفتاری و بشارت آمدن منجی و آبادانی جهان را تعلیم داد. (۶)

زرتشتیان با عنایت به بشارت های اوستا - بر این باورند که بعد از

زرتشت و قبل از پایان جهان در سه فاصله هزار سال، سه منجی به

۱- (۱) . خدمات متقابل اسلامی و ایران، داوود الهامی، ص ۶۲

۲- (۲) . بین ۶۶۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد مسیح

۳- (۳) . گات ها، ابراهیم پورداود، ص ۲۸

۴- (۴) . آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، ص ۶۶

۵- (۵) . اوستا به معنی معرفت است و قسمت های آن عبارتند از: یسنا، و یسپرد، یشت ها، و ندیدا، ر.ك:ادیان و مذاهب بزرگ جهان، رابرت ا. هیوم، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۳۳۱

۶- (۶) . همان.

نام های آشود، آشودرماه، سوشیانت (سوشیانس) خواهند آمد و یکی پس از دیگری جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد. (۱)

سوشیانت سوّم (۲) هنوز زاده نشده و نو کننده و رهاننده جهان در پایان هزاره سوم است. او سومین پسر آینده زرتشت و آخرین آفریده و مخلوق اهورا مزدا شمرده شده است. (۳)

اینک به مواردی از کتاب اوستا و دیگر آثار زردشت و زردشتی که پیرامون مهدویت است اشاره می کنیم:

۱. کی ای مزدا، (۴) سپیده درخشان پیروزی، جهان را در برخواهد گرفت. کی درخشندگی آفتاب دین، همه جا را تابان خواهد ساخت؟ کی سوشیانت ها فراوانی و زیادی خواهند یافت تا از پرتو کار و کردارشان دین گسترده شود. (۵)

۲. در کتاب جاماسب که از کتب زرتشتیان است آمده است که:

مردی بیرون آید از زمین تا زیان از فرزندان هاشم مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر دین جد خویش بود با سپاه بسیار و روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین پرداد کند ...» (۶)

ص:۶۸

۱- (۱) . آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، ص ۶۶

۲- (۲) . سوشیانت سوم، استوت ارتد نام دارد

۳- (۳) . ر.ک: سوشیانت، علی اصغر مصطفوی، ص ۶۰

۴- (۴) . مزدا همان اهورا مزدا، یعنی خداوند است

۵- (۵) . اوستا بخش یسناهات ۴۶

۶- (۶) . ادیان و مهدویت، ص ۱۹.

۳. در کتاب گات ها که بخشی از اوستای زردشت می باشد گوید:

کی ای مزدا بامداد روز فراز آید جهان دین راستین فراگیرد با آموزش های فزایش بخش پر خرد رهانندگان کیانند آنانی که بهمن به یاریشان خواهد آمد از برای آگاه ساختن من ترا برگزیدم... (۱)

۴. در فروردین یشت قسمت دیگر اوستا فقره ۱۴۶ آمده است:

بشود فرهوشی ها - ارواح و قوای نیکان - به زودی در این جا به دیدار ما بشتابند، بشود که آنان به یاری ما آیند و هنگامی که به تنگنا افتاده ایم یاوری آشکار خویش نگهداریمان کنند، با پشتیبانی اهورا مزدا.

زرتشتیان معاصر و مسئله مهدویت

زرتشتیان در زمان معاصر با خواندن ادعیه و دیگر مراسم عملاً منتظر بودن خود را به اثبات می رسانند.

۱. خواندن سه بار دعای (اشم اهورا مزدا) که واژه های نخستین از بند اول کرده ۱۳ و یسپرد و دیگر اعمال آن، برای ظهور سه موعود مزدیناست و چنان چه این دعا به خوبی و درستی خوانده شود، ایشان زودتر به جهان می آیند و دنیا را آبادتر و امن تر می کنند. (۲)

۲. بهترین مردمان در ایام سخت پیش از ظهور کسی است که علی رغم کمرنگ شدن و اضمحلال دین و دینداری هنوز کشتی نشان و

۱- (۱) . گات ها، ابراهیم پورداود، ص ۹۸ تحت عنوان بامداد روز

۲- (۲) . مهدویت در اسلام زرتشت، علیرضا ابراهیمی، ص ۱۱۳.

کمربنـد مخصوص آیین زرتشتی را در میان بسـته باشد و به این آیین وفادار بماند و به خواندن دعاهای وارده مبادرت ورزد تا ظهور موعودها

زودتر فرارسد. (۱)

د) هندوئیسم و مسئله منجی:

انـدیشه منجی در آیین هنـد و بـا شخصـیت کلکی یا کلکین شـکل می گیرد. بنابر فکر هنـدویی، جهان از چهار دوره ی رو به انحطاط تشـکیل می شود. در چهارمین دوره یعنی عصر کلی، سراسر جهان را ظلم و تاریکی فرا می گیرد، ناشایستگان بر جان و مال مردم مسـلط می شونـد، دروغ و دزدی و رشوه سایه سـیاه خویش را بر دنیا می گسترانـد. در این عصـر که بنابر باورهای هنـدویی، مـا اکنون در آن به سـر می بریم فقـط به یـک چهـارم دَرْمِه (نظم کیهـانی یـا دین) عمل می شود و سه چهارم آن به دست فراموشی سپرده می شود.

در پایـان چنین دوران سـیاهی دهمین و آخرین تنزل (اوتاره) ویشـنو (۲) که کلکی یـا کلین نـام دارد، سوار بر اسبی سـفید و با شمشیری آخته و شهاب گون ظهور می کند تا شرارت و ظلم را ریشه کن کند و عدالت و

ص:۷۰

۱- (۱) . همان ص ۱۱۷

۲- (۲) . در آیین هنـدو سه خـدا وجود دارد، برهما، شـینوا و شـیوا، «برهما» همان خدای پدر یا خدایی است که جسم نیست و غیر متناهی است و ازلی و ابدی می باشد. «ویشـنو» خدایی است که خالق موجودات است و «شیوا» خدای میراننده موجودات و آورنده سیل و خشک کننده درختان است.

فضیلت را برقرار سازد. (۱)

این نکته شایان توجه است که هندویان براساس کتب مقدسشان

منتظر حضرت ولی عصر هستند و کتاب های آنان اسم حضرت را برده و از قیام ایشان بشارت داده است (۲) که به نمونه هایی اشاره می شود.

۱. در کتاب دید که نزد هندویان کتب آسمانی است آمده:

پس از خرابی دنیا (هرج و مرج شدنش) پادشاهی در آخرالزمان ظاهر می شود که پیشوای خلایق شود و نامش منصور (۳) باشد و تمام عالم را بگیرد و تمام اشخاص را از مؤمن و کافر بشناسد.

۲. شاکموتی پیامبر هندوها در کتاب خود نسب یحیی را به سیر خلایق می رساند و چنین بیان می دارد:

پادشاهی دنیا به فرزند سیر خلایق دو جهان کشن (۴) بزرگوار تمام می شود. او کسی است که بر کوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و بر ابرهایی سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او شوند و از سودان که زیر خط استوا است تا ارض تسعین که زیر قطب شمال است و ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او قائم است و خداشناس باشد. (۵)

۱- (۱) . مجله هفت آسمان، ش ۱۲و۱۳، مقاله گونه شناسی موعود در ایان مختلف، ص ۱۱۶

۲- (۲) . معارف مهدوی، ص ۳۳ و ۳۴

۳- (۳) . منصور یکی از القاب و اسامی حضرت ولی عصر(عج) است که در دعای ندبه نیز آمده است «این المنصور علی من اعتدی»

۴- (۴) . کشن به لغت هندی نام پیامبر اسلام است

۵- (۵) . مصلح جهانی، سید هادی خسروشاهی، ص ۶۰.

۳. در کتاب پاتکیل از اعاظم هندوان که در نزد آنان صاحب کتاب آسمانی است راجع به منجی آخرالزمان بشارت داد که او از نسل پیامبر اسلام و صی او علی بن ابیطالب است که نام وی راهنما می باشد.

که چون مدت روز تمام شود دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخرالزمان. (۱)

و دیگری صدیق اکبر یعنی وصی بزرگتر وی که پشن (۲) نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه راهنما است (۳) بحق پادشاه شود و خلیفه رأم (۴) باشد وحکم براند و او را معجزه بسیار باشد هرکه پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند سرخ روی باشد در نزد رأم و دولت او بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان ناموس اکبر زیاد باشد و آخر دنیا به او تمام شود... (۵)

بنابراین روشن است که اعتقاد به آمدن یک منجی و مصلح جهان عقیده ای قطعی در نزد هندوها است و این اعتقاد به طور وسیع و گسترده ای در میان آنان رواج دارد، چنان که در بسیاری از کتاب های مقدسشان به آن بشارت داده اند.

۱- (۱) . ناموس آخرالزمان یعنی حضرت محمد(صلی الله علیه و آله)

۲- (۲) . پشن نام هندی علی بن ابی طالب(علیه السلام) است

۳- (۳) . راهنما نام حضرت مهدی(علیه السلام) و نامش نیز هادی و مهدی و قائم بالحق است

۴- (۴) . رام به لغت سانسکریتی نام خداست

۵- (۵) . ر.ک: ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۲۰.

ه-) بودیسم و مسئله منجی:

آیین بودا یکی از شاخه های کیش هندوست که از هندوستان بیرون آمده و سراسر مناطق خاوری را در نوردیده است و به علت گسترش در

مناطق پر جمعیت جهان، پیروان زیادی دارد. (۱)

اندیشه موعود گرایی در آیین بودائیان با مفهوم میتریه تبیین می گردد، میترویه (۲) در الهیات بودایی او را بودای پنجم و آخرین بودا از بودائیان زمین می دانند که هنوز نیامده است اما خواهد آمد تا همگان را نجات دهد. او را در نماد نگاری بودایی به هیبت مردی در وضعیت نشسته ی آمادهٔ برخاستن نمایش می دهند تا نمادی از آمادگی وی برای قیام باشد. (۳)

اندیشه انتظار و اعتقاد به موعود، تا آن جا در میان بودائیان رواج داشته و دارد که در آرزوی به سر آمدن انتظار، بعضی اوقات افرادی را مصداق منجی موعود پنداشته اند. به عنوان نمونه در شمال برمه مردم عقیده دارند بودا از رهبران دینی معاصر پادشاه جهان و همان بودای آینده یعنی میتریه بوده است و یا در میان بودائیان آسیا فراوان پیش آمده که رهبران آینده یعنی میتریه بوده است و یا در میان بودائیان آسیا

۱- (۱) . پیروان این آ ین در کشورهای چین، کره و ژاپن، مغولستان، تبت، هند و چین، تایلند، یاسیام و برمه زندگی می کنند (ر.ک: خلاصه ادیان، محمد جواد مشکور، ص ۷۰)

۲- (۲) . واژه میترویه در زبان سانسکریت به معنای «مهربان» است

۳- (۳) . مجله هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳، مقاله گونه شناسی موعود در ادیان مختلف، ص ۱۱۸ - ۱۱۷.

فراوان پیش آمده که رهبران و پایه گذاران جریان های دینی اجتماعی را، همان میتریه می انگاشته اند. (۱)

جالب توجه است که بودائیان نیز براساس بعضی از کتاب های

مقدسشان مانند مسلمانان منتظر ظهور شخصیتی هستند که از نسل پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) است چنان که بودائیان در کتاب دادانگ از قول بودا نقل می کنند که او گفته:

آن وقت (بعد از پر شدن عالم از فسق و گناه) دست راستین جانشین مماطا ظهور کند خاور و باختر عالم را بگیرد، آدمیان را به راه خوبی ها رهبری کند. او تنها حق و راستی را قبول کند و بسیار کسان را بکشد و خلایق را هدایت کند ... (۲)

روشن است که موعود گرایی و عقیده منجی آخرالزمان در میان بودائیان عقیده ای اصیل و قطعی است علاوه بر این که با اثبات قطعی بودن عقیده به ظهور منجی، مسئله انتظار و منتظر بودن آنان نیز ثابت می شود زیرا انتظار از آثار و نتائج عقیده به ظهور منجی است که در آیین هندو روشن گردید. (۳)

ص:۷۴

۱- (۱) . همان، ص ۱۱۹

۲- (۲) . ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۲۲

۳- (۳) . ر.ک: معارف مهدوی، ص ۳۷.

نتیجه گیری:

بنـابراین روشن می شـود که در تمـام ادیـان و مـذاهب مختلف جهـان، از مصـلحی که در آخرالزمـان ظهور خواهـد نمود و به جنایت ها و خیانت های ضـد انسانی پایان خواهـد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهـد نهاد - سـخن به میان آمده است و تمام رسولان و سـفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان نویدهایی داده اند هرچند مذاهب مختلف در مورد نام آن مصلح و ویژگی های او و علائم ظهور او؛ تفاوت هایی با یکدیگر دارند.

ص:۷۵

چه کسی بر امام زمان نماز می خواند

پرسش:

اگر هر امامی را امام معصوم غسل می دهد و نماز او را می خواند، پس بر حضرت مهدی(علیه السلام) چه کسی نماز خواهد خواند؟ و آیا رجعت ممکن است؟

پاسخ:

آنچه از روایات معصومین استفاده می شود آن است که حضرت امام حسین(علیه السلام) در زمان حکومت حضرت مهدی(علیه السلام) زنده می شوند و هنگامی که حضرت مهدی(علیه السلام) از دنیا رفتند عهده دار غسل و نماز و دفن حضرت می شوند.

رسیدگی به کفن و دفن امام معصوم با چه کسی است؟

مشهور است که امام معصوم را غیر از امام معصوم غسل نمی دهد و اکثر کتب تاریخی نیز این قضیه را نقل نموده اند و در منابع روائی هم روایاتی بیان شده که اجمالاً این مطلب را ثابت می کند و مرحوم کلینی

ص:۷۷

در کتاب شریف کافی (۱) بـابی را تحت عنوان «امـام را جز یکی از ائمه غسـل نمی دهنـد» آورده است. امـا فقط ۳ روایت از حضرت امام رضا(علیه السلام) نقل می کند که دلالت آنها صریح نیست و احتمالات دیگری نیز داده می شود مثلاً:

ابو معمر می گوید از امام رضا(علیه السلام) پرسـیدم که امام را امام غسل می دهد؟ حضـرت فرمودند: سنتی (شیوه ی نیکو و مسـتحب) است از موسـی بن عمران، یکی از شـیعیان نیز به حضـرت امـام رضا(علیه السـلام) عرض می کنـد «واقفیه» (۲) با ما مشاجره می کننـد و می گویند: امام را جز امام، غسل نمی دهد (کنایه از اینکه امام کاظم(علیه السـلام) در بغداد شـهید شده و فرزنـد او علی بن موسـی(علیه السـلام) در مـدینه بودند چگونه ممکن است ایشان را غسل داده باشـند. پس پدر خود را غسـل نداده اند و چون امام را امام باید غسل دهد پس علی بن موسی الرضا(علیه السلام) امام نیستند.)

امام رضا(علیه السـلام) فرمودنـد: آنها چه می داننـد که چه کسـی او را غسل داده است؟! بعد، از آن شـخص پرسـیدند: تو چه جوابی دادی آن شـخص می گوید گفتم: اگر مولایم بگوید: خودم او را در زیر عرش پروردگار غسل داده ام، راست گفته؛ و اگر بگوید: در دل زمین غسل داده ام راست گفته. امام رضا(علیه السلام) فرمودند: این چنین نیست. او گفت: پس چه بگویم؟ حضرت

۱- (۱) . کافی،ج ۱، ص ۳۸۴ و اصول کافی با ترجمه (۴ جلدی)، ج ۲، ص ۲۲۴

۲- (۲) . فرقه ای هستند که از زمان شهادت امام کاظم(علیه السلام) به وجود آمدند و عقیده داشتند امام کاظم(علیه السلام) از دنیا نرفته است.

فرمودند: بگو من غسلش داده ام. گفتم: بگویم شما غسل داده اید؟

فرمودند: آری. (۱)

با توجه به این روایت معلوم می شود در زمان خود ائمه(علیه السلام) نیز این که امام باید امام را غسل بدهد از مسلّمات بوده و به آن استناد می شده است.

در مورد اینکه چه کسی عهده دار امر نماز و دفن حضرت امام حسین(علیه السلام) شده اختلاف بسیار است و محدث قمی(علیه السلام) می نویسد: در کتب معتبر کیفیت دفن امام حسین(علیه السلام) و اصحاب او به تفصیل بیان نشده است. (۲) آنچه مسلّم است آن است که قبیله ی بنی اسد آمدند و شهدا را دفن کردند، و از روایتی که «شیخ کشی» (از بزرگان علم رجال) در کتاب رجال کشی نقل کرده، به دست می آید که امام سجاد(علیه السلام) به قدرت امامت از حبس عبیدالله بن زیاد در کوفه خارج شدند و در کربلا حاضر شده و به کفن و دفن پدر بزرگوار خود و دیگر شهدای کربلا رسیدگی کردند و اگر این صحیح باشد آمدن امام رضا(علیه السلام) نیز از مدینه به بغداد مؤیدی خواهد داشت چرا که امام رضا(علیه السلام) در حبس هم نبودند. (۳)

هر چند محدث قمی ادعا می کند کیفیت دفن امام حسین(علیه السلام) در کتب معتبر بیان نشده اما در کتاب نفس المهموم می نویسد:

در محل خود ثابت است که بر معصوم ولایت ندارد مگر امام معصوم؛

۱- (۱) . کافی، ج ۱، ص ۳۸۴

۲- (۲) . نفس المهموم، ترجمه علامه شعرانی، ص ۳۴۹

۳- (۳) . رمز المصیبه، ج ۳، ص ۶۹.

و امام را باید امام غسل دهد و اگر امام در مشرق باشد و وصی او در

مغرب، خداوند میان آنها جمع می کند. (۱) اما علامه شعرانی در توضیح آن می نویسد: در رسیدگی به امور امام قبلی، ولایت با وصی اوست هر چند آن وصی، پسر کوچک تر باشد و آن امام، پسر بزرگ تری داشته باشد؛ چنانچه هنگام شهادت امام صادق(علیه السلام) امام کاظم(علیه السلام) - که از برادر خود عبدالله افطح کوچک تر بودند - بر او مقدم شدند و کفن و دفن حضرت امام صادق(علیه السلام) را انجام دادند.

اما اینکه آیا امام، خودش باید بی واسطه تجهیز نماید یا می تواند دیگری را مأمور کند یا راضی شود به عمل دیگری؟ اینها از اختیارات خود امام است. شیخ طوسی(ره) در احکام غسل میت حدیثی روایت کرده اند از معاویه بن عمار که از خواص اصحاب امام صادق(علیه السلام) است که آن حضرت وصیت کرد: معاویه بن عمار او را غسل دهد. و شیخ طوسی از این حدیث تعجب ننموده و تأویل نکرده، از این رو معلوم می شود علمایی مانند شیخ طوسی و شیخ مفید(علیه السلام) جایز می دانستند غیرمعصوم عهده دار غسل معصوم گردد البته با وصیت امام و یا رخصت یا رضایت ولیّ او.

و اینکه باید حتماً مباشر غسل معصوم، معصوم باشد بین متأخرین،

۱- (۱) . نفس المهموم، ص ۳۴۵.

معروف شده و میان علمای سابق که عارف به مسائل کلام و عقاید این فرقه بوده اند ثابت نبوده و این همه کتاب، که علمای سابق در علم کلام و عقائد یا در خصوص امامت نوشته اند غسل دادن امام توسط امام بعدی را جزء شرایط امامت نام نبرده اند. (۱)

البته در خصوص نماز امام معصوم بر امام معصوم می توان به روایتی که مرحوم حاج شیخ عباس قمی از ابن بابویه قمی نقل می کند استشهاد کرد که بخشی از روایت این است که جعفر کذّاب عموی امام زمان(علیه السلام) به همراه تعدادی از شیعیان به صحن خانه ی امام حسن عسکری وارد شد، دید بدن مطهر امام حسن عسکری(علیه السلام) را کفن کرده اند و آماده ی نماز است، آنگاه جلو ایستاد تا بر برادر خود نماز بخواند، همین که خواست تکبیر بگوید طفلی گندم گون، پیچیده موی، گشاده دندان، مانند پاره ی ماه بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و فرمود: ای عمو بایست که من سزاوارترم از تو به نماز بر پدر خود! در آن هنگام جعفر عقب رفت و رنگش متغیر شد و آن طفل پیش ایستاد و بر پدر بزرگوار خود نماز خواند... (۲)

شیخ حرعاملی نیز از کتاب «کشف الغمه» نقل می کند که امام سجاد(علیه السلام) به حضرت امام باقر(علیه السلام) وصیت کرد که ایشان را غسل دهد و فرمود: امام را جز امام نباید غسل بدهد. (۳)

۱- (۱) . نفس المهموم با ترجمه علامه شعرانی، ص ۳۴۷

۲- (۲) . منتهی الامال، ص ۱۰۳۵

۳- (۳) . الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۳۳۳.

نتیجه گیری:

آنچه از دلایل و روایات مشهور به دست می آید این است که امام معصوم نسبت به رسیدگی به امور معصوم مانند غسل و کفن و نماز و

دفن از دیگران اولی است و در کیفیت اقدام امام که آیا:

۱. به طور مستقیم خود متکفل این امر می شود؛

۲. یا دیگری را مأمور می کند؛

۳. یا اینکه به عمل دیگری رضایت می دهد؛

۴. یا اینکه خود مستقیماً ولو به صورت مخفی عمل غسل و نماز را انجام می دهد ولو اینکه به علت تقیه اجازه بدهد دیگری هم یک بار دیگر غسل دهد یا نماز بخواند.

بر ما روشن نیست.

چنانچه برخی محققین نوشته اند: تحقیق درباره ی این موضوع در این زمان نتیجه ی عملی، بلکه اعتقادی خاصی ندارد و از ضروریاتی هم نیست که با اقرار یا انکار آن اثر مهمی ثابت شود. (۱)

«رجعت» و بازگشت کسانی که مرده اند چگونه ممکن است؟

رجعت به معنای بازگشت است و در منابع اسلامی نیز به کار رفته و

۱- (۱) . اصول کافی، ترجمه جناب آقای مصطفوی، ج ۲، ص ۲۲۵.

به این معنا است که امامان معصوم(علیه السلام) و تعداد زیادی از کسانی که جهان را بدرود گفته اند بار دیگر پس از حضرت مهدی(علیه السلام) و پیش از شهادت او به خواست خداوند و اراده ی حکیمانه او به این جهان باز می گردند. و نخستین رجعت کننده امام حسین(علیه السلام) هستند و پس از ایشان همه ی امامان یکی پس از دیگری رجعت خواهند کرد. (۱)

رجعت از عقاید مسلّم شیعه است و آیات و روایات زیادی بر آن دلالت دارد.

لازم به ذکر است که این بازگشت و زنده شدن بعضی افراد، اختصاص به امت پیامبر ندارد، و در قرآن موارد متعددی از امت های گذشته نقل شده است مانند آیه **۲۴۳** سوره ی بقره که می فرماید:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللّهُ مُوتُوْا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَشْكُرُونَ؛ آیا اطلاع نیافتی از کسانی که از بیم مرگ، از خانه هایشان خارج شدند و حال آنکه آنان هزاران (نفر) بودند؟! و خدا به آنان گفت: «بمیرید!» سپس آنان را زنده کرد؛ قطعاً خدا نسبت به مردم دارای بخشش است؛ و لیکن بیشتر مردم، سپاسگزاری نمی کنند.»

یا آیه **۲۵۹** سوره بقره که به داستان مردن حضرت عزیر(علیه السلام) به مدت

ص:۸۳

۱- (۱) . امام مهدی از ولادت تا ظهور، سید کاظم قزوینی، ص ۷۹۲.

صد سال و زنده شدن ایشان اشاره دارد...

«أَوْ كَالَّذِی مَرَّ عَلَی قَرْیَةٍ وَهِیَ خَاوِیَةٌ عَلَی عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّی یُحْیِیْ هذِهِ اللّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللّهُ مِاْئَةَ عامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ یَوْماً أَوْ بَعْضَ یَوْمٍ قَالَ بَل لَبِثْتَ مِاْئَةَ عامٍ فَانْظُرْ إِلَی طَعَامِکَ وَشَرَابِکَ لَمْ یَتَسَنَّهْ وَلِنَجْعَلَکَ آیَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَی الْعِظَامِ كَیْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْماً فَلَمَّا تَبَیَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللّهَ عَلَی كُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ؛ یا (اطلاع نیافتی از) همچون کسی که از کنار آبادی عبور کرد، در حالی که [دیوارهای] آن، به روی سقف هایش فرو ریخته بود! (آن پیامبر با خود) گفت: «چگونه خدا این[ها] را پس از مرگش[ان] ، زنده می کند؟!» و خدا او را صد سال میراند؛ سپس او را بر انگیخت؛ (و به او) فرمود: «چقدر درنگ کردی؟» (پیامبر) گفت: «یک روز؛ یا بخشی از یک روز را درنگ کردم.» (خدا) فرمود: «بلکه صد سال درنگ کردی! پس به غذایت و نوشیدنی ات بنگر، که هیچ گونه تغییر نیافته است! و [لی] به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده، و این امور برای این است که تو یقین پیدا کنی)، و برای اینکه تو را نشانه ای برای مردم (در مورد رستاخیز) قرار دهیم. و به استخوان ها بنگر که چگونه آنها را برداشته، [به هم

ص:۸۴

پیوند می دهیم،] سپس گوشت بر آن می پوشانیم!» پس هنگامی که (این حقایق) بر او روشن شد، گفت: «می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.»

حدود ۷۶ آیه از قرآن پیرامون رجعت تفسیر و تأویل شده است. علامه مجلسی(ره) می فرماید اگر احادیث رجعت متواتر نباشد دیگر در

هیچ مورد دیگری نمی توان ادّعای تواتر کرد. (۱)

شیخ حر عاملی ۵۲۰ روایت در این زمینه در کتاب «الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه» نقل کرده است.

همچنین در بحارالانوار مرحوم مجلسی از این روایات فراوان به چشم می خورد مانند اینکه امام صادق(علیه السلام) فرمودند: ایّام الله ۳ روز است روز قیام قائم و روز رجعت و روز رستاخیز. (۲)

در ادعیه و زیارت نامه ها هم اشارات فراوانی به رجعت شده است مثلاً ـ در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «معترف بکم، مؤمن بایابکم مصدّق برجعتکم، منتظر لامرکم...»

به شما ایمان دارم، بازگشت شما را باور دارم رجعت شما را تصدیق

ص:۸۵

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲

۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۳.

می کنم، امر شما را انتظار می کشم. (۱)

و طبق روایـات، ائمه(علیه السـلام) نیز یکی پس از دیگری بازخواهنـد گشت و اولین کسـی که رجعت می کنـد حضـرت امام حسین(علیه السلام) هستند و آنقدر در زمین حکومت می کند تا موی ابروهایش بر روی چشم مبارکش بیفتد. (۲)

و در روایتی حکایت شده: امام حسین(علیه السلام) با اصحاب خود که شهید شدند رجعت می کنند. و در روایتی دیگر از امام صادق(علیه السـلام) نقل شـده هفتاد پیامبر با امام حسـین(علیه السـلام) بیرون می آیند در حالی که حضـرت حجت - عجل الله تعـالی فرجـه - در میـان مردم می باشـد، و وقـتی معرفـت امـام حسـین(علیـه السـلام) در دل هـای مؤمنـان قرار گرفت حضـرت مهدی(علیه السـلام) از دنیا می روند و حضـرت امام حسـین(علیه السلام) ایشان را غسل می دهند و کفن می کنند و بر او نماز می خوانند و در لحد می گذارند. زیرا که امام را، غیر از امام دیگری غسل نمی دهد و بر او نماز نمی خواند. (۳)

۱- (۱) . مفاتیح الجنان، ص ۹۰۷

۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۳

۳- (۳) . کافی، ج ۸، ص ۲۰۶ و بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳.

پیشینه مسجد جمکران

اشاره

پرسش:

۱. پیشینه مسجد مقدس جمکران را بنویسید؟

۲. اعمال مسجد مقدس جمکران چیست؟

۳. چرا شب های چهارشنبه افراد به این مسجد می روند؟

پاسخ:

مرحوم حاج میرزا حسین نوری در کتاب کلمه طیبه به نقل از کتاب تاریخ قم تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی به نقل از کتاب مونس الحزین فی معرفهٔ الحق و الیقین محمد بن بابویه قمی (شیخ صدوق) نقل می کند که در زمان غیبت صغری سال ۳۹۳ (ه- . ق) شخصی به نام شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید: (۱)

شب سه شنبه ۱۷ ماه مبارک رمضان در خانه خود خوابیده بودم که

۱- (۱) . جمکران از روستاهای اطراف قم است که مسجد در آن قرار دارد.

ناگـاه جماعتی از مردم به در خانه من آمدنـد و مرا از خواب بیـدار کردنـد و گفتنـد: برخیز و دعوت حضـرت مهـدی(عـج) را اجابت کن که تو را می خواند.

حرکـت کردیـم، آنهـا مرا به محلی که اکنـون مسـجد (جمکران) است آوردنـد، نگـاه کردم دیـدم فرشـی زیبـا بر روی تختی گسترده شـده و جوانی که حدود ۲۳ سـال داشت بر آن تخت بر بـالش تکیه زده و پیر مردی هم در کنار ایشان نشسـته که آن پیر، حضرت خضر(علیه السلام) بود آنگاه آن پیر مرا نشانید.

حضرت مهدی(عج) مرا به نام خواند و فرمود:

نزد کشـاورز ایـن زمیـن (مکـان مسـجد) برو، و بگـو ایـن زمین شـریف و مقدسـی است، و خداونـد آن را از زمین هـای دیگر برگزیده است و دیگر در این زمین کشاورزی نکند.

عرض کردم:

سیدی و مولای من، لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشیم وگرنه مردم حرف مرا قبول نمی کنند.

حضرت فرمودند: «تو آن رسالت را انجام بده ما خودمان نشانه ای برای آن قرار می دهیم.»

و در ادامه حضرت فرمودند: «به مردم بگو به این مکان رغبت کنند و آن را عزیز دارند و اعمال مسجد را چنین فرمودند:

«چهار رکعت نماز در آن گذارند، دو رکعت اول به نیت نماز تحیت

مسجد، در هر رکعت یک حمد و هفت «قل هو اللّه»، و در رکوع و سجود هم، هفت مرتبه ذکر مخصوصش را تکرار کنند.

و در رکعت دوم به نیت نماز صاحب الزمان(عج) خوانده شود، به این صورت که حمد شروع شود و آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را ۱۰۰ مرتبه تکرار کنند و بعد ادامه داده تا سوره حمد تمام شود بعد یک سوره خوانده شود و ذکر رکوع و سجود هفت مرتبه تکرار شود و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول بخوانند، و بعد از سلام پایان نماز، یک مرتبه «لا إله الا اللّه» و به دنبال آن تسبیحات حضرت زهرا(سلام الله علیها) را بگویند، و بعد از آن سجده رفته و ۱۰۰ بار صلوات بفرستند.

سپس حضرت فرمود: هر کس این دو رکعت نماز را در این مکان بخواند همانند کسی است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد. (۱)

بنابراین گزارش تاریخی واقعه اتفاق افتاده و در تاریخ مکتوب شده و این ملاقات در بیداری انجام شده و اعمال مسجد هم در بیداری به حسن بن مثله گفته شده است.

توجه بزرگان دین نسبت به مسجد مقدس جمکران

بزرگان دین و مراجع تقلید و اولیاء اللّه توجه والائی نسبت به این مسجد مقدس داشته و دارند، از جمله اینکه آیهٔ اللّه العظمی محمدتقی خوانساری با مرحوم آیهٔ اللّه العظمی اراکی(ره) پیاده به مسجد مقدس

۱- (۱) . تلخیص از معارف و معاریف، ج ۴، ص ۱۹۶.

جمکران می رفتند.

و از آیـهٔ اللّه العظمی نجفی مرعشـی(ره) نقل شـده: «حقیر خودم مکرر کراماتی در مسـجد مقـدس جمکران مشاهـده کرده ام، چهل شب چهارشـنبه مکرر موفق شدم که در آن مسجد بیتوته کنم و جای تردید نیست که از امکنه ای [مکان هایی] است که مورد توجه و نزول برکات الهی می باشد و بعد از مسجد سهله (واقع در کوفه که منسوب به امام زمان(عج) است) بهترین مقام و بهترین جائی است که منتسب به حضرت ولی عصر می باشد.»

و مقـام رهبری حضـرت آیـهٔ اللّه العظمی خـامنه ای هم در طی دیـدار بـا دبیر کـل حزب اللّه لبنان به ایشان توصـیه می کنـد به مسـجد مقـدس جمکران مشـرف شوند. چرا که تشـرف به مسـجد مقدس جمکران برای حل مشـکلات کشور ما راه گشا بوده است. (۱)

اما در مورد بخش سوم که: «چرا شبهای چهارشنبه افراد به این مسجد می روند ظاهراً تفاوتی میان ایام هفته نمی باشد.»

کتب معتبری که در مورد مسـجد مقدس جمکران نوشـته شده در خصوص شب چهارشنبه را متذکر نشده اند و در همه اوقات می توان به مسجد مقدس مشرف شد و اعمال را انجام داد.

البته مسجد سهله که منسوب به امام زمان است اعمالش در شب

ص:۹۰

۱- (۱) . مجله آب آئینه آفتاب، ص ۱۱، به نقل از حجت الاسلام والمسلمین کعبی، عضو مجلس خبرگان رهبری.

چهارشنبه فضیلت دارد از این رو احتمال دارد چون این مسجد هم

منسوب به آن حضرت است مردم در طول زمان به خاطر تبرک و تیمم و یا به خاطر این که یادی از مسجد سهله کرده باشند سعی می کردند در این مسجد نیز شب های چهارشنبه حاضر شوند که در طول تاریخ ماندگار شده است. ضمناً حسن مثله جمکرانی مأمور می شود که گوسفندی را در شب چهارشنبه قربانی کند و در روز چهارشنبه ۱۸ ماه مبارک رمضان اتفاق می افتد که بیمارانی به سبب آن قربانی شفا پیدا کردند لذا شب چهارشنبه از اهمیت بیشتری برخوردار شد.

معرفی کتاب:

پیشینه تاریخی این مسجد مقدس را می توانید در کتاب های ذیل بیشتر مطالعه بفرمائید:

الف. تاریخ قم، شیخ صدوق.

ب. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۰.

ج. هدایه شیخ صدوق، ص ۲۰۱.

د. معارف و معاریف واژه جمکران، ج ۴، ص ۱۹۶.

ص:۹۱

فصل دوم: جهان قبل از عصر مهدوی

اشاره

ص:۹۳

پرسش:

آیا تا زمان ظهور امام عصر(عج) قرآن و اسلام تحریف می شود؟

پاسخ:

مقدمه:

قرآن کتاب هدایت و اسلام دین جاوید خداوند است. و اصلی ترین سرمایه ی بشر برای یافتن قوانین دینی قرآن است و این کتاب الهی ریسمان محکمی است که در تمام زمان ها و مکان ها و در هر شرایطی اگر به آن چنگ زده شود گمراهی در پیش نخواهد داشت. قرآن کتابی است که به صورت متواتر نسل به نسل به دست ما رسیده است. بنابراین خداوند این کتاب مهم و دین جاوید را به دست نااهلان و معاندان نمی سپارد تا از صراط مستقیم الهی منحرف کنند و آیات متعددی نیز بدین مطلب اشاره دارد. بنابراین چه از نظر عقل و چه از نظر نقل تحریف قرآن و آموزه های دینی محقق شدنی نیست و اگر هم در طول تاریخ

ص:۹۵

سستی و ضعفی دیده می شود مربوط به مقام عمل به دین اسلام توسط انسان ها می باشد.

بنابراین قرآن تحریف ناپذیر و دین اسلام جاوید است و تضمین شده اما مسلمانی مردم و حفظ دینداری آنها تضمین شده نیست؛ و در هر زمانی ممکن است اشخاص از فتنه ها و آزمایش های الهی موفّق خارج نشوند، چنانچه زمان حضرت نوح فتنه ها مردم را فرا گرفت و عدّه ی معدودی به همراه حضرت نوح سوار بر کشتی شدند یا زمان حضرت موسی «فتنه گوساله سامری» موجب شد تا بسیاری از مردم بنی اسرائیل گوساله پرست شوند و از این فتنه ها در امت پیامبر هم بوده و هست.

عدم تحریف قرآن:

در اینجا به طور اختصار چند دلیل بر عدم تحریف قرآن می آوریم:

۱. مهمترین دلیل عدم تحریف قرآن، «تواتر قرآن» است که نسل به نسل توسط تعداد زیادی حفظ و نقل شده است.

۲. خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (۱)؛ «ما قرآن را فرو فرستادیم و ما آن را نگهبانیم.»

در این آیه خداوند خود ایمنی قرآن را از هرگونه تحریفی تضمین نموده است.

برای مطالعه ی بیشتر در این مورد به کتاب «سلامهٔ القرآن من

التحریف» دکتر نجارزادگان و «صیانهٔ القرآن عن التحریف» آیت الله

ص:۹۶

۱- (۱) . حجر / ۹.

معرفت و کتاب «البیان» آیت الله خوئی مراجعه شود.

بررسی روایات:

اکنون به بررسی روایاتی می پردازیم که دلالت دارد بر این که عمل به دین در آخرالزمان دست خوش حوادث می شود و مردم در فتنه ها از دین خارج می شوند (اما در عین حال اصل دین و قرآن در همه زمان ها وجود دارد و تحریف شدنی نیست)

روایات مربوط به این موضوع را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول: روایات مربوط به قبل از ظهور حضرت مهدی(عج)

دسته دوم: روایات مربوط به بعد از ظهور حضرت مهدی(عج)

دسته اول: روایات مربوط به قبل از ظهور حضرت مهدی(عج):

این روایات نیز خود به دو گروه تقسیم می شود:

۱. روایاتی که به طور مستقیم این معنا را می رساند.

۲. روایاتی که به طور غیرمستقیم این معنا را می رساند.

روایات گروه اول مانند:

۱. امام صادق(علیه السلام) از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) حکایت می کنند که «به زودی بر مردم زمانی برسد که باقی نماند از قرآن، مگر رسمش و از اسلام مگر اسمش؛ می گویند: مسلمانیم، ولی دورترین مردمند به اسلام...» (۱)

۲. از امام صادق(علیه السلام) حکایت شده: «یکی از علامات فرج، آن است که

۱- (۱) . روضه کافی، ح ۴۷۹ و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

ببینی شنیدن قرآن بر مردم سنگین است و شنیدن باطل آسان، و ببینی که قرآن کهنه شده و...» (۱)

۳. از حضرت علی(علیه السلام) نقل شده: «زود است بیاید بر شما بعد از من زمانی که نباشد در آن زمان چیزی مخفی تر از حق و آشکارتر از باطل، و زیاد دروغ بستن به خدا و رسولش، و نباشد نزد اهل آن زمان متاعی بی ارزش تر از کتاب خدا وقتی به حق تلاوت شود، و نباشد متاعی رواج تر و پر استفاده تر از کتاب خدا، وقتی که بر خلاف حق تفسیر شود؛ و نباشد در شهرها و آبادی ها، و نه در بندگان خدا چیزی که منکرتر باشد از معروف، و معروف تر باشد از منکر... (۲)

روایات گروه دوم مانند:

روایاتی که در آن آمده: نماز ضایع می شود، خوردن ربا علنی می شود، هرج و مرج زیاد می شود، ریختن خون سبک شمرده می شود، امانت ها ضایع می شود، شراب می خورند، کتاب خدا و احکامش معطل می ماند و کسی به آن عمل نمی کند، مؤمن حقیر شمرده می شود و منافق امین، به اسباب لهو و لعب و ساز و آواز چنگ می زنند و احدی کسی را منع نکند و جرأت بر منع هم نداشته باشد و... که در روایات زیادی نقل شده است. (۳)

چنانچه از متن روایات مذکور به خوبی بدست می آید «اصل دین و

ص:۹۸

۱- (۱) . روضه کافی، ح ۷

۲- (۲) . روضه کافی، ح ۵۸۶

۳- (۳) . ر.ك: روضه کافی، ح ۷ و بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۰۶ حدیث سلمان فارسی.

متن قرآن» منحرف یا منـدرس یا کهنه نمی شود بلکه دین و آموزه های آن امری است روشن، همیشه و همه جا هر کسـی می دانـد نمـاز جزء دین است و ربـاخواری حرام است امـا آنچه که دست خوش حوادث و فتنه هـا می شود «عمـل به دین» است و روایـات هم نـاظر به مقـام عمل مردم به دین می باشـد، اگر هم ناظر به «مقام علم دین» باشـد این گونه معنا می شود که حرف هـای باطـل و تفسـیرهای غلط از قرآن در فضای جامعه رواج می یابـد. اما چنین نیست که اصل قرآن یا آموزه های دین از بین برود. قرآن، و علم آن موجـود است، کسـی عمـل به آن نمی کنـد و سـراغ آموزه هـای قرآنی نمی رود، به عبـارت دیگر دین خریدار ندارد، و این مدعای ما را دو امر تأیید می کند:

۱. ادله ی عقلی و نقلی که تحریف قرآن را رد می کنـد و محفوظ بودن قرآن از تحریف را به اثبـات می رسانـد، چنـانچه بیان شد.

۲. روایاتی مانند روایت مفضل که می گوید:

«خـدمت امام صادق(علیه السـلام) بودم و در اطاق، افراد دیگری هم بودند که من گمان کردم روی سـخن حضـرت با دیگری است آنگـاه فرمودنـد: همانـا به خـدا صاحب این امر از شـما پنهان و غائب می شود و از یاد برود به طوری که گفته شود مرد، هلاـک شـد، در کـدام دره افتـاد! و شـما وارو شویـد مثل کشتی که در موج دریا وارو شود و بر گردد! نجاتی نباشـد مگر برای کسـی که خدا از او میثاق گرفته باشد و ایمان در قلبش نوشـته باشد و به واسطه ی روح خود، او را تأیید کرده باشد. و البته ۱۲ پرچم مختلف بلند

می شود که دانسته نشود کدام حق است و کدام باطل، مفضل می گوید: (در این هنگام) به گریه افتادم حضرت فرمود: چرا گریه می کنی؟ عرض کردم: چگونه گریه نکنم و حال آنکه شما می فرمایید دوازده پرچم مشتبه و مختلف بلند می شود که شناخته نشود کدام حق و کدام باطل است؟! مفضل می گوید: در مجلس حضرت پنجره ای بود که نور خورشید داخل آن تابیده بود حضرت فرمود: آیا این روشن است؟ عرض کردم: بلی، حضرت فرمودند: امر ما روشن تر از این خورشید است.» (۱)

طبق این روایت و مانند آن حق همیشه روشن است بهتر از خورشید. اما اگر طالب حق نباشد و بازار بی دینی رواج داشته باشد بحث دیگری است مربوط به ابتلا و آزمایش مردم.

دسته دوم: روایات مربوط به بعد از ظهور حضرت مهدی(عج)

در کتاب های روایی به روایاتی بر می خوریم که تعابیری در آنها به کار رفته که از آنها برداشت می شود که حضرت مهدی(عج) با امر جدیدی ظهور می کنند و ممکن است کسی به اشتباه گمان کند که قبل از ظهور حضرت، دین تحریف شده و قابل شناسائی نیست که این مطلب نیاز به نقد و بررسی دارد.

۱- (۱) . کافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

آن تعابیر عبارتند از:

۱. امر جدید؛

۲. کتاب جدید؛

۳. سُنت جدید؛

۴. حکم جدید.

که مجموعه ی این ۴ تعبیر در روایتی از امام باقر(علیه السلام) حکایت شده که «هر گاه مهدی خروج کند، به امر جدید و کتاب جدید و سنت جدید و حکم جدید قیام خواهد کرد.» (۱)

ابو بصیر نیز از امام صادق(علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمودند: «به خدا سوگند گویا نظر می کنم به مهدی در بین رکن و مقام که با مردم بر کتاب جدید بیعت می کند!» (۲)

چند روایت دیگر نیز به این مضمون حکایت شده است.

بررسی این گونه روایات:

۱. اصلی ترین حدیثی که این ۴ تعبیر در آن به کار رفته همان روایتی است که از امام باقر(علیه السلام) نقل شده است و در سند این روایت هم محمد بن علی کوفی معروف به ابوسمینه قرار دارد که علمای علم رجال مانند «نجاشی» و «شیخ طوسی» و «کشی» و دیگران او را ضعیف شمرده اند نجاشی در شرح حال او می نویسد:

ص:۱۰۱

۱- (۱) . غیبت نعمانی، ص ۲۵۵ و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰، ح ۹۶

۲- (۲) . غیبت نعمانی، ص ۲۶۳ و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۴، ح ۴۲.

... او وقتی به قم آمد مدتی بر «احمد بن محمد بن عیسی اشعری» وارد شد سپس به غلو مشهور شد و محمد بن عیسی اشعری او را از قم بیرون کرد. (۱)

بنابراین روایت فوق اعتبار ندارد.

۲. از مجموع این تعابیر موجود در این روایت یا روایات دیگر، تجدید و احیاء دین بدست می آید و اصلاً تعبیر «دین جدید» در روایات وجود ندارد.

و از پیامبر حکایت شده: «سنت مهدی سُنت من است.» (۲)

از این رو تجدید و احیاء دین بیانگر نوعی اندراس و کهنگی در عملکرد مردم به دین است و تجدید و احیاءگری به معنای تصحیح انحراف ها و آشکار کردن فراموش شده های دینی و شرح احکام واقعی و فهم درست دین متناسب با زمان می باشد.

و در این راستا از حضرت علی(علیه السلام) حکایت شده:

«او - مهدی(عج) - هواپرستی را به خداپرستی باز می گرداند پس از آنکه خداپرستی را به هواپرستی بازگردانده باشند، رأی ها را به قرآن باز می گرداند پس از آنکه قرآن را به رأی های خود بازگردانده باشند حضرت مهدی(عج) کتاب و سنت مرده و از

۱- (۱) . رجال نجاشی، ص ۳۳۲، ش ۸۹۴ و مجله انتظار، ش ۱۴، مقاله بررسی چند حدیث شبهه ناک درباره عدالت آفتاب عالمتاب

۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۷۳، ح ۱۹.

میان رفته را زنده می کند.» (۱)

پس در زمان غیبت بـدعت هایی در دین گذاشـته می شود و برخی حدود و احکام چنان به فراموشـی سپرده می شود که گویا اصلًا جزء اسلام نبوده است (مانند زکات و...) و برخی آداب و رسوم و خرافات توسط برخی افراد چنان اهمیت داده می شود که افراد گمان می کنند جزء دین است.

در این میان حضرت مهدی(عج) احیاءگر دین به حساب می آید چنانچه از امام صادق(علیه السلام) سؤال شد: سیره و رفتار حضرت مهدی(عج) چگونه است؟ حضرت فرمودند: همان کاری را که رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) انجام داد مهدی انجام می دهد، بدعت های موجود را خراب می کند چنانچه رسول خدا نیز اساس جاهلیت را منهدم نمود و اسلام را از نو بنا کرد.» (۲)

در پایان جهت تکمیل بحث چند واژه ای که در حدیث امام باقر(علیه السلام) آمده بود را به توضیح مختصری می پردازیم که اگر بر فرض این حدیث هم صحیح باشد بر معانی زیر قابل حمل است: (۳)

۱. امر جدید

الف. این که حکایت شده: «حضرت مهدی با امر جدید قیام خواهد کرد.» یعنی با دستورات و اوامر و نواهی جدید قیام می کند چرا که حضرت به واقع عمل می کند و احکام و دستورات جدیدی می آورند.

ص:۱۰۳

۱- (۱) . نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸

۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲

۳- (۳) . برگرفته از موعودشناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ص ۶۳۱.

ب. «امر جدید» یعنی: «امارت»، «خلافت» و «امامت». چنانچه آیه «اولی الامر» به آن اشاره دارد. (نساء / ۵۹)

۲. کتاب جدید

الف. اگر معنا شود که قرآن جدید می آورند؛ که این احتمال قطعاً باطل است. چرا که امت اسلامی اتفاق دارند که قرآن نقصان و اضافه ندارد و تحریف نشده و نخواهد شد.

ب. کتاب جدید همان قرآنی است که حضرت علی(علیه السلام) تدوین کردند که متن آن متن همین قرآن موجود فعلی است به همراه بیان شأن نزول ها و تفسیر آیات.

ج. مقصود از کتاب جدید تفسیر و برداشت جدید، به دور از تفسیر به رأی همراه با بیان معارف بلندی که امام از آیات بدست می آورند و برای مردم تازگی خواهد داشت بنابراین، گویا کتاب جدید است.

۳. سُنت جدید

الف. سُنت و روشی که حضرت می آورند نسبت به روش های مردمی که قبل از حکومت حضرت بوده اند جدید به حساب می آید.

ب. چون حضرت مأمور به واقع هستند و عالی ترین شکل دین را پیاده خواهند نمود. سُنت جدید است (در عین حالی که نسبت به اصول و چهارچوب احکام اسلامی با سُنت پیامبر یکی است)

۴. حکم جدید (قضاء جدید)

الف. حکم جدید یعنی قوانین و خطوط جدید با برنامه های بسیار

متنوع و پیشرفته برای بشر در عصر ظهور.

ب. حکم جدید یعنی اسلوب جدید در قضاوت و فصل خصومت بین مردم؛ چنانچه از امام حسن عسکری(علیه السلام) روایت شده است: «او وقتی قیام کند به علم خود بین مردم حکم می کند و مانند داود پیامبر بیّنه و شاهد نمی خواهد.» (۱)

ص:۱۰۵

۱- (۱) . کافی، ج ۱، ص ۳۹۷.

پرسش:

آیا اگر فساد تمام جهان را فرا گیرد امام زمان(عج) ظهور خواهند کرد؟

پاسخ:

حضرت مهدی(عج) تنها فرزند حضرت امام حسن عسکری(علیه السلام) در سن پنج سالگی پس از شهادت پدر به مقام امامت رسیدند، ولی بدستور الهی از نظرها پنهان شد و ظهور آن حضرت از وعده های الهی است. (۱)

برخی از روایات (۲) در مورد ظهور امام زمان حکایت از آن دارد که قبل از ظهور آن حضرت جهان از فساد و تباهی پر خواهد شد، و به برکت ظهور آن رهبر بزرگ سرتاسر جهان از عدالت پر خواهد شد.

«فساد» به معنای تباهی و ضد آن «صلاح» است و به معنای خارج

ص:۱۰۷

۱- (۱) . «إِنَّ اللَّهَ لاَ يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» که خدا از وعده (خود) تخلّف نمی کند. رعد / ۳۱

۲- (۲) . ر.ك: ملاحم سید بن طاووس، ص ۱۴۴ - ۱۴۹.

شدن از حد اعتدال نیز معنا کرده اند. (۱)

و قرآن کریم بندگان شایسته را اینگونه معرفی می کند:

«لاَیُرِیدُونَ عُلُوّاً فِی الْأَرْضِ وَلاَ فَسَاداً»؛ آن را برای کسانی قرار می دهیم که هیچ برتری و فسادی در زمین نمی خواهند». (۲)

فساد و تباهی هم در شخص امکان بروز دارد هم در جامعه که فساد شخصی موجب خروج شخص از حد اعتدال می شود، و فساد اجتماعی خارج شدن جامعه از حد اعتدال را در پی دارد. و هر چه از زمان غیبت امام زمان دور می شویم این فساد ظهور و بروز بیشتری پیدا می کند. و در روایات حکایت شده که این فزونی و فراگیری فساد تا جائی خواهد رسید که زمین از فساد پر خواهد شد، چنانچه وقتی حضرت ظهور فرمودند از عدالت پر خواهد شد.

از امام باقر(علیه السلام) در تفسیر آیه ی «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یُحْیِی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (۳)حکایت شده:

خداوند زمین را به واسطه ی قائم(علیه السلام) زنده می کند او با عدالت رفتار می کند، آنگاه زمین بواسطه عدالت زنده می شود بعد از مردن آن بواسطه ی ظلم. (۴)

روایات متعددی با این مضمون که «یملأ الارض بعون الله عدلاً کما

۱- (۱) . مفردات راغب ماده ی فسد

۲- (۲) . قصص / ۸۳

۳- (۳) . «بدانید که خدا زمین را بعد از مردنش زنده می کند». حدید / ۱۷

۴- (۴) . ینابیع الموده، ص ۴۲۹.

ملئت جوراً» از معصومین حکایت شـده است (۱) و معنای فراگیر شـدن فساد و ظلم و سـتم این است که بدی ها بر خوبی ها و ضد ارزش ها بر ارزش ها غلبه یابد و شـعله ی آتش فتنه، دامن همه را بگیرد و جامعه ی انسانی را در باتلاق فساد فرو رود که یکی از مهم ترین مظاهر این فساد گسترش حاکمیت استکبار، و محرومیت و ضعیف شدن اهل دین می باشد. (۲)

اسـتاد شهید مطهری(ره) نیز به استناد روایتی از شیخ صدوق می نویسند: فراگیر شدن ظلم و فساد آن است که هر یک از سعید و شـقی و گروه حـق و باطـل، به اوج کـار خود می رسـند، سـتمکاران به نهـایت سـتمکاری و صالحـان در نهـایت مظلومیت و استضعاف. (۳)

ی ادآوری:

منشاء این ظلم و فساد اعمال و رفتار ناشایست و انتخاب غیرصحیح خود مردم است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا کَسَبَتْ أَیْدِی النَّاسِ»؛ (۴)«بخاطر دستاورد مردم، در خشکی و دریا فساد و تباهی آشکار شد»

وقتی مردم بـدهی هـا را بر نیکی هـا بر می گزیننـد فساد در زمین جاری می شود و این فساد علامت آن است که مردم بفهمند در انتخاب و

۱- (۱) . حضـرت حجت به کمک خدا زمین را از عدل پر می کند همان طوری که از جور و سـتم پر شده بود. ر.ک: ملاحم سید بن طاووس، ص ۱۴۴ - ۱۴۹ و معجم الملاحم والفتن، ج ۳، ص ۲۰۰

۲- (۲) . فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۵۳۴

۳- (۳) . قیام و انقلاب حضرت مهدی، ص ۶۶

۴- (۴) . روم / ۴۱.

عملکرد خود اشتباه کرده اند و به صلاح برگردند از این رو در ادامه ی آیه می فرماید: «لِيُذِيقَهُم بَعْضَ الَّذِی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ تا (سزای) بعضی از آنچه انجام داده اند را به آنان بچشاند! باشد که آنان بازگردند.»

نتیجه:

فراگیر شدن فساد، و ظلم و ستم از نشانه های قبل از ظهور است چنانچه فراگیری عدالت از نشانه های اصلی حکومت حضرت مهدی(عج) می باشد. اما این فراگیری ظلم و فساد علت ظهور نمی باشد بلکه نشانه ی قبل از ظهور است که بدنبال آن ظهور صورت می گیرد بلکه می توان گفت محرومیت ما از امام زمان(علیه السلام) به علت همین فسادها و انتخاب بدی ها بر خوبی هاست اگر ما با کردار خوب و شایسته، منتظر اصلاح جامعه توسط حضرت مهدی(عج) باشیم، ظهور زودتر صورت می گرفت.

آنچه روایات بر آن تاکید دارد پر شدن از «ظلم» است نه پر شدن از «ظالم» پس ممکن است تعداد ظالمین کم باشد ولی تعداد مظلومین بسیار باشد؛ اما همان تعداد اندک زمین را از فساد پر خواهند کرد، بنابراین گمان نشود وظیفه ی ما آن است که همه ی مردم را به ظلم سوق دهیم و با افزودن به ظالمین، بخواهیم به امر ظهور کمک کنیم بلکه وظیفه ی ما مقابله با ظلم و ظالم و حمایت از مظلوم است چنانچه انقلاب اسلامی در همین راستا قدم برداشت و با ظلم ظالم به مقابله پرداخت و از مظلومیت مظلوم در جهان دفاع کرد.

پس آنچه در آیات و روایات آمده خبر از امری است که حتماً محقق

ص:۱۱۰

می شود و از طرف دیگر همین قرآن و روایات وظیفه ی فرد فرد مردم را در کمک نکردن به ظالم و حمایت از مظلوم تبیین کرده است. (۱) و برای ظالم و ایجاد فساد توسط هر کسی مجازات های دنیوی و اخروی شدیدی را خبر داده است.

به امید اینکه با تلاش و انتظار صحیح و سازنده، شاهد عدالت گستری و بر چیدن فساد از روی زمین توسط حضرت مهدی(عج) باشیم.

مفاسد آخرالزمان

مفاسدی که در آستانه انقلاب حضرت مهدی(علیه السلام) فراگیر می شود، بسیار است. از امام صادق(علیه السلام) این مفاسد حکایت شده است، نوع مفاسدی که در آخرالزمان رایج می شود و بعضی از آن ها جنبه ی اجتماعی و سیاسی، و بعضی جنبه اخلاقی دارد. در این روایت حضرت می فرماید:

۱. آن گاه که دیدی حق مرده و اهل حق از میان رفتند.

۲. ستم همه جا را فرا گرفته است.

۳. قرآن فرسوده شده، و بدعت هایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن آمده است.

۴. دین بی محتوا شده، همانند ظرفی که آن را واژگون می سازند.

۵. اهل باطل بر اهل حق بزرگی می جویند.

۶. و دیدی که شر آشکار است و از آن نهی نمی شود، و هرکه کار

ص:۱۱۱

۱- (۱) . تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلاَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، مائده / ۲.

زشت انجام دهد، معذورش می دارند.

۷. فسق آشکار گردیده و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفاء می کنند.

۸. شخص مؤمن، سکوت اختیار کرده و سخنش را نمی پذیرند.

۹. شخص فاسق دروغ می گوید، و کسی دروغ و افترایش را بر او باز نمی گرداند.

۱۰. بچه ی کوچک، مرد بزرگ را خوار می شمارد.

۱۱. پیوند خویشاوندی بریده می شود.

۱۲. هرکه را به کار بد بستایند، خوشحال می گردد.

۱۳. پسر بچه همان می کند که زن می کند.

۱۴. زنان با زنان تزویج می نمایند.

۱۵. مداحی و چاپلوسی فراوان شده است.

۱۶. مرد، مال خود را در غیر راه طاعت خدا خرج می کند و کسی از او جلوگیری نکند.

۱۷. چون شخص مؤمنی را ببیند از کوشش و تلاش او به خدا پناه برد.

۱۸. همسایه، همسایه خودرا اذیت می کند و مانعی برای او در این کار نباشد.

۱۹. کافر خوشحال است، از آن چه در مؤمن می بیند و شاد است از

این که در روی زمین فساد و تباهی بیند.

۲۰. آشکارا شراب بنوشند، و برای نوشیدنش گرد هم آیند، کسانی

که از خدای عزوجل نمی ترسند.

۲۱. امر به معروف کننده خوار است.

۲۲. فاسق در آن چه خدا دوست ندارد، نیرومند و ستوده است.

۲۳. اهل قرآن و هرکه آنان را دوست دارد، خوار است.

۲۴. راه خیر بسته شده و راه شر مورد توجه قرار گرفته است.

۲۵. خانه کعبه تعطیل شده و دستور به ترک آن داده می شود.

۲۶. مرد به زبان می گوید، آن چه را که عمل به آن نمی کند.

۲۷. مردان خود را برای استفاده مردان فربه می کنند و زنان برای زنان.

۲۸. زندگی مرد از پس او اداره می گردد و زندگی زن از فرج او.

۲۹. زنان مانند مردان برای خود انجمن ها ترتیب می دهند.

۳۰. در میان فرزندان عباس کارهای زنانگی آشکار گشته (و خود را مانند زنان زینت می کنند، همان طور که زن برای جلب نظر شوهرش خود را آرایش می کند)

۳۱. به مردها پول می دهند که با آن ها یا زنانشان عمل نامشروع انجام دهند.

۳۲. شخص متمول از شخص باایمان عزیزتر است.

۳۳. رباخواری آشکار است و رباخوار مورد ملامت قرار نمی گیرد.

۳۴. زن ها به عمل زنا افتخار می کنند.

۳۵. زن برای نکاح مردان با شوهر خود همکاری می کند.

۳۶. بیشتر مردم و بهترین خانه ها آن باشد که به زنان در هرزگی شان کمک می کنند.

ص:۱۱۳

۳۷. مؤمن به خاطر ایمانش غمناک و پست و خوار می گردد.

۳۸. بدعت و زنا آشکار می گردد.

۳۹. مردم به شهادت ناحق اعتماد می کنند.

۴۰. دستورات دینی طبق تمایلات اشخاص تفسیر می گردد.

۴۱. حلال تحریم شود و حرام مجاز.

۴۲. مردم چنان در ارتکاب گناه جری شده اند که منتظر رسیدن شب نیستند.

۴۳. مؤمن نمی تواند کار بد را نکوهش کند، جز با قلب.

۴۴. مال کلان در راه غضب الهی خرج می شود.

۴۵. زمامداران به کافران نزدیک می شوند و از نیکان دوری می گزینند.

۴۶. والیان در داوری رشوه می گیرند.

۴۷. پست های حساس دولتی به مزایده گذارده می شود.

۴۸. مردم با محارم خود نزدیکی می کنند.

۴۹. به تهمت و سوءظن مرد به قتل می رسد.

۵۰. مرد به مرد پیشنهاد عمل زشت می کند و خود و اموالش را در اختیار او می گذارد.

۵۱. مرد به خاطر آمیزش با زنان مورد سرزنش قرار می گیرد (که چرا با مردان آمیزش نمی کند).

۵۲. مرد از کسب زنش از هرزگی نان می خورد و آن را می داند و به

آن تن می دهد.

۵۳. زن بر مرد خود مسلط می شود، و کاری را که مرد نمی خواهد انجام می دهد، و به شوهر خود خرجی می دهد.

۵۴. مرد، زن و کنیزش را (برای زنا) کرایه می دهد و به خوراک و نوشیدنی پستی تن در می دهد.

۵۵. سوگندهای به ناحق به نام خدا بسیار می گردد.

۵۶. قمار آشکار می گردد.

۵۷. شراب را بدون مانع علناً می فروشند.

۵۸. زنان مسلمان خود را در اختیار کافران می گذارند.

۵۹. لهو و لعب آشکار می گردد و کسی که از کنار آن عبور می کند از آن جلوگیری نمی کند (و کسی جرأت جلوگیری را ندارد)

۶۰. مردم شریف را خوار می کند، کسی که مردم از تسلط و قدرتش ترس دارند.

۶۱. نزدیک ترین مردم به فرمانروایان کسی است که به دشنام گویی ما خانواده ستایش شود.

۶۲. هرکس ما را دوست دارد، دروغ گویش می دانند و شهادت او را نمی پذیرند.

۶۳. برگفتن حرف زور و ناحق مردم با همدیگر رقابت می کنند.

۶۴. شنیدن قرآن بر مردم سنگین و گران می آید و در عوض، شنیدن سخنان باطل بر مردم آسان است.

۶۵. همسایه، همسایه را گرامی می دارد از ترس زبانش.

ص:۱۱۵

۶۶. حدود خدا تعطیل شده و در آن طبق دلخواه خود عمل می کنند.

۶۷. مساجد طلاکاری می شود.

۶۸. راستگوترین مردم پیش آن ها، مفتریان دروغگو می باشند.

۶۹. شر و سخن چینی آشکار می گردد.

۷۰. ستمکاری شیوع یافته.

۷۱. غیبت را سخن نمکین می شمارند و مردم همدیگر را بدان مژده می دهند.

۷۲. برای غیر خدا به حج و جهاد می روند.

۷۳. سلطان به خاطر کافر، مؤمن را خوار می کند.

۷۴. خرابی و ویرانی بیش از عمرانی و آبادی است.

۷۵. زندگی مرد از کم فروشی اداره می شود.

۷۶. خونریزی را آسان می شمارند.

۷۷. مرد برای غرض دنیایی ریاست می طلبد و خود را به بدزبانی مشهور می سازد تا از او بترسند و کارها را به او واگذار کنند.

۷۸. نمازرا سبک می شمارند.

۷۹. مرد مال بسیار دارد، ولی از وقتی که آن را پیدا کرده زکات آن را نپرداخته است.

۸۰. قبر مرده ها را می شکافند و آن ها را می آزارند و کفن های شان را می فروشند.

۸۱. آشوب بسیار می شود.

۸۲. مرد روز خود را به نشئه (شراب) به شب می برد و شب را به

مستی صبح می کند.

۸۳. با حیوانات عمل زشت انجام می دهند.

۸۴. حیوانات همدیگر را می درند.

۸۵. مرد به مصلی می رود، ولی چون برمی گردد جامه در تن ندارد.

۸۶. دل مردم سخت و چشمان شان خشک شده و یاد خدا بر آنان سنگین می آید.

۸۷. کسب های حرام شیوع یافته و بر سر آن رقابت می کنند.

۸۸. نماز خوان برای ریا و خود نمایی نماز می خواند.

۸۹. فقیه برای غیر دین فقه می آموزد و دنیا و ریاست طلب می کند.

۹۰. مردم دور کسی را گرفته اند که قدرت دارد.

۹۱. هرکس روزی حلال می جوید، مورد سرزنش قرار می گیرد و جوینده ی حرام، مورد ستایش و تعظیم است.

۹۲. در مکه و مدینه کارهایی می کنند که خداوند دوست ندارد و کسی هم نیست که مانع شود و هیچ کس آن ها را از این اعمال زشت باز نمی دارد.

۹۳. آلات لهو و لعب (حتی) در مکه و مدینه آشکار می گردد.

۹۴. مرد سخن حق می گوید و امر به معروف و نهی از منکر می کند؛ دیگران او را نصیحت می کنند و می گویند: این کار بر تو لازم نیست.

۹۵. مردم به همدیگر نگاه می کنند و به مردم بدکار اقتداء می نمایند.

۹۶. راه خیر به کلی خالی است و کسی از آن راه نمی رود.

۹۷. مرده را به مسخره می گیرند و کسی برای مرگ او غمگین نمی شود.

۹۸. هر سال بدعت و شرارت بیشتر می شود.

۹۹. مردم و انجمن ها پیروی نمی کنند مگر از توانگران.

۱۰۰. به فقیر چیزی می دهند، در حالی که به او می خندند و برای غیر خدا به او ترحم می نمایند.

۱۰۱. نشانه های آسمانی پدید می آید، ولی کسی از آن هراس ندارد.

۱۰۲. مردم در حضور جمع، همانند بهائم مرتکب اعمال جنسی می شوند و هیچ کس از ترس، کار زشت را انکار نمی کند.

۱۰۳. مرد در غیر اطاعت خدا زیاد خرج می کند، ولی در مورد اطاعت خدا از کم هم دریغ می ورزد.

۱۰۴. آزار به پدر و مادر آشکار می گردد و مقام آن ها را سبک می شمارند و حال آن ها در پیش فرزند از همه بدتر باشد، و از این که به آن ها افترا زده شود، خوشحال می شوند.

۱۰۵. زنها بر حکومت غالب گشته و پست های حساس را قبضه می کنند، و کاری پیش نمی رود، جز آن چه طبق دلخواه آنان باشد.

۱۰۶. پسر به پدر خود افتراء می زند و به پدر و مادر خود نفرین می کند و از مرگ شان خوشحال می شود.

۱۰۷. اگر روزی بر مردی بگذرد که در آن روز گناهی بزرگ مرتکب نشده باشد، مانند هرزگی یا کم فروشی یا انجام کار حرام یا میخوارگی، آن روز غمگین است و خیال می کند که روزش به هدر رفته و عمرش در آن روز بی خود تلف شده است.

۱۰۸. سلطان مواد غذایی را احتکار می کند.

۱۰۹. حق خویشاوندان پیامبر (خمس) به ناحق تقسیم می شود و بدان قمار بازی می کنند و میخوارگی می نمایند.

۱۱۰. با شراب مداوا می کنند و بدان بهبودی می جویند.

۱۱۱. مردم در مورد ترک امر به معروف و نهی از منکر و بی عقیدگی یکسان می شوند.

۱۱۲. منافقان و اهل نفاق سر و صدایی دارند و اهل حق بی سر و صدا و خاموشند.

۱۱۳. برای اذان گفتن و نماز خواندن مزد می گیرند.

۱۱۴. مسجدها پر است از کسانی که ترس از خدا ندارند و برای غیبت و خوردن گوشت اهل حق به مسجد می آیند و در مساجد، از شراب مست کننده توصیف می کنند.

۱۱۵. شخص مست که از خرد تهی گشته بر مردم پیشنمازی می کند و به مستی او ایراد نمی گیرند و چون مست گردد، گرامیش می دارند.

۱۱۶. هرکه مال یتیمان را بخورد، شایستگی او را می ستایند.

۱۱۷. قضات به خلاف دستور خدا داوری می کنند.

۱۱۸. زمامداران از روی طمع خیانتکاران را امین خود می سازند.

۱۱۹. میراث (یتیمان) را فرمانروایان به دست و افراد بدکار و بی باک نسبت به خدا داده اند، از آن ها حق و حساب می گیرند و جلوی آن ها را رها می سازند تا هرچه می خواهند انجام دهند.

۱۲۰. بر فراز منبرها مردم را به پرهیزکاری دستور می دهند، ولی

خود گوینده به آن دستور عمل نمی کند.

۱۲۱. وقت نمازها را سبک می شمارند.

۱۲۲. صـدقه به وساطت دیگران به اهل آن می دهند و به خاطر رضای خدا نمی دهند، بلکه از روی درخواست مردم و اصـرار آن ها می پردازند.

۱۲۳. تمام همّ و غمّ مردم شکم و عورت شان است. باکی ندارند که چه بخورند و با چه آمیزش کنند.

۱۲۴. دنیا به آن ها روی آورده است.

۱۲۵. نشانه های حق مندرس گشته است.

امام صادق(علیه السلام) پس از پیش بینی این حوادث خطاب به راوی فرمود:

در چنین موقعی مواظب خود بـاش. نجـات خود را از خداونـد بخواه (فرج نزدیـک است) و بـدان که مردم بـا این نافرمـانی ها مسـتحق عذابند. اگر عذاب بر آن ها فرود آمد و تو در میان آن ها بودی، باید به سوی رحمت حق بشـتابی تا از کیفری که آن ها به واسطه ی سرپیچی از فرمان خدا می بینند، بیرون بیایی. بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی گرداند

«و انَّ رِحمَةَ اللهِ قریبُ مِنَ المُحسِنینَ». (۱)

تذکر: لازم به یادآوری است که وجود این مفاسد بدان معنا نیست که ما آن ها را انجام دهیم تا امام عصـر(علیه السلام) زودتر ظهور کند، بلکه وظیفه ما پاک ماندن و مبارزه با مفاسد و آماده شدن برای یاری امام عصر(علیه السلام) است.

ص:۱۲۰

۱- (۱) . روضه کافی، حدیث ۷، ص ۳۶ و ۴۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۴ - ۲۶۰.

پرسش:

نشانه های آخرالزمان چیست ؟

پاسخ:

۱. با توجه به برداشتی که از روایات معصومین(علیه السلام) می شود. آخر الزمان به زمانی گفته می شود که علائم ظهور امام زمان در آن آشکار شود که با توجه به این علائم و آشکار شدن بعضی از آنها آخرالزمان شامل زمان ما نیز می شود البته این را که آخرالزمان چند سال طول می کشد خداوند می داند و بستگی به آشکار شدن همه نشانه های آن دارد چرا که نشانه های ظهور امام زمان به دو گونه است:

الف. نشانه های متصل به ظهور: نشانه هایی که به طور مطمئن و حتماً اتفاق می افتد و آنگاه امام زمان ظهور می کنند و تا این نشانه ها واقع نشود امام عصر(علیه السلام) ظهور نخواهند کرد. از جمله آن علائم «خروج سفیانی» و «کشته شدن نفس زکیه (انسان بی گناه) در کنار کعبه»، «قیام سید حسنی» است که هنوز اتفاق نیفتاده است.

ص:۱۲۱

ب. نشانه های غیرمتصل به ظهور: نشانه هایی هستند که قبل از نشانه های متصل به ظهور واقع می شوند مانند اینکه امر به منکر و نهی از معروف می شود و کار خوب زشت و کار زشت خوب شمرده می شود (۱) دروغ گفتن حلال می شود و ربا و رشوه رواج پیدا می کند و زنان به مردها و مردها به زنان شباهت پیدا می کنند و (۲)...

۲. از نشانه های آخرالزمان این است که آلات لهو نواخته می شود و یک نفر نیست که نهی از منکر] کند [و کسی جرات بر نهی آن نمی کند و نیز در شریف ترین مکان ها یعنی مکه معظمه و مدینه منوره آشکارا آلات لهو نواخته می شود.» (۳)

البته یکی از علائم آخر الزمان این است که امر به معروف و نهی از منکر نمی شود و معروف، منکر، و منکر، معروف می شود شاید نشانه ای هم که شما نوشته اید یکی از مصداق ها (و مثال های) این علامت در آخر الزمان باشد.

۳. در پایان یک سوال باقی می ماند و آن اینکه با توجه به نوع موسیقی و مداحی و شعرخوانی و به طور کلی با توجه به محتوای این جلسات آیا شرکت در این مجالس یا گوش دادن به صدای آن جایز است یا خیر؟

۱- (۱) . کتاب مهدی موعود، ص ۹۴۴، علی دوانی، چاپ ۲۰، سال ۱۳۶۱، انتشارات افست

۲- (۲) . همان کتاب، ص ۹۶۳

۳- (۳) . کتاب گناهان کبیره، جلد اول، ص ۲۶۲ از آیت الله شهید دستغیب - انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - چاپ هفتم، زمستان ۱۳۷۳.

در جواب این سوال باید گفت که در این گونه موارد هر کس باید به فتوای مرجع تقلید خود عمل کند.

معرفی کتاب:

دوست گرامی: برای اطلاعات بیشتر در مورد علائم ظهور و امام زمان می توانید مراجعه فرمایید به کتاب های:

۱. مهدی موعود – از استاد علی دوانی.

۲. دادگستر جهان – آیت الله امینی.

۳. مهدی(علیه السلام) انقلابی بزرگ – آیت الله مکارم شیرازی.

ص:۱۲۳

ارتباط جنگ جهانی سوم با ظهور مهدی(عج)

پرسش:

آیا اگر جنگ جهانی سوم رخ دهد امام زمان ظهور خواهند کرد؟

پاسخ:

یکی از مباحثی که امروز در ذهن مردم جهان بویژه مسلمانان و شیعیان مطرح است موضوع مهدویت و ظهور منجی است و تقریباً تمام ادیان طبق مدارک و شواهد متون دینی منتظر یک مصلح و منجی می باشند، و نشانه هایی را برای فرا رسیدن آن روز موعود بر می شمارند، حتی در باستانی ترین و دست نخورده ترین اقوام جهان، یعنی اسکیموها و سرخ پوستان آمریکای شمالی که به علت وضعیت نابسامان جوی از حملات و سیطره ی قدرت های بزرگ و فرهنگ های بیگانه محفوظ بوده است، آوازی به نام «شعر پایان دنیا» به چشم می خورد که کشته شدن انسان ها و سبک شمرده شدن خون مردم، از نشانه های آن است، و بعد از محقق شدن آن نشانه ها در جانب خورشید، صورت مردی هویدا می شود

ص:۱۲۵

که جهان را برای همیشه نجات خواهد داد. (۱)

ولی مصداق آن منجی و مصلح عدالت گستر، کسی جز حضرت حجت بن الحسن العسکری(عج) نیست.

یکی از نشانه هایی که برای این منجی و مصلح کل بیان شده جنگ و کشتار و هرج و مرج قبل از ظهور می باشد که این قتل و غارت در واقعه ی «قرقیسا» یا «آرماگدون» به تعبیر مسیحی ها به اوج و نهایت خود می رسد و به ظهور حضرت مهدی(عج) می انجامد. لذا لازم است قبل از پاسخ واقعه ی «آرماگدون» و «قرقیساء» را توضیح دهیم:

آرماگدون (Armageddon) یا هر مجدون واژه ای یونانی است که بنابر واژه نامه های آمریکائی مانند «وبستر» به نبرد نهائی حق و باطل در آخر الزمان معنا شده است. همچنین این واژه نام شهری است در منطقه ی عمومی شام که بنابر آنچه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا در عهد جدید (انجیل) آمده، جنگی عظیم در آن جا رخ خواهد داد و مرحله ی فعلی زندگی بشر در آن زمان پایان می یابد، «آرماگدون» یا نبرد نهائی آخرالزمان از علائم ظهور منجی (طبق عقیده ی مسیحیت بازگشت مجدد حضرت عیسی(علیه السلام) می باشد که قدرت های بزرگ جهان سیاست خارجی خود را بر مبنای آن جهت می دهند و نقشه های نظامی خود را به شکلی سامان داده اند که آمادگی لازم برای این حادثه را داشته باشند. مؤسسات دینی غرب، بویژه آمریکا نیز از دهه ی هشتاد میلادی مردم

۱- (۱) . علائم آخر الزمان در ادیان و ملل مختلف، ص ۱۵.

خود را برای استقبال از این حادثه آماده می سازند. این مؤسسات دینی پیوسته مردم خود را به ایمان به این نکته فرا می خوانند که به زودی لشکری از دشمنان مسیح که بدنه ی اصلی آن را میلیون ها نظامی که از عراق و ایران و لیبی و سودان و قفقاز و جنوب روسیه خواهند بود (۱) تشکیل می دهد و پس از گذشتن از رود فرات که در آن زمان به خشکی گرائیده است به سوی قدس رهسپار می شوند، اما نیروهای مومن به مسیح راه این لشکر را سد کرده و همگی در «آرماگدون» با یکدیگر برخورد خواهند کرد و در این مکان درگیری و نبردی هسته ای رخ خواهد داد که صخره ها ذوب می شوند، دیوارها بر زمین می غلطند، پوست تن انسان ها در حالی که ایستاده اند ذوب می شود و میلیون ها نفر از بین خواهند رفت؛ آنگاه حضرت مسیح برای بار دوم از جایگاه رفیع و بلند خویش به زمین خواهد آمد و پس از چندی زمام امور را به دست گرفته و صلح جهانی را بر زمینی نو و زیر آسمانی تازه برقرار خواهد کرد و قدس را مقر فرماندهی خود قرار خواهد داد.

مؤسسه ی تلسن در اکتبر ۱۹۸۵ به بررسی موضوع آرماگدون در جامعه خود پرداخت و اعلام کرد: در حال حاضر (سال ۱۹۸۵) ۶۱ میلیون آمریکائی در انتظار واقعه ی «آرماگدون» بسر می برند و مدارس انجیلی در آمریکا سال هاست بر پایه ی این تحلیل که واقعه ی «آرماگدون» تنها حادثه ای است که بازگشت مسیح را به زمین ممکن

۱- (۱) . بنا بر پیشگوئی های حرقیال فصل ۳۸ و ۳۹.

می سازد به تبلیغ این واقعه پرداخته اند و آن را واقعه ای بسیار نزدیک جلوه می دهند.

در سال ۱۹۹۷ میلادی نیز خبرگزاری آسوشتید پرس طبق یک نظرسنجی اعلام کرد ۲۵٪ جمعیت آمریکا اعتقاد راسخ دارند، که در آغاز هزاره ی سوم میلادی جنگ جهانی «آرماگدون» که آن را «جنگ فرات» نیز می گویند در منطقه ی فلسطین آغاز خواهد شد و این جنگ تا مدت ۷ سال ادامه خواهد داشت و در اثر این جنگ، دنیا نابود خواهد شد و در پایان این جنگ هفت ساله، که آن را مصیبت بزرگ برای کلیسا و مسیحیان می دانند مسیح همراه مسیحیان دوباره تولد یافته و ظهور خواهد کرد و پس از شکست دشمنان خود، حکومت جهانی خود را با مرکزیت بیت المقدس تشکیل خواهد داد.

قرقیسا: اهلبیت(علیه السلام) نیز از واقعه ای به نام «قرقیسا» خبر داده اند که از جهاتی شبیه همان «آرماگدون» تورات می باشد هر چند از خرافه ها و تحریف ها و تطبیق های بی جای آنها بدور است.

در روایتی میسّر از امام باقر(علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمودند: ای میسّر از این جا تا «قرقیسا» چقدر راه است؟ میسّر می گوید: عرض کردم. در همین نزدیکی ها در ساحل شط فرات قرار دارد، حضرت فرمودند: به زودی در آن جنگی واقع شود که از روز خلقت آسمان ها و زمین، چنین جنگی واقع نشده باشد و تا آسمان ها و زمین هست نخواهد شد، سفره ای

است که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر خواهند شد. (۱)

همچنین عبدالله بن ابی یعفور از امام باقر(علیه السلام) نقل می کند که حضرت به من فرمودند: برای بنی العباس و بنی مروان جنگی در «قرقیسا» خواهد شد که جوان در آن پیر می شود، و خداوند نصرت را از ایشان بر می دارد و به پرندگان آسمان و درندگان زمین گفته می شود که از گوشت جبارین و ستمکاران سیر شوید پس از آن سفیانی خروج خواهد کرد. (۲)

بررسی:

بنابر برخی روایات و یا آنچه در تورات و انجیل آمده، از یک جنگ تمام عیار و بسیار سخت در منطقه ی «آرماگدون» یا «قرقیسا» سخن به میان آمده اما از جنگ جهانی سوم نامی برده نشده است و اینکه کسی بگوید آن جنگ مورد نظر در روایات، همان جنگ جهانی سوم است ادعائی بدون دلیل است. آری برخی به واسطه ی قرائن یا شواهدی حدس زده اند که شاید جنگ مذکور، همان جنگ جهانی سوم باشد.

از جنگ جهانی دوم تاکنون بیش از ۱۵۰ جنگ عمده و صدها شورش مسلحانه و انقلاب رخ داده است و از پایان جنگ جهانی دوم تعداد کشته ها در نزاع های مسلحانه بیش از ۲۳ میلیون نفر بوده است؛ و طبق گزارش صلیب سرخ جهانی، بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در جنگ هایی که از آغاز این قرن به وقوع پیوسته، جان خود را از دست داده اند و و برخی

۱- (۱) . کافی، ج ۸، ص ۲۹۵ و غیبت نعمانی، ص ۲۶۷

۲- (۲) . غیبت نعمانی، ص ۳۰۳ و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۱.

رسانه ها اعلام کرده اند جنگ های قرن بیستم، جنگ های تمام عیاری بوده که جنگ های قرون گذشته در مقایسه ی با آن مانند جنگ های خیابانی بوده است. (۱)

بنابراین اگرقرار باشد هر جنگ و نزاعی که می شود با آن جنگ مورد نظر در منابع تاریخی مقایسه شود هر روز باید تطبیقی انجام شود و چندی بعد بطلان آن آشکار گردد. علاوه بر اینکه به خصوص در اخبار صحیح در مورد «قرقیسا» سخنی از حق بودن یکی از گروه های متخاصم نیامده است بلکه سخن از آن است که جباران و ستمگران در این جنگ نابود می شوند، اما در حال حاضر سران انگیس و آمریکا ادعای حقانیت جنگ «آرماگدون» را برای خود دارند، و معلوم است که جباران روزگار می خواهند با این تحلیل ها، سیاست های استعماری و استکباری خود را توجیه کنند و ملت های زیر سلطه ی خود را با قدرتو قوت کامل تری استثمار کنند و ددمنشی های خود را به نام زمینه سازان ظهور حضرت عیسی(علیه السلام) معرفی کنند و ملت ها را بفریبند.

نتیجه گیری:

بنابر آنچه گفته شد به دست می آید که اصل زیاد شدن جنگ و کشتار از علائم آخر الزمان می باشد و قبل از ظهور کشتار بزرگی در منطقه ی «قرقیساء» برای از بین رفتن جباران و ستمگران به پا خواهد

ص:۱۳۰

۱- (۱) . فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۲۰۴.

شـد اما اصل وقوع جنگ جهانی سوم یا اینکه اگر چنین جنگی در آینـده واقع شود از علائم ظهور باشـد و آن جنگ به ظهور حضـرت منجر گردد و از همه مهم تر اینکه حتماً یکی از دو طرف در این جنگ جهانی، حق باشـد هیـچ یک دلیل و مـدرکی نـدارد و یا صـرف حـدس و گمان ظنی است. بویژه اینکه تحریف اسـتکبار برای اسـتثمار مردم و چپاول و غارت اموال آنها نیز همراه این موضوع می باشد.

ارتباط پاره شدن لایۀ اوزون با ظهور مهدی(عج)

پرسش:

آیا عوامل طبیعی مانند پاره شدن لایه اوزون و کم شدن آب شیرین در تعجیل فرج امام زمان تاثیر دارد؟

پاسخ:

آنچه مسلم است آن است که بعضی از روایات پیرامون ظهور حضرت مهدی(عج) از آن حکایت دارد که قبل از ظهور آن حضرت جهان از فساد و تباهی پر خواهد شد، و به یمن و برکت ظهور آن رهبر بزرگ، سرتاسر جهان از عدالت پر خواهد گشت.

چنانچه از امام باقر(علیه السلام) در تفسیر آیه ی ۱۷ سوره ی حدید «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (۱)حکایت شده: خداوند زنده می کند زمین را به واسطه ی قائم(علیه السلام) زیرا با عدالت رفتار می کند از این رو زمین زنده می شود بواسطه ی عدالت، بعد از مردن آن بواسطه ی ظلم. (۲)

۱- (۱) . بدانید که خدا زمین را بعد از مردنش زنده می کند

۲- (۲) . ینابیع الموده، ص ۴۲۹.

روایات متعدد دیگری با این مضمون که «حضرت حجت زمین را از عدالت پر می کنند بعد از آنکه از جور و ستم» پر شده بود، از معصومین حکایت شده است. (۱)

و همچنین از آیه ی ۴۱ سوره ی روم که می فرماید:

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَیْدِی النَّاسِ لِیُذِیقَهُم بَعْضَ الَّذِی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ»

به دست می آید که این فساد و تباهی دستاورد خود مردم است. وقتی مردم از اطاعت دستورات خدا سرپیچی می کنند و بدی ها را بر نیکی ها بر می گزینند فساد در زمین جاری می شود.

اما در این که آیا شکافته شدن لایه ی اوزون یا کم شدن آب شیرین و اموری از این قبیل مانند سوختن جنگل ها در آتش یا زیاد شدن زلزله و... از مظاهر این فساد در زمین هست یا خیر؟ به نظر می رسد موارد یاد شده و امور دیگری از این قبیل، اگر موجب زیان، سختی و رنج مردم در زندگی روزمره می شود می توان گفت از مظاهر فساد است چرا که خدا زمین را گسترانده است و نعمت های خود را در اختیار بشر قرار داده است، که مردم از این مواهب خدا دادی استفاده کنند نه اینکه به رنج و سختی بیفتند.

۱- (۱) . ملاحم سید بن طاووس، ص ۱۴۴ تا ۱۴۹؛ معجم الملاحم والفتن، ج ۳، ص ۲۰۰.

ی ادآوری:

روایات اهل بیت(علیه السلام) از پرشدن زمین از فساد، قبل از ظهور حکایت دارد اما این پر شدن از ظلم و فساد علت برای ظهور نیستند بلکه از ویژگی ها و نشانه های قبل از ظهور این است که زمین از فساد پر خواهد شد و این تقارن و همجواری و در عرض هم قرار گرفتن فساد و به همراه آن ظهور و پر شدن از عدالت دلیل بر این نیست که بگوئیم: «پس فساد علت ظهور است.»

نتیجه:

قبل از ظهور حضرت حجت(عج)، زمین از ظلم و فساد پر خواهد شد و عده ای اگر چه اندک باشند «ظالم» خواهند بود و عده ای اگر چه اکثریت مردم جهان را تشکیل دهند «مظلوم» واقع خواهند شد و بواسطه ی گناه و معصیت، مردم گرفتار این فسادها و بلاها خواهند گشت تا آن که پشیمان شوند و باز گردند و به خدا روی بیاورند (چنانچه از آیه ی ۴ سوره ی روم بدست آمد) و اموری مانند شکافته شدن لایه ی اوزون اگر باعث اختلال در زندگی بشر و بهم خوردن چرخه ی صحیح حیات گردد، می تواند از مظاهر و مصادیق فساد باشد که خود مردم موجبات آن را فراهم کرده اند اما این فساد و ظلم علت ظهور نیست بلکه وقت ظهور را خداوند طبق مصلحت بندگان معین خواهد فرمود، و قطعاً آمادگی مردم برای پذیرش دستورات آن حضرت در تعجیل در فرج شریفش مؤثر خواهد بود و این بدان معنا نیست که ما باید به فساد در جامعه دامن بزنیم و یا به لایه ی اوزون ضربه بزنیم بلکه وظیفه منتظر

ص:۱۳۵

واقعی اصلاح و مقابله با این فسادهاست.

به امید آنکه با انتظار صحیح و سازنده شاهد تشکیل دولت جهانی و بر حق حضرت مهدی(علیه السلام) و از بین رفتن همه ی مظاهر ظلم و فساد باشیم. ان شاء الله!

ص:۱۳۶

پرسش:

نشانه های ظهور امام عصر(عج) چیست ؟

پاسخ:

قبل از آنکه بحث نشانه های ظهور حضرت را بررسی کنیم تذکر این نکته لازم است که با دقت در علائم ظهور در می یابیم که این علائم و نشانه ها نسبت به ظهور رابطه ی سببی و مسببی ندارند یعنی این نشانه ها علت و سبب تحقق ظهور نیستند بلکه تنها زمان ظهور را اعلام می کنند و به اصطلاح کاشف از این واقعیت است که ظهور نزدیک شده است و به تعبیر دیگر نشانه های ظهوررخدادهایی هستند برای «اعلام عمومی نزدیکی ظهور» و «ایجاد آمادگی روانی مردم» برای استقبال از ظهور امام. (۱)

ص:۱۳۷

۱- (۱) . محمد صدر، تاریخ الغیبهٔ الکبری، ص ۳۹۶، ترجمه شده به نام تاریخ غیبت کبری ترجمه دکتر سید حسن افتخارزاده.

نه اینکه علت ظهور باشد که بگوییم حتماً بعد از ظاهر شدن نشانه ها، ظهور امام تحقق می یابد. بلکه ممکن است نشانه ای بیاید ولی اراده ی الهی تغییر کند و ظهور امام انجام نشود.

منظور از نشانه های ظهور:

رخدادهایی را که براساس پیش بینی ائمه(علیه السلام) پیش از ظهور حضرت یا در آستانه ی آن، پدید خواهند آمد نشانه های ظهور گویند، تحقق هر کدام از نشانه ها نویدی است بر نزدیک تر شدن ظهور امام؛

بنابراین پدیدار شدن یک یا چند نشانه از مجموعه نشانه های ظهور، چیزی جز نزدیک تر شدن زمان ظهور را نمی رساند. البته بعضی از نشانه ها و علائمی که ائمه(علیه السلام) پیشگویی کرده اند به وقوع پیوسته است. مثلاً در روایات به اختلاف در میان امت اسلام، انحراف بنی عباس و جنگ های صلیبی و ... به عنوان نشانه های ظهور خبر داده شده، که ظاهراً آنها تحقق پیدا کرده است. (۱)

مشخص نبودن زمان ظهور:

از امور مسلم و قطعی، اصل ظهور حضرت مهدی(عج) است و البته نشانه ها و اتفاقاتی قبل از ظهور حضرت پدید می آید ولی زمان ظهور حضرت مشخص نیست و هیچ کس جز خداوند از وقت ظهور آگاهی

۱- (۱) . غیبت نعمانی، علائم پیش از قیام.

ندارد، بارها مسلمانان و حتی اصحاب ائمه از زمان ظهور حضرت سوال می کردند، ولی ائمه(علیه السلام) به صراحت از مشخص نبودن زمان ظهور سخن گفته اند؛ و فرموده اند که علم به زمان ظهور همچون علم به زمان قیامت، منحصر به خداوند است: از حضرت علی(علیه السلام) در روایتی حکایت شده:

«و اما زمان ظهور حضرت مهدی(عج) به روشنی برای ما مشخص نشده است بلکه او تا زمانی که خداوند اجازه خروج دهد، از دیگران پنهان است.» (۱)

و در روایتی دیگر نقل شده که امام باقر(علیه السلام) در جواب کسی که سوال از وقت معین ظهور کرد ۳ بار فرمودند: «کذب الوقاتون»؛ (۲) «کسانی که وقت معین می کنند دروغگو هستند.»

تفاوت زمینه های ظهور با علائم آن:

ظهور امام زمان(عج) شرایط و نشانه هایی دارد که از آنها به عنوان «زمینه های ظهور» و «علائم آن» یاد می شود تفاوت این دو آن است که زمینه ها در تحقق ظهور، تاثیر واقعی دارند به گونه ای که با فراهم شدن آنها. ظهور امام اتفاق می افتد و بدون آن ها ظهور نخواهد بود؛ ولی «علائم» در ظهور نقش ندارند بلکه تنها نشانه هایی هستند که به

وسیله ی آنها می توان به اصل ظهور حضرت و یا نزدیک شدن آن پی برد.

۱- (۱) . کتاب الغیبه، شیخ طوسی،ص۴۲۵ «و اما وقت خروجه(علیه السلام) فلیس لمعلوم لنا علی وجه التفصیل...»
۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳.

با توجه به تفاوت یاد شده به خوبی می توان دریافت که زمینه ها و شرایط نسبت به علائم و نشانه ها از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. بنابراین پیش از آنکه به دنبال علائم ظهور باشیم به زمینه های ظهور توجه کنیم و در حد توان در تحقق آن زمینه ها تلاش کنیم.

شرایط و زمینه های ظهور:

برای حرکت اصلاحی و انقلاب عظیم بشری توسط حضرت مهدی(عج)، چهار شرط ذکر شده و مانند هر قیام اصلاحی دیگر قبل از آن حرکت عظیم این چهار زمینه و شرط باید فراهم باشد تا انقلاب به بار بنشیند.

در مورد انقلاب حضرت مهدی(عج) دو زمینه و شرط در محدوده ی اختیارات بشر است و ما باید آن زمینه ها را ایجاد کنیم و دو شرط دیگر خارج از اختیارات بشر است:

۱. وجود طرح و برنامه:

هر جنبش و خیزشی که بخواهد وضع موجود جامعه را تغییر دهد و به وضع مطلوب برساند نیاز به طرح و برنامه دارد که البته طرح و برنامه این حرکت توسط خداوند بزرگ تدوین شده است. خداوندی که عالم به ابعاد مختلف وجودی انسان می باشد و با توجه به ابعاد مختلف روحی و مادی و فردی و اجتماعی ... انسان برنامه ای را تحت نام دین اسلام و کتاب قرآن در اختیار پیامبر و بعد از آن ائمه(علیه السلام) قرار داده است.

ص:۱۴۰

۲. رهبری توانا:

این شـرط نیز در مورد قیـام بزرگ حضـرت مهـدی(عـج) فراهم است، چون رهبری این قیام در دامان امامت پرورش یافته و به سرچشمه وحی متصل است. به قرآن و معارف دین (طرح و برنامه) احاطه دارد و مورد تایید الهی است.

۳. یاران:

بـا نگـاهی به تاریـخ، به خوبی می توان نقش و جایگـاه یـاوران را در حرکت هـا و خیزش ها دریافت. مگر داسـتان صـلح امام حسن(علیه السلام) را می توان فراموش کرد که چگونه حضرت را رها کردند و در نهایت ایشان مجبور به قبول و امضای صلح نامه شد؟

همـان طور که عـدم همراهی با امام زمان(عـج) غیبت ساز است، همراهی و یاوری، ظهور آفرین است پس بیاییم با ولی نعمت خود پیمان وفاداری ببندیم و صفوفی به هم پیوسته از یاوران راستین فراهم آوریم تا ظهورش را درک کنیم!

۴. آمادگی عمومی:

یکی از شرایط مهم هر انقلاب و قیامی، همراهی و پذیرش مردمی است؛ یعنی اگر بهترین طرح و برنامه در اختیار، بهترین رهبر با یارانی منتخب و از جان گذشـته قرار گیرد ولی مردم آن را نپذیرنـد، قطعاً به انجام نخواهد رسـید. اگر حکومت اسـلامی در مدینه پایه گذاری شد بدان جهت

بود که مردم یثرب خواستند و روزها مقدم مبارک پیامبر را انتظار کشیدند.

ص:۱۴۱

بشیر می گوید به امام باقر(علیه السلام) عرض کردم: مردم می گویند: «وقتی حضرت مهدی(عج) قیام کند کارها خود به خود برای او درست می شود.» حضرت فرمود: «هرگز چنین نیست قسم به کسی که جانم به دست اوست! اگر بنا بود کارها خود به خود درست شود برای رسول خدا چنین می شد.» (۱)

فوائد نشانه های ظهور:

در روایات ائمه معصوم(علیه السلام) علائم فراوانی برای ظهور حضرت ذکر شده است که بعضی از آن علائم و پدیده ها طبیعی و عادی هستند و بعضی از پدیده ها غیرعادی و معجزه آسا هستند. اهتمام ائمه(علیه السلام) به طرح این موضوع و توجه دادن مسلمانان به این حقیقت نشان از اهمیت فوق العاده آن علائم دارد که البته آثار بسیاری در هدایت و سعادت فردی و جمعی مسلمانان دارد. بعضی از فواید علائم ظهور به این ترتیب است:

۱. بازشناسی مدعیان دروغین مهدویت؛

۲. آمادگی مردم برای ظهور حضرت حجت(عج)؛

۳. پر فروغتر شدن نور امید در دل مؤمنان و شیعیان؛

۴. هشدار به منحرفان جهت جبران گذشته و مهیا شدن جهت ظهور؛

۵. اثبات علم و صداقت ائمه(علیه السلام) در پیشگوئی از آینده.

۱- (۱) . غیبت نعمانی، باب ۱۵، ج ۲، ۳۹۹.

نشانه های ظهور:

آنچه از روایات استفاده می شود این است که نشانه های ظهور حضرت بر دو قسم است: نشانه های حتمی و غیرحتمی.

نشانه های حتمی: منظور از این نشانه ها آن است که تحقق و پدیدار شدن آنها بدون هیچ قید و شرطی، قطعی و الزامی خواهد بود به گونه ای که تا آنها واقع نگردد، حضرت مهدی(عج) ظهور نخواهد کرد و اگر کسی پیش از واقع شدن این نشانه ها ادعای ظهور نماید، ادعای نادرستی کرده است.

چند نمونه از این علائم به شرح ذیل می باشد:

۱. قیام سفیانی:

امام صادق(علیه السلام) می فرمایند: «خروج سفیانی از علایم حتمی است، و قیام او در ماه رجب خواهد بود.» ۱

یکی از علائم حتمی که پیشوایان معصوم ما بر آن بسیار تاکید کرده و

ص:۱۴۳

به طور صریح بیان فرموده اند خروج سفیانی است این شخص، که طبق پاره ای از روایات مردی اموی و از نسل یزید بن معاویه بن ابی سفیان است و از پلیدترین مردم است، با خاندان نبوت و امامت و شیعیان دشمنی ویژه ای دارد و در شهرهای عراق به ویژه در نجف و کوفه، جنایات بزرگی مرتکب می شود... سفیانی بعد از مدتی از عراق به شام و دمشق فرار می کند؛ امام سپاهی را به تعقیب او می فرستد و سرانجام او را در «بیت المقدس» هلاک کرده و سرش را جدا می کنند. (۱)

۲. خسف بیداء:

از جمله علائم حتمی، فرو رفتن لشگر سفیانی در «بیداء» است. بعد از قتل و غارت در مدینه، سپاهی از طرف سفیانی به سوی مکه می رود و در بین راه مکه و مدینه به فرمان خدای متعال به زمین فرو می روند. (۲)

امام باقر(علیه السلام) در حدیث معتبری می فرمایند:

به فرمانده لشگر سفیانی گزارش می رسد که مهدی(عج) به سوی مکه حرکت کرده است. او سپاهی را به دنبال آن حضرت روانه می کند. آنها به وی دست نمی یابند و مهدی(عج) داخل مکه می شود... فرمانده سپاه سفیانی با سپاهش در «بیداء» فرود می آیند. در این هنگام، ندا دهنده ای از آسمان ندا می دهد: «ای زمینِ «بیداء» اینان را نابود کن!» پس زمین

۱- (۱) . سیمای آفتاب، حجت الاسلام دکتر طاهری، انتشارات زائر، ص ۲۷۷

۲- (۲) . سیمای آفتاب، حجت الاسلام دکتر طاهری، انتشارات زائر، ص ۲۷۷ و ۲۷۸.

آنها را در خود فرو می برد... (۱)

و همچنین از امام صادق(علیه السلام) حکایت شده: «از علایم حتمی که پیش از قیام اتفاق خواهد افتاد قیام سفیانی و فرو رفتن در زمین «بیداء» است.» (۲)

۳. صحیه و ندای آسمانی:

براساس روایات متعدد، پس از ظهور امام، در مکه بانگی بسیار مهیب و رسا از آسمان شنیده می شود که امام را با اسم و نسب به همگان معرفی می کند و به مردم توصیه می کند که با امام بیعت کنند تا هدایت یابند و با او مخالفت نکنند که گمراه می شوند.

در روایتی از امام صادق(علیه السلام) نقل شده که می فرمایند:

«عن عمر بن حنظله قال سمعتُ ابا عبدالله(علیه السلام) یقول: «قبل قیام القائم خمس علامات محتومات الیمانی و السفیانی و الصیحه و قتل النفس الزکیه و الخسف البیداء»؛ «قبل از قیام قائم پنج علامت حتمی است: یمانی، سفیانی، صیحه و ندای آسمانی و قتل نفس زکیه و خسف بیداء» (۳)

۱- (۱) . غیبت نعمانی، ص ۳۹۲، باب ۱۴، ح ۶۷.درباره وثاقت این حدیث احمد بن محمد، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۹۶، احمد بن حسین، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۹۷، حسن بن محبوب، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۷۲، عمرو بن ابی القوام، جابر بن یزید جعفی، ج ۴، ص ۱۷

۲- (۲) . غیبت نعمانی، ص ۳۷۲

۳- (۳) . کافی، ج ۸، ص ۲۱۰؛ کمال الدین صدوق، ص ۶۵۰، ج ۲، عربی؛ غیبت نعمانی، ص ۲۵۲، باب ۱۴، ح ۹؛ غیبت طوسی، ص ۲۶۷ ناشر مکتبه بصیرتی قم، چاپ غدیر، مضمون روایت.

۴. قتل نفس زکیه:

انسان جوان و پاکی بین رکن و مقام توسط اهل مکه کشته می شود.

۵. خروج یمانی:

قیام سرداری از سرزمین یمن یکی از علائم حتمی است که اندکی پیش از ظهور رخ خواهد داد وی که مردی صالح و مؤمن است علیه بدی ها و انحرافات قیام می کند و با تمام توان با بدی ها و تباهی ها مبارزه می کند.

از امام باقر(علیه السلام) در این باره حکایت شده:

در میان بیرق هایی] که قبل از قیام مهدی(عج) بلند می شود [پرچمی هدایت کننده تر از پرچم یمانی وجود ندارد که آن پرچم هدایت است. (۱)

نشانه های غیرحتمی: اموری هستند که درصورت فراهم بودن شرایط به عنوان نشانه پدید می آید. بعضی از این نشانه ها را برمی شماریم.

به روایتی از امام صادق(علیه السلام) که به گوشه ای از مفاسد آخرالزمان اشاره فرموده توجه کنید:

حکایت شده که امام صادق(علیه السلام) به یکی از یاران خود فرمود:

هر گاه دیدی که:

۱. حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند؛

۱- (۱) . غیبت نعمانی، ج ۱۳، ص ۲۶۴ ناشر مدین؛ نگین آفرینش، ص ۱۵۷؛ تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ص ۶۵۳ ترجمه افتخارزاده.

۲. ظلم و ستم فراگیر شده؛

۳. کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی شود و بدکاران بازخواست نمی شوند؛

۴. بچه ها به بزرگترها احترام نمی گذارند؛

۵. نوجوانان پسر، همان کنند که زنان می کنند؛

۶. انسان ها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف می کنند؛

۷. کسی که امر به معروف می کند خوار و ذلیل است؛

۸. نماز را سبک شمارند؛

۹. هرج و مرج زیاد است؛

۱۰. در مکه و مدینه کارهایی می کنند که خدا دوست ندارد؛

۱۱. سال به سال بدعت ها و بدی ها بیشتر شود؛

۱۲. زن ها بر مسند حکومت بنشینند و هیچ کاری جز خواسته ی آنها برای آنها پیش نرود؛

۱۳. هدف مردم شکم و شهوتشان است؛

۱۴. و دیدی که نشانه های حق ویران شده است، در این وقت خود را حفظ کن و از خدا بخواه که از خطرات گناه نجاتت بدهد! (۱)

و نیز در روایتی دیگر برخی نشانه های غیرحتمی را اینگونه برشمرده اند:

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۰ - ۲۵۶.

۱. خراب شدن دیوار مسجد کوفه؛

۲. جاری شدن نهری از شط فرات در کوچه های کوفه؛

۳. قحطی شدید قبل از ظهور؛

۴. وقوع زلزله و طاعون در کثیری از بلاد؛

۵. حرکت پرچم های سیاه از خراسان؛

۶. خراب شدن بصره؛

۷. کسوف خورشید در سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان؛

۸. فرا گرفتن ظلمت و کفر و معاصی در تمام عالم. (۱)

یادآوری:

این نشـانه ها بـدان معنا نیست که ما به گناه و سـتم کمک کنیم تا نشانه های ظهور تحقق یابـد(چنانچه برخی کوته فکران می پندارند.) بلکه ما باید با تلاش فردی (خود سازی) و تلاش اجتماعی(کوشش در راه اصلاح جامعه و توسعه ی عدل و...) زمینه ساز ظهور حضرت گردیم و انشاءالله از یاران امام زمان (عج) قرارگیریم.

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵... و کتاب نشانه های شگفت آور آخرالزمان.

پرسش:

چگونه خود را برای ظهور آماده کنیم ؟ و وظایف منتظران ظهور چیست ؟

پاسخ:

این سوال بسیار مهم و در واقع سوال همه ی شیعیان و محبین اهل بیت می باشد. به نظر می رسد اگر ما وظیفه ی خود را در زمان و دوران انتظار بدانیم و بدان وظایف عمل کنیم در واقع خود را برای زمان ظهور آماده کرده ایم.

«آمادگی برای ظهور مستلزم انتظاری خوب و شایسته است.»

اینک در این نوشتار به صورت کلی و مختصر برخی وظایف منتظران حضرت را بیان می کنیم و برای مطالعه بیشتر - به کتاب هایی که به طور مفصل به این موضوع پرداخته اند که بعضی از آنها را در این نوشته نام می بریم - مراجعه فرمایید.

ص:۱۴۹

۱. شناخت:

یکی از ویژگی های منتظر، شناخت و معرفت به امام زمان است نه فقط یادگیری نام ها و القاب و تاریخ ولادت و غیبت؛ بلکه معرفت داشتن به ویژگی ها و ابعاد وجودی حضرت و اندیشیدن در کلمات و اوامر حضرت و تأمل در حکمت نام ها و نشانه ها و علائم ظهور و شگفتی ولادت و حیات او، همچنین دانستن سبب و حکمت غیبت پر رمز و راز حضرت که به یقین وقتی انسان معرفت به این موارد پیدا کرد و اهداف و آرمان های او را فهمید خود را برای عملی کردن اهداف امام زمان آماده می سازد و خشنودی او را به خشنودی خودش ترجیح می دهد و سعی می کند سرباز خوبی برای آن حضرت باشد.

از رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) حکایت شده:

«من مات و هو لایعرف امامَهُ ماتَ میتةً جاهلیةً»؛ (۱)

«کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»

ص:۱۵۰

۱- (۱) . محاسن برقی، ج ۱، ص ۲۵۱ و بحارالانوار مرحوم مجلسی، ج ۲۳، ص ۷۶ و با تعبیر «من مات ولم یعرف امام زمانه فقد مات میتۀ جاهلیۀ» الصوارم المهرقۀ، شهید نور الله التستری، ص ۲۶۳ این روایت را از صعمین نقل می کند.

راه های شناخت امام زمان:

از جمله راه های شناخت امام زمان عبارتند از: ۱. تلاش برای آگاهی بیشتر از حضرت یا از طریق شنیدن از بزرگان و یا مطالعه ی کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده است، مانند کتاب مکیال المکارم که مرحوم آیت الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی تالیف کرده اند و طبق گفته نویسنده به فرمان خود امام زمان(عج) نوشته شده است این کتاب یکدوره امام شناسی که ترجمه فارسی هم شده است. (۱)

۲. راه دوم بوسیله ارتباط روحی و معنوی با دعا و توسل است: همانطور که در زیارت جامعه می فرماید: «خدایا از تو می خواهم که مرا از آشنایان به امامان و به حق و حقوق آنان قرار دهی!» (۲)

راه اول: راه معرفت علمی است ولی راه دوم: راه شناخت قلبی و روحی است.

۲. اطاعت:

اگر چه امام زمان غایب است ولی اراده و فرمانش در میان همه ی خلایق جاری است. دستوراتش را باید شناخت و فرمان هایش را باید اطاعت کرد.

ص:۱۵۱

۱- (۱) . مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، ناشر مهر قائم اصفهان می باشد

۲- (۲) . «اسألك ان تجعلنی فی جملة العارفین بهم و بحقهم» و مفاتیح الجنان فرازی از زیارت جامعه کبیره.

از امام صادق(علیه السلام) حکایت شده که می فرماید:

خوشا به حال شیعیان مهدی قائم(علیه السلام) آنان که در دوران غیبت او چشم انتظار ظهور اوینـد و در دوران ظهورش سرسپردگان اوامر او.» (۱)

حال سوال این است چگونه او امر و دستورات امام زمان(عج) را در زمان غیبت ایشان بدانیم و به آنها عمل کنیم؟

در جواب این سوال بایـد گفت که اگر چه در خصوص امـام زمان ارتباط محسوس بین امام و مردم وجود نـدارد ولی در هیچ یک از دو غیبت صـغری و کبری امام زمان، پیوند امام با مردم به طور کلی قطع و گسسـته نشده است زیرا در هر دو غیبت، امر سفـارت و نیـابت وجود داشـته و دارد و از طریق نایبـان، پیونـد امـام بـا مردم برقرار بوده و هست. در زمان غیبت صـغری نیابت نایبـان خـاص بوده و در زمـان غیبت کبری نیابت نایبان حضـرت عام می باشـد که با توجه به شـرایط و ضوابطی که مطرح می کنند اطاعت فقهاء جامع الشرایط لازم و در ردیف اطاعت از امام زمان می باشد. و مخالفت با فقیه جامع الشرایط که نایب امام است، مخالفت با امام، و مخالفت با امام، مخالفت با خداوند می باشد.

توقیع حضرت ولی عصر(عج):

سوالاتی که برای مردم حاصل شده بود و برای خودش نیز «اسـحاق بن یعقوب» مشکل بود در ذیل نامه ای به وسیلهٔ نایب دوم، یعنی محمد

ص:۱۵۲

۱- (۱) . طوبی الشیعهٔ....، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۰.

بن عثمان عمری به محضر حضرت مهدی(عج) فرستاد و پاسخ آنها را طلبید از جمله ی آن مسائل این بود که مردم در عصر غیبت در حوادث واقعه به چه کسی مراجعه کنند؟ حضرت پاسخ فرمودند:

«.... و امّا الحوادث الواقعه فارجعوا فیها إلی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجهٔ الله»؛ «اما آنچه سوال کرده ای خدا تو را هدایت کند و ثابت قدم نماید... اما حوادثی که پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آنها حجت و نمایندگان من هستند بر شما و من حجت خدا بر شما....» (۱)

از این حدیث استفاده می شود که اطاعت از ائمه ی قبل، عین اطاعت از امام زمان است چون فقها با توجه به قرآن کریم و قول ائمه احکام شرعی را بیان می کنند.

۳. انتظار:

انسان منتظر، انسانی کوشا است، انسانی جهادگر و مبارز است که در مسیر اقامه ی توحید و استقرار ولایت از نثار هر چه دارد دریغ نمی ورزد.

چنانچه از حضرت علی(علیه السلام) حکایت شده:

«کسی که چشم انتظار حاکمیت ما باشد، مانند مجاهدی است که در

۱- (۱) . شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۴۸۴. جهت مطالعه بیشتر به کتاب سیمای آفتاب - سیری در زندگانی حضرت مهدی(عج) - به قلم حجت الاسلام دکتر طاهری درس یازدهم (غیبت کبری و نواب عام حضرت مهدی(عج) مراجعه شود.

راه خدا به خون خویش غلطیده باشد.» (۱)

و جـامعه ی منتظر جامعه ای پویا است، جامعه ای متحرک و فعال است که حاکمیت طاغوت را نمی پـذیرد و بی عـدالتی را بر نمی تابد. منتظر ظهور امام زمان بودن حرکت بسوی ظهور داشتن و به آرمان های موعود عمل نمودن است.

انسان منتظر نفس اماره را کنترل و شـیطان را از خود دور می کند و خود را جهت اسـتقبال از آقا امام زمان(عج) مهیا می کند. جهت اسـتقبال از او لوح دل را از آلودگی ها و گناهان می شویـد و خانه دل را به یاد خـدا و با صـفات حمیـده و پسـندیده ی انسانی زینت می دهد و الا امام زمان(عج) که به هر جایی پا نمی گذارند. نمی توان یک گوشه ی دل را از محبت دنیا پر کرد گوشه ی دیگر گناهـان و ... بعـد به آقـا بگوییم بیـا بیـا که سوختم، زهجر روی ماه تو؟ چگونه سوخته است انسانی که خود را برای ظهور آماده نکرده است.

آیینه شو، جمال پری طلعتان طلب جاروب زن به خانه سپس میهمان طلب

ص:۱۵۴

۱- (۱) . امیرالمومنین(علیه السلام): «المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله»، کمال الدین صدوق، ص ۶۴۵.

۴. خدمت گذاری به حضرت:

از امام صادق(علیه السلام) نقل شده که می فرمایند: «اگر دوران او را درک می کردم همه ی روزهای زندگیم را در خدمت به او می گذراندم.» (۱)

وقتی پیامبران و امامان در خدمت به امام زمان پیشتاز هستند وقتی امام صادق(علیه السلام) آرزوی خدمت به ایشان را دارد و حضرت عیسی(علیه السلام) از آسمان فرود می آید تا او را یاری کند وظیفه ی شیعیان منتظر در خدمت به ساحت مقدس او چقدر است؟

بی تردید خادمین دوران ظهور، همان خادمین دوران غیبت اند.

آنها که پس از ظهور شایستگی خدمت می یابند، همان هایی هستند که در دوران غیبت، بر خدمت به امام و امت امام همت گماشته اند، و اهداف امام را سرلوحه ی زندگی خود قرار داده اند.

اول: تحصیل شناخت صفت و آداب و ویژگی های آن جناب(علیه السلام)

دوم: رعایت ادب نسبت به یاد او

سوم: از وظایف بندگان نسبت به آن حضرت(علیه السلام) محبت او به طور خاص

چهارم: محبوب نمودن او در میان مردم

پنجم: انتظار فرج و ظهور آن حضرت(علیه السلام)

ششم: اظهار اشتیاق به دیدار آن بزرگوار(علیه السلام)

۱- (۱) . «لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی»، بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

هفتم: ذکر مناقب و فضایل آن حضرت(علیه السلام)

هشتم: اندوهگین بودن مؤمن از فراق آن حضرت(علیه السلام)

نهم: حضور در مجالس فضایل و مناقب آن حضرت(علیه السلام)

دهم: تشکیل مجالس ذکر مناقب و فضایل آن حضرت(علیه السلام)

یازدهم و دوازدهم: سرودن و خواندن شعر در فضایل و مناقب آن حضرت(علیه السلام)

سیزدهم: قیام، هنگام یاد شدن نام یا القاب آن حضرت(علیه السلام)

چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم: گریستن و گریانیدن و خود را به گریه کنندگان شبیه نمودن بر فراق آن حضرت(علیه السلام)

هفدهم: درخواست معرفت امام عصر(علیه السلام) از خداوند - عزوجل -

هجدهم: تداوم درخواست معرفت آن حضرت(علیه السلام)

نوزدهم: مداومت به خواندن دعای غریق

بیستم: دعا در زمان غیبت آن حضرت(علیه السلام)

بیست و یکم: شناختن علامت های ظهور آن حضرت(علیه السلام)

بیست و دوم: تسلیم بودن و عجله نکردن

بیست و سوم: صدقه دادن به نیابت از آن حضرت(علیه السلام)

بیست و چهارم: صدقه دادن به قصد سلامتی آن حضرت(علیه السلام)

بیست و پنجم و بیست و ششم: حج رفتن به نیابت از آن حضرت(علیه السلام) و فرستادن نایب که از طرف آن جناب حج کند

بیست و هفتم و بیست و هشتم: طواف بیت الله الحرام به نیابت از

امام(علیه السلام) و نایب ساختن دیگری تا از طرف آن حضرت طواف نماید

بسیت و نهم: زیارت مشاهد رسول خدا و ائمۀ معصومین(علیه السلام) به نیابت از مولایمان صاحب الزمان(عج)

سی ام: استحباب اعزام نایب برای زیارت از سوی آن حضرت(علیه السلام)

سی و یکم: سعی در خدمت کردن به آن حضرت(علیه السلام)

سی و دوم: اهتمام ورزیدن به یاری آن جناب(علیه السلام)

سی و سوم: تصمیم قلبی بر یاری کردن آن جناب در زمان حضور و ظهور او

سی و چهارم: تجدید بیعت با آن حضرت(علیه السلام) بعد از فرائض همه روزه و هر جمعه

سی و پنجم: صلۀ آن حضرت(علیه السلام) به وسیلۀ مال

سی و ششم: صلۀ شیعیان و دوستان صالح امامان(علیه السلام) به وسیلۀ مال

سی و هفتم: خوشحال کردن مؤمنین

سی و هشتم: خیرخواهی برای آن حضرت(علیه السلام)

سی و نهم: زیارت کردن آن حضرت(علیه السلام)

چهلم: دیدار مؤمنین صالح و سلام کردن بر آنان

چهل و یکم: درود فرستادن بر آن حضرت(علیه السلام)

چهل و دوم: هدیه کردن ثواب نماز به آن جناب(علیه السلام)

چهل و سوم: نماز هدیه به آن حضرت(علیه السلام) به گونۀ مخصوص در وقت معین

چهل و چهارم: اهداء قرائت قرآن به آن حضرت(علیه السلام)

چهل و پنجم: توسل و طلب شفاعت از خداوند به وسیلۀ آن حضرت(علیه السلام)

چهل و ششم: دادخواهی و توجه نمودن و عرض حاجت بر آن حضرت(علیه السلام)

ص:۱۵۷

چهل و هفتم: دعوت کردن مردم به آن حضرت(علیه السلام)

چهل و هشتم: رعایت حقوق آن حضرت و مواظبت بر ادای آن ها و رعایت وظایف نسبت به آن بزرگوار(علیه السلام)

چهل و نهم: خشوع دل هنگام یاد آن حضرت(علیه السلام)

پنجاهم: عالم باید عملش را آشکار سازد

پنجاه و یکم: تقیه کردن از اشرار و مخفی داشتن راز از اغیار

پنجاه و دوم: صبر کردن بر اذیت و تکذیب و سایر محنت ها

پنجاه و سوم: درخواست صبر از خدای تعالی

پنجاه و چهارم: سفارش یکدیگر به صبر در زمان غیبت حضرت قائم(علیه السلام)

پنجاه و پنجم: پرهیز از مجالسی که نام آن حضرت(علیه السلام) در آن ها مورد تمسخر باشد

پنجاه و ششم: تظاهر با ستمگران و اهل باطل

پنجاه و هفتم: ناشناس ماندن و پرهیز از شهرت یافتن

پنجاه و هشتم: تهذیب نفس

پنجاه و نهم: اتفاق و اجتماع بر نصرت آن حضرت(علیه السلام)

شصتم: متفق شدن بر توبهٔ واقعی و بازگرداندن حقوق به صاحبان آن ها

شصت و یکم و شصت و دوم: پیوسته به یاد آن حضرت بودن و به آدابش عمل کردن

شصت و سوم: دعا به درگاه الهی برای جلوگیری از نسیان یاد آن حضرت(علیه السلام)

شصت و چهارم: اینکه بدنت نسبت به آن جناب(علیه السلام) خاشع باشد

شصت و پنجم: مقدم داشتن خواستهٔ آن حضرت(علیه السلام) برخواستهٔ خود

شصت و ششم: احترام کردن نزدیکان و منسوبین به آن حضرت(علیه السلام)

شصت و هفتم: بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن حضرت(علیه السلام) زینت یافته اند

شصت و هشتم و نهم: وقت ظهور را تعیین نکردن و تکذیب وقتگذاران

هفتادم: تکذیب کردن مدعیان نیابت خاصه از آن حضرت(علیه السلام) در زمان غیبت کبری

هفتاد و یکم: درخواست دیدار آن حضرت با عافیت و ایمان

هفتاد و دوم: اقتدار و تأسی جستن به اخلاق و اعمال آن حضرت(علیه السلام)

هفتاد و سوم: حفظ زبان از غیر یاد خداوند و مانند آن

هفتاد و چهارم: نماز آن حضرت(علیه السلام)

هفتاد و پنجم: گریستن در مصیبت مولایمان شهید مظلوم حضرت ابی عبدالله الحسین(علیه السلام)

هفتاد و ششم: زیارت قبر مولایمان امام حسین(علیه السلام)

هفتاد و هفتم: بسیار لعنت کردن بر بنی امیه در آشکار و پنهان

هفتاد و هشتم: اهتمام در ادای حقوق برادران دینی

هفتاد و نهم: مهیا کردن سلاح و اسب در انتظار ظهور آن جناب(علیه السلام)

فصل سوم: جهان در عصر مهدویت

اشاره

ص:۱۶۱

ارتباط جهانی شدن و جهانی سازی با مهدویت

پرسش:

دیدگاه قرآن در مورد جهانی شدن چیست؟ و جهانی سازی مطلوب کدام است؟

پاسخ:

درآمد:

از جمله مهم ترین رخدادهایی که در دو سه قرن اخیر، در جوامع بشری رخ نموده، و بسیاری از ارزش های انسانی را تحت الشعاع جهان و علم مادی قرار داده و در سایهٔ عقلانیت ابزاری، به نفی، یا کم اهمیت جلوه دادن نقش فراطبیعت، سنت ها و باورها پرداخته، دو پدیدهٔ مهم نوگرایی (۱) و پسانوگرایی (۲) است. در آغوش جریان نوگرایی، که خاستگاه و محل تکامل آن در غرب بوده و دامنهٔ تأثیرات آن همهٔ جوامع جهانی را

۱- (۱) . Modernity.

۲- (۲) . Post modernity.

فرا گرفته، نوزاد غول انـدام دیگری بنـام جهانی شـدن یا جهانی سازی پرورش یافت و به جریانی سـهمگین تبـدیل گردیـد که گسترۀ نفوذ خود را در سراسر جهان و در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گستراند.

این جریـان، بیش از یـک دهه است که به طور پر رنگ و ملموس تری مطرح گردیـده اما در عین حال توصـیف کاملی از آن صورت نبسـته است؛ آنچه مسـلم است، این پدیـده در بستر جهـانی رشـد و نمو کرده است که علم به معنـای اثبـات گرایـانه و پوزیتویستی آن وجه غالبی یافته، و به عنوان غایت بدان نگریسته می شود.

اصطلاح جهانی شدن (یا جهانی سازی) از جمله ابهام آمیزترین واژه ها و مفاهیم چند بعدی است که قابل تسرّی به حوزه های مختلف بوده و برای برخی هراس انگیز و زیـان آور جلوه می نمایـد و برای برخی دیگر تصورات جـادویی از ایجـاد سـرزمینی موعـود به بـار می آورد. به هر صـورت تـوجه به این نکته لازم است که یـک واقعیت گریز ناپـذیری وجود دارد و آن این که جهـان با سـرعتی تمام در حال تغییر و تحول است و گویی که هیـچ پاره ای از جهان را اجتناب از آن واقعیت و پیامـدهای آن میسـر نیست. جوامع مسـلمانان هم با نوع فرهنگ و دین و باورهای ویژه، خواه ناخواه در دامنـۀ مواجهه با این جریان عظیم قرار گرفته و گریز و گزیری از آن ندارنـد؛ بنـابراین مهم آن است که واکنش هـای آنان نسـبت به این جریان بایـد چگونه باشـد و چطور می توانند از قابلیت های آن استفاده کرده و الگویی مطلوب ارائه دهند.

بدین جهت مسئله اصلی اینگونه جوامع نه دراصل پیوستن به جهانی

ص:۱۶۴

شـدن، بلکه در چگونگی این پیوسـتگی می باشد. با فرض مزبور، پرسـش محوری این نوشـتار، با اسـتناد به آیات قرآن کریم، چگونگی سازگاری یا عدم سازگاری آن با مبانی دین اسـلام و همچنین چرایی و چگونگی ناپایداری آن و ماندگاری اندیشه جهانی اسلام می باشد و در حول آن تلاش برای پاسخ به چند پرسش فرعی دیگر نیز صورت خواهد بست:

- این مفهوم آیا یک پدیده و اقتضاء است یا پروژه ای است که از جانب قدرت های استیلاجو ساخته و پرداخته شده است؟

- چه نوع جهانی شـدن یا جهانی سازی ایجاد کننـدهٔ نظم است و کـدامیک بر هم زنندهٔ آن؟ و اساساً راز ماندگاری اندیشه ی جهانی به نظر قرآن چیست؟

- و نهایتاً اینکه چرا به رغم این که مکتب حیات بخش اسـلام مشـحون از آموزه های سعادت بخش است کمتر توفیق بروز در سطح کلان به عنوان یک تئوری سرآمد و برتر را در جهان یافته است.

همهٔ این سوالات و جز اینها هزاران دیگر، نشانگر این است که این یک فرایند پیچیده ای است که هر روز به ادبیات آن افزوده می شود و تاکنون نیز حجم ادبیات بسیار زیادی را به خود اختصاص داده است.

تعاریف گوناگون و اختلاف در تبیین معانی جهانی شـدن و جهانی سازی نشانگر عدم توافق کلی میان محققان علوم اجتماعی و سیاسـی است و در واقع این اصـطلاح سـاخته ای نظری است که خود دارای معانی گوناگونی بوده که برداشت های سـلبی و ایجابی از آن باعث پدید آمدن

جبهه های مختلفی شده است که هر یک به تعریف خاصی اشاره

ص:۱۶۵

نموده اند (۱) و نمی توان به یک تعریف خاص اشاره کرد بلکه می توان جامع ترین تعاریف را جامع تعاریف دانست که هر کدام کاستی های دیگری را به نوعی پوشش می دهد. اما با در نظر داشتن اکثر برداشت های سلبی و ایجابی می توان گفت:

«جهانی شدن زنجیره ای از دگرگونی ها در عرصه های گوناگون فرهنگ، سیاست، اقتصاد و زمینه های دیگر است که در کشورهای جهان روابط متقابل و متنوعی بین واحدهای مستقل ملی برقرار می کند و البته سلطهٔ قدرت های بزرگ در نفوذ حوزه های مختلف و گسترش آن که گویای طرحی پیچیده برای استعمار جدید جهان است، بی تأثیر نبوده و چنین گمان می رود که در ادامه به نظام واحد جهانی بیانجامد.»

جهانی شدن یا جهانی سازی؟

برای روشن شدن این دو مفهوم تبیین این مسئله حائز اهمیت است که جریانی که اکنون چنین چالاکانه و پر شتاب در حال ایجاد تغییرات اساسی در جامعه شده، آیا یک روند و اقتضاء اجتماعی و طبیعی است یا آنکه جریانی است که با ایدئولوژی های خاص خود، دست ساختهٔ

ص:۱۶۶

۱- (۱) . برای مراجعه به تعاریف مختلف ر.ک: کومسا، همان، ص ۱۸۳؛ پل سوئیزی و دیگران، جهانی شدن با کدام هدف، ترجمه ناصر زرافشان، نشر آگاه، تهران، ۱۳۸۱، ص ۸۴؛ رابرتسون، رونالد، جهانی شدن، تئوری های اجتماعی و فرهنگی جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۰، ص ۲۹۶؛ لکوم واترز، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، سیاوش مریدی، ناشر سازمان مدیریت صنعتی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۶۰؛ محمدحسین رفیعی، آن سوی جهانی سازی، نشر صمدیه، ۱۳۸۱، ص ۱۱.

سیاست ها و قدرت های نیرومند است؟ به تعبیر دیگر آیا یک پدیده است یا پروژه؟

آنچه متصور است، دو نوع نگرش کلی در اینجا وجود دارد: عده ای آن را فرایندی طبیعی دانسته و معتقدند اقتضای دنیای کنونی، به همراه داشتن چنین تغییرات اساسی است و مخالفت با آن به مثابهٔ ایستادن در برابر سیلاب سهمگینی است که نتیجه ای جز انزوا یا نابودی نخواهد داشت و دسته ای دیگر با نگرش منفی بدان می نگرند و آن را محصول سیاست های پشت پرده قدرت ها می دانند.

البته دو طرز تفکر دیگر در کنار این دو نظر کلی وجود دارد: برخی می گویند: این درست است که جهانی شدن توسط نقشه های قدرت های بزرگ اقتصادی و سیاسی سامان یافته است اما با گستردگی آن در سطح جهان از حالت پروژه خارج شده و به یک روند طبیعی - اجتماعی تبدیل شده است. یعنی اگر چه ریشهٔ استعمارگرانه می تواند داشته باشد اما اکنون کمتر می توان سیطره ای واحد بر فرایندهای آن را مشاهده کرد؛ عده ای دیگر بر عکس دسته قبل می گویند: جهانی شدن در ابتدا فرایندی طبیعی بوده که سپس (بخصوص در دهه های اخیر قرن بیستم) بصورت پروژه درآمده است.

اصولاً «جهانی شدن» به عنوان یک روند یا فرایند تلقی می شود که بسیاری از متفکرین غربی چنین وانمود می کنند که مرحله ای از تاریخ است که جهان را گزیر و گریزی از آن نیست که به دنبال تغییراتی که در جهان اطلاعات حاصل شده است، همه کشورها ناچارند در جهت و جریان

آن حرکت نماینـد و تبعـات آن را بپذیرنـد. در یـک رونـد، کمتر اراده و اختیـارات گروهی مشاهـده می شود و حوادث غـالباً خارج از اختیار آن ها خود بخود رخ می دهد بدون آن که برنامه ریزی خاصـی بر آن شده باشد. جهانی شدن عموماً فرایندی اجتمـاعی و دارای آهنـگ و حرکتی خـاص است که در آن قیـد و بنـدهای جغرافیـایی که بر روابـط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین رفته و مردم بطور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می شوند (۱) و گفته می شود نباید با موج آن به مخالفت برخاست. (۲) آنان که جهانی شـدن را به عنوان یک رونـد می داننـد، نگرش آنان به این پدیـده مثبت بوده و در پی اثبات آن انـد که این اقتضایی است که خواهـد توانست امکانات بسـیاری را در اختیار کشورهای جهان سوم قرار دهد. در این طرز تفکر، جهانی شدن مبانی فلسفی دارد و عمدتاً از تفکر لیبرال، بطور طبیعی ناشی می شود. (۳)

اما زمانی که سخن از «جهانی سازی» می رود، منظور تلاش گسترده ای است که از جانب قدرتمندان برای واگذاری حاکمیت جهـان بـدست نیروهـای خـاص صورت می گیرد. جهانی سازی پروژه ای است که با فراهم سازی و بهره منـدی از امکاناتی به سیطره ای گسترده بر جهان دست یافته می شود تا با کنترل بر عرصه های مختلف از گستردگی قلمرو ادیان

۱- (۱) . ماسکوم واترز، همان، ص ۴۹

۲- (۲) . ر.ک: کیانی، داود، مقدمه ای بر جهانی شدن، مجله اندیشه صادق، شماره ۵، ص ۲۹

۳- (۳) . لاریجانی، بازتاب اندیشه در مطبوعات روز ایران، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم، ۱۳۸۱، ص ۳۸.

نیز کاسته شود و این همان تعبیر جدید از پدیده های امپریالیسم و استعمار سلطه جهانی است. عمق جهانی سازی، قدرت است. قدرت هرمونیک و استیلاطلب غرب می گوید، کشورهای پیرامونی حق هر کاری را ندارند کارهای اصلی و محوری را ما انجام می دهیم و تولید هر کشور باید منوط به نظر ما باشد. به عنوان مثال آنان هرگز حق ندارند صاحب تکنولوژی برتر باشند و هر کشوری در حد لیاقت و شایستگی اقتصادی خود حق تولید دارد و آمریکا در رأس قدرت غرب، جهان را طبقاتی و خود را در صدر آن می بیند و مسلم است با ایجاد جهانی طبقاتی یا مرکز پیرامونی، اگر کشورهای در رأس و مرکزی سرفه کنند کشورهای پیرامونی تب خواهند کرد و با تب آنان، کشورهای پیرامون خواهند مرد. لذا جهانی سازی به عنوان یک پروژه عیناً اجرای تئوری غرب خصوصاً در رأس آن آمریکا است. (۱)

سابقه بحث

در بحث از جهانی شدن دو نکته را باید از یکدیگر تفکیک نمود: یکی جهانی شدن در قالب مفهومی آن است و دیگری جهانی شدن در قالب یک فرایند یا پروژه. مفهوم و فرایند دو امر متفاوت می باشند. اگر به عنوان یک مفهوم مورد نظر باشد دارای سابقه کوتاهی است که از چند دهه تجاوز نمی کند مفاهیمی همچون « Globality »، « Global »،

ص:۱۶۹

۱- (۱) . همان.

« Globalization » ،« Globalism » سابقه چندان طولانی ندارند و از یکی دو دهه قبل در بخش واژگان و مفاهیم جدید گنجانده شده اند. اما اگر به عنوان یک فرایند در نظر گرفته شود سابقه زیادی را سهم خود خواهد نمود که معمولاً تنها در علوم اجتماعی به سال های ۱۶۰۰ میلادی به بعد نسبت داده می شود و هر چه زمان به جلوتر آمده این سهم بیشتر شده است و حتی برخی بر این باورند که در دهه های آتی این فرایند، موضوع بیشتر فعالیت های علمی و عملی انسان معاصر خواهد شد. (۱)

اساساً در مورد خاستگاه این مفهوم سه نقطه نظر کلی وجود دارد:

الف. جهانی شدن پدیده ای نوظهور نیست که به واسطه ارتباط آن با تحولات تکنولوژی در سیری بی وقفه قرار گرفته باشد بلکه فرایندی است که از ابتداء تاریخ تاکنون وجود داشته و سابقه ای چند هزار ساله دارد. اگر از زاویه مثبت به مسئله بنگریم، ادیان الهی که داعیه فرامرزی و نجات انسان ها دارند را می توان در زمرهٔ جهانی اندیشان قلمداد کرد. اصولاً ایدئولوژی ها چه الهی باشند یا بشری به نوعی، اندیشه جهانی را در خود دارند.

ب. جهانی شدن فرایندی است که همزمان و همگام با توسعه نظام سرمایه داری و گسترش نوسازی به وجود آمده است و اغلب واژه ای

ص:۱۷۰

۱- (۱) . آردی، مک کین، آر. لیتل، امنیت جهانی، رویکردها و نظریه ها، ترجمه اصغر افتخاری، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.

جایگزین برای گفتمان های کهنه تر امپریالیسم و نوگرایی است. (۱)

ج. فرایندی است که دیگر فرایندهای موسوم به پسامدرنیسم و پساصنعتی شدن را درهم آمیخته است.

به هر حال گر چه این مفهوم دارای سابقه ای دیرینه است و برخی صاحبنظران آن را دارای تباری طولانی می دانند و آبشخور آن را در آموزه های بسیار پیشینی می یابند اما رواج آن بیشتر مربوط به دهه های ۶۰ به بعد قرن بیستم است که نظریه «دهکدهٔ جهانی» مک لوهان (۲) تنها تظاهرات جدید آن است. (۳) و البته گسترش و توسعه این اصطلاح به عنوان مفهومی جامعه شناختی و آکادمیک مدیون رولاند رابرتسون از دانشگاه پیتسبورگ است.

جهانی شدن پدیده ای ایدئولوژیک:

آنچه ما را در این راستا محتاط می نماید بررسی آن است که آیا جهانی شدن پدیده ای ایدئولوژیک است یا نه؟ یافتن پاسخ به این سوال برای ما در جایی راهگشاست که به نتایج حاصل از ایدئولوژیک بودن یا عدم آن واقف باشیم. اگر منظور از ایدئولوژی، نظام فکری خاصی است که

ص:۱۷۱

۱- (۱) . ر.ک: جان تامپسون، رسانه ها و مدرنیته، ترجمه مسعود اوحدی، تهران، نشر سروش، ۱۳۸۰، ص ۲۰۴؛ نیز ر.ک: داگلاس کلنر، نظریهٔ انتقادی جهانی شدن، ترجمه حسین شریفی رهنانی، مجله سیاسی اقتصادی اطلاعات، شماره ۱۸۰ - ۱۷۹، ص ۱۴۸

۲- (۲) . Mc luhan.

۳- (۳) . کاظمی، علی اصغر، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، نشر قومس، تهران ۱۳۸۰، چاپ اول.

مولود جهان بینی است و در پی ترسیم بایستی ها و شایستگی هاست (۱) آنگاه استنباط بدینگونه است که پدیده ای که ایدئولوژیک باشد تحت تاثیر اراده و اعتبار انسان بوده و در مراحل مختلف، در تأثیر الزام های ایدئولوژیک خواهد بود که باورها در شکل گیری آن ها تأثیر دارند.

جهانی سازی نیز پدیده ای است ایدئولوژیک، چون تحولی خود به خودی نیست و پای عوامل انسانی در میان است که در دهه های متمادی با إعمال سیاست گذاری های خاص شکل یافته و باورهای خاصی - از جمله استیلاء فرهنگ غرب به عنوان فرهنگ برتر (۲) - در شکل گیری آن نقش مؤثر داشته است بنابراین فرض غیرایدئولوژیک خواندن آن - برای اثبات این که آن را جریانی خودبخودی بدانیم پس لزومی به بدبینی نسبت به آن نیست - ادعایی بی اساس است. لااقل در خوش بینانه ترین صورت باید پذیرفت که در شکل اولیه و کودکی اش با چهرۀ تکنولوژیکی پدید آمده و در مراحل بلوغ و جوانی صبغۀ ایدئولوژیکی به خود گرفته که اهداف خاصی را دنبال می کند.

اگر بحث از جهانی اندیشی و جهانی سازی اسلام در ادبیات قرآنی را هم بخواهیم مطرح نمائیم مسلماً بعد ایدئولوژیکی آن و اینکه معیارها و قواعد و اهداف آن چیست، نیز مطمح نظر خواهد بود.

ص:۱۷۲

۱- (۱) . ر.ک: شهید مطهری، جهان بینی اسلامی، نشر صدرا، ص ۵۲ - ۴۰؛ نیز، پارسانیا، حمید، دین و ایدئولوژی، کتاب نقد، ۲ و ۳، ص ۹۰

۲- (۲) . ر.ک: گاردی، رژه، آمریکا ستیزی چرا؟، ترجمه جعفر یاره، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۶ - ۱۳.

اهداف جهانی شدن

آنچه ذهن هر پژوهندهٔ منصفی را به خود مشغول می سازد این است که سهم ارزش ها و اصول انسانی که در زندگی بشر کم سهمی هم نیست در کجای ادبیات جهانی شدن قرار دارد؟ در همهٔ تئوری های ارائه شده برای جهانی شدن که اغلب خاستگاه و زادگاهی غربی دارند، نادیده گرفتن این ارزش ها و توجه به مفهوم سلطه طلبانه و استکباری به اشکال مختلف و تقسیم انسان ها و جوامع به شمال و جنوب و درجات یک و دو و سه، نقطه ای دردناک است در تمام شاخه ها، طرح ها و ره آوردهای جهانی شدن، سخن از عدالت، معنویت، ارزش، اعتماد و فضیلت که نیست هیچ، بلکه سیر و جریان حرکت در راستای مخالفت و معاندت با این اصول برای دستیابی به منافع و منابع بیشتر برای ساختن جهانی نیمی مسلّح و نیمی گرسنه می باشد که برای بشریت بسیار ویرانگر است. بنابراین می توان تصور کرد که یکی از اهداف مهم جهانی سازی، مستحیل نمودن تمام نظام های ایدئولوژیک و تبین آن ها براساس برداشت های سکولاریستی و لیبرالیستی است. اما این هدف و سیاست همواره متکی بر یک نقطهٔ محوری بوده و آن منفعت طلبی است که در این راستا قدرت نقش تعیین کننده ای را خواهد داشت. در واقع دمیدن روح سرمایه داری در کالبد جهان معاصر شدیداً مورد نظر قدرتمندان امروزی جهان است. لیبرالیسم در تمام ابعاد خود تبلیغ می شود تا مقاومت هایی که ریشه در مبانی دینی جوامع دارد از میان رخت بر بندد. به تعبیر ادوارد سعید، ما شاهد یک نوع امپریالیسم فرهنگی هستیم که

ص:۱۷۳

در صدد است از طریق گسترش رسانه های جمعی، فرهنگ کشورهای عقب مانده و ضعیف را تحت سلطه خود قرار دهد. (۱) امروزه قدرتمندان دیگر کمتر در پی تسلط و حضور فیزیکی در سرزمینی خاص هستند یا حداقل این چنین تظاهر می شود، در عوض بـا اجراء طرح شن گن در اتحـادیه اروپـا، رهبری واحـد در جهان مطرح می گردد، نه سـرزمین یا آسـمان واحـد، و این فـاجعه ای است که میزان مشـارکت جهان سوم را در حـداقل بلکه در صـفر نگه می دارد. بالاخره در مسـیر جهانی شـدن، این فرهنگ در حال سـرآمد شدن است که «قدرت تعیین کنندهٔ حقوق است». و در این ادبیات خیر عمومی صـرفاً ترفندی زیرکانه برای صاحبان قدرت خواهد بود. (۲)

از دیگر اهـداف جهـانی سـازی که به صورت یـک استراتژی جهـانی شـکل یافته، این است که هر چه بیشتر موجبات تجزیه و قطعه قطعه شدن نیروهایی را فراهم آورد که به طور بالقوه مخالف این نظام هسـتند. هر چه گسست و شکاف های میان جوامع به اصطلاح حاشیه ای عمیق تر باشد نیل به اهداف استعماری قدرت های بزرگ بیشتر خواهد بود. (۳) که هستهٔ

ص:۱۷۴

۱- (۱) . نقل ازِ رفیعی، محمدحسین، پیشین، ص ۹۵

۲- (۲) . گلن تیندر، تفکر سیاسی، ترجمه محمود صدری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۲۲

۳- (۳) . سمیر امینی، جهانی شدن با کدام هدف؟، ترجمه ناصر زرافشان، تهران، انتشارات آگه، ۱۳۸۰، ص ۳۸ - ۳۶.

مرکزی این اهداف به قول هانی پیتر مارتین، آمریکایی شدن قرار دارد. (۱)

به طور خلاصه می توان اهداف جهانی شدن را در چند گزارهٔ زیر خلاصه کرد:

– مستحیل شدن تمام نظام های ایدئولوژیک و گسترش نظامی عام و فراگیر؛

– اندیشیدن دربارهٔ جهان به عنوان منظومه ای کامل و بهم پیوسته؛ (۲)

– از بین بردن قید و بندهای جغرافیایی و فرهنگی که نتیجهٔ هویت زدایی را در پی دارد؛ (۳)

– استیلاء یک گفتمان و سوق دادن جهان به سوی ارزش های یک فرهنگ مسلط؛

– مشوّه و ملّوث ساختن چهرهٔ واقعی ادیان وحیانی؛

– قطعه قطعه سازی نیروهای مخالف، جهت کاستن قدرت آنان.

با در نظر داشتن اهدافی که ذکر شد، می توان گفت جهانی شدن دارای دو چهرهٔ تکنولوژیکی و ایدئولوژیکی است که با یکدیگر دارای پیوندی ذاتی می باشند و متأسفانه امروزه بیش از آن که به مباحث ایدئولوژیک و سطح تئوریک آن پرداخته شود به مباحث راهبردی آن

اعتنا می شود و همین غلبه یافتن صبغهٔ راهبردی باعث شده است تا این

۱- (۱) . هانی پیتر مارتین و هارالد شومن، دام جهانی شدن، ترجمه حمیدرضا شهمیرزادی، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۶

۲- (۲) . ر.ک: مجله سیاست خارجی، نقد روشن شناختی علم روابط بین الملل، حسین سلیمی، شماره ۳، ص ۶۹۰ – ۶۶۹

۳- (۳) . پهلوان، چنگیز، جهانی شدن فرهنگ، مجله اندیشه جامعه، بهمن ۱۳۷۸، شماره ۹، ص ۱۰.

جریان پیش از حلاجی نظری و رد و اثبات های تئوریک، موضوع کشاکش ایدئولوژیک طرف های ذی نفع و ذی نفوذ و عرصه جولان و زور آوری استراتژین های کار کشته گردد (۱) بدین جهت تکلیف همهٔ دینداران خصوصاً مسلمانان در مواجههٔ با این پدیدهٔ اکثراً ایدئولوژیک اندکی دشوارتر بوده و هشیاری های بیشتری را در پاسخگویی و برون رفت از چالش ها و مشکلات پدید آمده آن با استناد به منابع وحیانی می طلبد.

و در این راستا تکلیف اندیشمندان اسلامی در مواجهه با این پدیدهٔ غالباً ایدئولوژیک با استمداد از قرآن کریم که جامع ترین و ارجمندترین متن قدسی است و حاوی آموزه های فراوانی است که قابلیت زیادی را برای جهانی شدن واقعی دارد، دو چندان است. همهٔ آیات قرآن کریم به صراحت یا به ملازمه و ملاحظهٔ هدف غایی ای که در بردارد، قابلیت زیادی را که اساس آن تکیه بر یک روح و نگرش توحیدی و اعتقاد به حقیقتی غایی است به طور زنده و پویا دارا می باشد که به تمام چالش ها و مشکلات و نابسامانیهای ایدئولوژیکی و فکری بشری پاسخ جامع و قانع کننده می دهد.

۱- (۱) . شجاعی زند، علیرضا، دین و جهانیت، مقالات چهارمین کنگره دین پژوهان کشور، قم، ۱۳۸۲.

ظرفیت آیات قرآن کریم در جهانی شدن واقعی

قرآن کریم به رغم اصالت بنیادینی که دارد، همواره از تازگی و طراوت دائمی برخوردار است. این کتاب که کاملترین کتاب وحی و منشور جاوید عالم قدسی است با توجه به گزاره ها و معارف عام، گسترده و جامع خویش، این قابلیت را در حد کمال داراست که مفاهیم اساسی خود را به تمام فرهنگ ها و ایدئولوژی های دنیا منتقل سازد و ساز و کارهایی دقیق و اساسی را برای حیات بشری فراهم سازد؛ اگر چه سوگمندانه تحلیل هایی که تاکنون از قرآن شده است کمتر توانسته است آن را آن چنان که واقعاً هست به عنوان نقطه مرکزی تمام گفتمان ها معرفی نماید که محل رجوع دیگر گفتمان ها باشد. اگر چه ما معتقد نیستیم که پدیده های معاصری چون جهانی شدن و الزامات آن در متون مقدسی مانند قرآن کریم آمده است اما ملتزم هستیم که قرآن مبادی فکری و نظریه قوی، پخته و جامعی دارد که اگر به زبان روز استخراج و تبیین شود خواهد توانست چراغ فروزانی فرا راه انسان معاصر باشد چرا که کتابی است که در هر زمان جدید است (۱) و تا قیامت هرگز غبار کهنگی بر چهرهٔ آن نخواهد نشست. (۲)

اما چنانچه قرآن پژوهان و فرهیختگان اسلامی بتوانند در ماهیت بین گفتمانی خود قرآن - و نتیجتاً اسلام راستین را - در سه عرصه اعتقادی

ص:۱۷۷

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۵

۲- (۲) . همان، ص ۱۴.

(به عنوان دین)، شیوهٔ کامل زندگی (به عنوان دنیا) و نظم سیاسی اجتماعی تمام عیار (به عنوان دولت و حاکمیت و...) طرح نمایند خواهند توانست همهٔ عناصر را به وحدت فراخوانده و هویت آنها را معین سازند.

قرآن کریم به ملاک های فراوانی که قابلیت طرح آن در سطح جهانی را سهل می سازد انگشت می نهد و همهٔ مردم جهان را به تبعیت از دینی که تضمین کنندهٔ صلاح و سداد دنیا و آخرت آنان است فرا می خواند، دینی که به معنی راه و روش کامل زندگی انسان معرفی شده (۱) و بنابراین انسان یک لحظه بدون راه و روش صحیح نمی تواند به زندگی واقعی و انسانی خود ادامه دهد. برخی از این ملاک ها عبارتند از انطباق با فطرت، (۲) سهولت و انعطاف پذیری، (۳) غیرزمان مند بودن، تعادل میان دستوراتی که داده، عقلانی بودن، توجه به خصوصیات انسان و... . و نقطه مرکزی همهٔ این ملاک ها نیز ژرفای توحید است و سرچشمهٔ خصیصهٔ جهانی بودن برای یک حکومت دینی نیز در این دریای بیکران نهفته است که پایگاه توحیدی این حکومت آن را ملزم به دارابودن نگرشی جهانی نسبت به مخاطبان فکری و سیاسی خود می سازد به گونه ای که ویژگی های منطقه ای را فرو گذاشته و با همه داشته هایش متوجه خصیصه های مشترک و اصیل انسان چون عقل، فطرت، روح و ارزش های معنوی می شود. (۴)

۱- (۱) . آل عمران / ۱۹، احقاف / ۱۲، یونس / ۵۷، فصلت / ۴۴ و..

۲- (۲) . روم / ۳۰، بحارالانوار، ج ۳، باب ۱۱، ص ۲۷۶

۳- (۳) . حج / ۷۸، نساء / ۲۸، بقره / ۱۸۵، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶

۴- (۴) . ر.ک: آل نجف، عبدالکریم، دولت جهانی در پرتو اندیشه اسلامی، مجله حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۸۲، ص ۸۰ – ۷۷.

مسلماً جامعه ای که این آرمان های توحیدی و قرآنی را وجه غایتگرانه خود بداند و دارای ملاک های مزبور باشد باید بتواند در جهانی که علم به معنای اثبات گرایانه اش وجه غالبی یافته، ارزش ها و اصول خود را به علم دمیده و با توجه به ویژگی های فرهنگی و تاریخی، مبانی معرفتی و فلسفی اش را در فضای بدست آمده تئوریزه نماید و در این فضا، جهان اسلام و عالمان اسلامی با استعانت از آیات وحدت بخش قرآنی و رهنمودهای جهانی آن قادر خواهند بود ارتباطات جهانی خود را با نهادهای اسلامی دیگر مناطق مستحکم تر ساخته و نهضتی عظیم فرهنگی به وجود آورند تا انسان عصر حاضر را به فطرت، عقلانیت و معنویت رهنمون سازند و سهم هدایتگرایانه خود را افزایش دهند.

باید توجه داشت که شیوهٔ طرح همهٔ این آموزه های ژرف قرآنی در یک سطح فرا ملی و جهانی بسته به نوع عملکرد فرهیختگان و متفکرین مسلمان و قرآن شناسان است. در حقیقت می توان گفت جهانی شدن بدلیل صبغهٔ غالباً ایدئولوژیکش، امری است که مؤمنان وموحدان خواهند توانست تکلیف آن را معین سازند.

آموزه های قرآن چالشی جدی برای جهانی شدن (به مفهوم رایج آن)

جهانی شدن به مفهوم رایج آن - که بدون نظام سرمایه داری قابل فهم نیست - محصول نظامی است که در آن خدا فراموش شده و با فراموش شدن خدا، در حقیقت انسانیت به مذبح برده شده است؛ بنابراین

آموزه های قرآن و تعالیم بلند آن که همواره به دنبال احیاء انسانیت حقیقی انسان ها است می تواند بزرگترین چالش برای آن باشد، بدین جهت دنیای سرمایه داری، امروزه نهایت تلاش خود را متوجهٔ انحراف انسان از اقبال به دین و خصوصاً توجه به معارف قرآنی کرده و در این راه از هیچ گونه کوششی در جهت تحریف، آلودن چهرهٔ زلال آیات و شبهه افکنی های بی اساس دریغ نخواهد کرد.

وضع کنونی جهان و شواهدی که حتی در مرکز سرمایه داری وجود دارد حاکی از این است که مردم به تدریج به دنبال دلالت های منطقی دین گرایی و اصل گرائی در عرصه های عمومی و مقابله و مواجهه با مدرنیسم، سکولاریسم و در نتیجه نظام سرمایه داری اند. که اشاعهٔ عرفی زدایی، گرایش به خدا در ساحت خردورزی و معنویت در ساحت روابط اجتماعی تماماً حاکی از واقعیت فوق است و به نظر می رسد جهان فعلی بیش از آن که با ملزومات نظری و فلسفی جهانی شدن مصطلح و خرد خود بنیاد آن همساز باشند؛ جهانی شدن واقعی سازگار و متناظر است (۱) و شادمانه باید امیدوار بود که تعالیم قرآن کریم حاوی همهٔ معارف و جنبه هایی است که نیروی این جهانی شدن واقعی را در خود دارد و این برای جهان سرمایه داری بسیار مشقت بار است.

شادمانه تر این که در حال حاضر خود فرهنگ غربی به وسیلهٔ جهانی

ص:۱۸۰

۱- (۱) . ر.ک: افروغ، عماد، اسلام و جهانی شدن، نشر کانون اندیشه جوان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴، ص ۴۴ - ۴۳.

شدن نسبی شده است [(۱)] و این شاید فرصت بهتری را برای نفوذ در سطوح فرهنگی - ارتباطی آنان برای دینداری که در پی وارد کردن مفاهیم اصولی و حیاتی اتخاذ شده از تعالیم قرآنی، در قلمرو زیست و زندگی فرهنگی جهان هستند، فراهم سازد. مکتب اسلام با توجه به گزاره ها و معارف عام گسترده و جامعی که از قرآن کریم در دست دارد، این قابلیت را در حد کمال داراست که مفاهیم اساسی خود را به تمام فرهنگ های دنیا منتقل سازد؛ اما باید هشیار بود که دقیقاً با همان رویکرد و در همان مسیری که اکنون جهانی شدن در حرکت است نمی توان قواعد خود را حفظ کرد چون به محض این که قبول کردیم که جزئی از این پدیده باشیم قواعد آن را نیز پذیرفته و وارد بازی شده ایم. بنابراین گشودن جبهۀ جهانی دیگری فرا روی محرومان جهان در این مسیر راهگشای، خواهد بود. مانند همان چیزی که در انقلاب اسلامی با روایتی تازه از تغییرات و تحولات در جهان رخ داد که با پشتوانه ها و آموزه های قرآنی همچون استخلاف، [(۲)] ولایت، [(۳)] عدالت خواهی، امر به معروف و نهی از منکر و... افق های تازه ای را بر روی بسیاری از ملت ها گشود که همۀ این ها برای دنیای جهانی شدۀ غربی امروز، نقطه ای دردناک است.

ص:۱۸۱

۱- (۱) . ر.ک: کیت نش، جامعه شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران نشر کویر، ۱۳۸۰، ص ۹۷

۲- (۲) . نور / ۵۵

۳- (۳) . مائده / ۵۱، آل عمران / ۱۸۱.

قرآن و جهانی شدن

جهانی گرایی ای که در آیات متعدد قرآن از آن یاد می شود - بر خلاف جهانی شدن مصطلح که مبتنی بر خرد خود بنیاد است - شالودهٔ اصلی اش اعتقاد به حقیقتی غایی و وجود ضروری و یک نگرش توحیدی و نگاه به عالم به مثابهٔ یک کل منسجم و مخاطب قرار دادن انسان قطع نظر از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی و قائل شدن به وجود ذات و غایتی برای انسان و کل عالم است. بنابراین اگر جهانی شدن واقعی همان باشد که در آیات برشمرده شده است قرآن کریم سرشار از آیاتی است که مؤید این امر است. (۱)

بی شک وحی نامه ای که به ادعای خود کتاب هدایت نظری و عملی انسان ها (۲) و تبیان بر همه اشیاء است، (۳) باید همواره طراوت و تازگی خود را در تمام شرایط زندگی انسان پایدار نگه دارد تا بتواند همانند خورشید و ماه فروزان همیشه نورافشانی کند. (۴) این پیام جاویدان در جای جای قرآن و روایات معصومین(علیه السلام) با واژه ها و تعابیر مختلف بیان شده است.

در اولین سورهٔ قرآنی که با حمد و ثنای خداوند «رب العالمین» آغاز شده، حاکی از نگاهی یکپارچه به دنیا و آخرت به مثابهٔ یک مجموعهٔ منضبط و منسجم است و چون لازمهٔ ربوبیت عدم گسست بین عرصه های

۱- (۱) . نظیر: انبیاء / ۱۰۷؛ آل عمران / ۳۳ و..

۲- (۲) . بقره / ۱، انعام / ۷۰ و ۸۷ ، طه / ۱۲۲ و..

۳- (۳) . نحل / ۸۸

۴- (۴) . میزان الحکمه، ج ۸ ، ص ۶۵ ؛ نهج البلاغه، خ ۱۹۸.

مختلف است. اعتقاد به رب العالمین نه صرفاً در حد یک اعتقاد نظری و دینی باقی می ماند بلکه آثار فردی، اجتماعی، تربیتی و مدیریتی در عرصه های مختلف زندگی را دارد.

همچنین اکثر واژه هایی که در آیات قرآن «مردم» (النـاس) را بـا هر پیشینه ای و فـارغ از تعلقات جغرافیایی، نژادی و دینی به طور مطلق مورد خطاب قرار داده است حاکی از ایده ای جهانی در آیات الهی است که نمونهٔ این دست آیات در قرآن کریم زیاد به چشم می خورد. (۱)

جهانی شدن که قرآن بر آن اصرار دارد بر ابعاد مختلف زندگی بشر عنایت دارد و به همهٔ انسان ها خدمت رسانده و آنان را ترقی می دهد و برای هیچ کس تهدیدی را در بر ندارد. این جهانی شدن بر خلاف جهانی شدن مصطلح که مبتنی بر عقلانیت ابزاری است، هم بر عواطف اعتنا دارد و هم متکی بر عقلانیت است لذا جهانی شدن واقعی، سرنوشت انسانی است که به آسمان پیوند خورده است. در جهان بینی قرآن چون میزان و معیار در اشیاء توحید دانسته می شود، لذا خصیصه های منطقه ای، قومیت، جغرافیا و قبیله دارای نقش بنیادی نیستند که بتوانند شخصیت واقعی انسانی را در چنبرهٔ تسلیم خود نگه دارند؛ اگر چه قرآن به این عوامل نیز توجه و اهتمام دارد اما اینها تا زمانی ارزشمندند که در مسیر تقوی، ایمان و در یک کلمه «توحید» باشند. (۲) و این معیاری جهانی است که قرآن ارائه داده و راه رسیدن به آن را برای هر کس بازنهاده است.

۱- (۱) . نظیر: بقره / ۲۱، فرقان / ۱، فاطر / ۳، انشقاق / ۶، انعام / ۱۹، سبأ / ۲۸ و..

۲- (۲) . حجرات / ۱۲.

جهانی گرایی قرآن مبتنی بر اخلاق، معنویت و فطرت:

اصولاً برای جهانی شدن امری، لزوماً انطباق با اصول انسانی و فطری بشری باید از محوری ترین ساز و کارهای معمول باشد. به عنوان مثال تکیه داشتن بر پایه های استوار عدالت و پایبندی به تمام اصول اخلاقی و ارزش های انسانی از جمله مواردی است که ریشه در سرشت و نهاد آدمی دارد و انسانیت انسان در گرو قبول چنین فطریاتی است (۱) که قرآن نیز بطور مؤکد، انسان را به سوی آن فطرت ارجاع می دهد (۲) و در دنیای جهانی شدهٔ کنونی چندان توجهی بدان نمی شود. قوانین به اصطلاح متمدن امروزی اهتمامی جز تعلیق افعال بر ارادهٔ اکثریت ندارد در حالی که قرآن روش اجتماعی و قوانین جاری بر آن را براساس اخلاق مبتنی نموده و ضمانت اجرایی قوانین را به عهدهٔ تربیت اخلاقی قرار داده است.

قرآن ارائه دهندهٔ یک دین و ایدئولوژی جامع الأطرافی است که در هر عصری برای زندگی بشریت لازم و ضروری است که بر خواسته های مشروع آن پاسخ مثبت می دهد و در سایهٔ نظام عادلانه ای که ارائه می دهد بشریت می تواند در امنیت کامل بسر برد.

خصوصیات عالمگیر آیات و تعالیم قرآنی به خاطر توجه به جنبه های معادی و معاشی بشریت، در همه زمان ها و مکان ها قابل اجراست و چون آن نوع جهانی سازی واقعی که قرآن ارائه می دهد یک جهانی سازی

۱- (۱) . مطهری، مرتضی، فطرت، صدرا، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳۷

۲- (۲) . روم / ۳۰.

توحیـدی، عقیـدتی و معنوی است که جهان را به مثابهٔ امت واحد اسـلامی (۱) در نظر می گیرد، لزومـاً در ایـدئولوژی خود به فراسوی مرزهـا و قومیت هـا و زبـان ها و... توجه دارد؛ این جهان اندیشـی بر مـدار عقلانیت، عـدل، حقیقت و معنویت و آنچه منطبق بـا فطرت پـاک آدمی است می چرخـد لـذا قـابلیت فراوانی را در این راسـتا داراست. از این رو جهـان اندیشـی قرآن بر خلاف جهانی شدن مصـطلح به طور واضح، طی یک فراخوان کلی در سراسـر مبانی خود زمینه را مساعد می سازد تا همهٔ دنیا با تشخیص و ارادهٔ خود و بدون هیچگونه اجبار و اکراهی به مجموعه بپیوندند. (۲)

نتیجه گیری

در بحث پیرامون جهانی شـدن که از پر چالش ترین مباحث امروزی است، اصـلی ترین سوالی که به ذهن می رسـد این اسـت که جهانی شـدن واقعی چیست؟ و ویژ گی های اصـلی آن کـدام است؟ و اساساً ملاک هایی که یک ایدئولوژی را در سـطوح مختلف (از سطوح مشاهده ای و رفتاری گرفته تا لایه های زیرین نظری و معرفتی) جهان شمول می سازد؟

گفته شـد، زمـانی از جهـانی شـدن واقعی می توان سـخن به میـان آورد که برای انسـان ذات و جوهری و حقوق و غـایتی قائل باشیم و تنها در صورتی می توان اینگونه اندیشید که برای انسان خالقی را تصور کنیم؛ (۳) در

۱- (۱) . بقره / ۲۱۳

۲- (۲) . بقره / ۲۵۵

۳- (۳) . افروغ، عماد، پیشین، ص ۱۲.

واقع بـدون یک انسان شناسـی و جهان شناسـی واقعی بنیان های معرفت شناسـی نیز سـست خواهـد بود و بنابراین در بحث عام گرایی و جهانی شدن نیز ممکن است ملاک هایی که هستهٔ مرکزی این تفکر را تشکیل می دهد مغفول ماند؛ همچنان که در جهانی شدن مصطلح و از نوع غربی آن محور اصلی براساس اومانیسم و انسان مداری است که جایی برای خدا و ارزش های واقعی انسـان در نظر گرفته نمی شود. حتی دین و خـدا در دیـدگاه اومـانیست هـا تعبیری این دنیـایی می گیرد که وهن دین و حلقه ارتباط انسان و شیطان را در پی دارد، اما در جهان گرایی که قرآن بر آن اعتنا دارد، تدین اولین مرحلهٔ انسانیت است. در تفکر اومانیستی حتی علم با هویت و شـیوهٔ سـکولاری هدف غایی است و سیطره بر جهان خارج نیز از این رهگذر میسر است. در این اندیشه، دین گرایی مرحلهٔ آخر انسانیت و افول آن است در حالی که در فرهنگ و تفکر قرآن، نازل ترین مرتبه معرفت دانش مفهومی حسی است و قلهٔ آن علم الهی است که نظام تکوین زیرنشین آن است. (۱)

فقـدان ملاـک هـای واقعی و بنیـادین همچون تفکر دینی و توحیـدی، انطبـاق با فطرت، عـدالت عقلانیت و... در جهانی شـدن رایـج، راه را برای پیوسـتن بـه آن نـاهموار می سـازد. لکن اگر بـا تـوجه به شـرایط فراهم آمـده امروزی، فرض را بر ضـرورت پیوستن به این پروژه یا پدیدهٔ غول آسا

۱- (۱) . ر.ک: پارسانیا، حمیـد، علم و فلسـفه، تهران، موسـسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصـر، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۵۱ - ۱۴۹.

بگذاریم، با قابلیت ها و پتانسیل فراوانی که مسلمانان از آموزه های ناب قرآنی بهره گرفته اند، نباید این پیوستن از نوع غربی باشد بلکه با حرکتی فعالانه و نفوذ در دایرهٔ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی جهان، می بایست آن را به سمت و سوی اصلاح گرایانه و توحیدی سوق دهند.

جهانی سازی مهدوی:

با بیان ملاک هایی که در تعالیم روحبخش اسلام در جهت یکپارچگی جهان و نگرش عام و واحد در تحت یک جهان شناسی دینی - وحیانی بر شمردیم، قرابت فزونتری با جامعه ای جهانی در لوای حکومتی کل اندیش که ردای عدالت خواهی را بر دوش افکنده (1) و خیر اندیشانه در پی اصلاح درون ساخت ها و نیز سازه ها و مظاهر بیرونی جوامع است احساس خواهد شد. پیشوایان و وارثان این حکومت، مستضعفان صالحی هستند که خداوند بر آنها منت نهاده و حکومتشان را بر زمین پا برجا می سازد، (2) آنان که بندگان صالح پروردگارند با وعدهٔ خداوند بر استخلافشان در زمین، دین و آئین کامل و پسندیده ای را پا برجا و ریشه دار خواهند ساخت (3) که براساس آن زمین را به زینت عدل آراسته و به تاریخ سراسر ظلم و جور جهان پایان داده و همهٔ رفتارها در یک نظام اجتماعی بر پایه مساوات، برادری و برابری انطباق خواهد یافت.

۱- (۱) . کمال الدین ۱ / ۲۶۰ ؛ بحارالانوار ۵۲ / ۲۲۴

۲- (۲) . قصص / ۵ ؛ انبیاء / ۱۰۵

۳- (۳) . نور / ۵۵.

در آن روزگار تمام خیرات بر مردم چهره می نماید، اختلاف ها از میان رخت بر خواهد بست (۱) و یک دین به همه حاکم می گردد. (۲)

اما سوالی که پیرامون جهانی گرایی مهدوی مطرح است این است که نواندیشی دینی، حکومت مصلح و استقرار حکومت و هدایت جوامع به سوی صلاح و رستگاری براساس کدام الگوست؟ و چه تفاوت هایی با جهانی شدن در تمدن غربی دارد؟

نظر به خاتمیت دین مبین اسلام و لزوم جامعیتی که احکام و آموزه های آن داراست، در این شریعت به اصل امارت، حکومت و سیاست توجهی کامل شده، لکن از طرفی نیز همواره بر فضائل اخلاقی و صداقت در استواری آن تاکید می شود، در این آئین، حکومت هر چه بیشتر سر بر شانهٔ معنویت، صداقت و فضائل اخلاقی داشته باشد استوارتر و فراگیرتر خواهد بود و براساس روایات معصومین(علیه السلام)، معنویت، با مهدویت سیمای غبار گرفته خود را آراسته تر خواهد ساخت. در انقلاب مصلح جهانی که به تمام معنی کانون معنویت است و بر خلاف نظام جهانی کنونی که هویت تابعی از میزان بی نظمی یا نظام یافتگی این جهانی است، هویت ها در مسیری صحیح هدایت می شود و مردم در حقیقت بدنبال هویتی ناب خواهند بود. در این حکومت استقرار خلافت بر طبق الگوی نبوت ظهور

ص:۱۸۸

۱- (۱) . غیبت نعمانی / ۲۰۶ (الخیر کلّه فی ذالک الزمان یقوم قائمنا و یدفع ذالک کله)

۲- (۲) . بحارالانوار ۵۳ / ۴ (فوالله یا مفضل لیرفع علی الملل و الادیان الاختلاف و یکون الدین کله واحد)

می یابد تا آنچه در کلام امیرالمومنین(علیه السلام) (۱) و آیات متعدد قرآن آمده (۲) به وقوع بپیوندد.

در این سیاست و برنامهٔ حاکمیت واحد که همگی بر مبنای تعالیم والای قرآن است، همهٔ آرمان های اصیل که آرزوی همه پیامبران و اولیاء و مصلحان واقعی بوده، تحقق می یابد و تمام تضادها، منفعت طلبی ها و خودخواهی هایی که به سبب آن ها قرن ها آتش فتنه و ستیز در میان ملل بر افروخته و سبب استعمار و استثمار بسیاری از ملت ها و نیز طغیان گری و ستم پیشگی عده ای دیگر شده است از جوامع رخت خواهد بست. با از میان رفتن سلطهٔ سلطه طلبان، طبقه بندی های کنونی نفی خواهد شد و همهٔ برنامه ریزی ها و سرمایه ها و مدیریت ها حد الامکان بطور عادلانه و برابر در تمام نواحی و مناطق زمین تقسیم می گردد. عقب ماندگی های فرهنگی و فقر معنوی توده های انسانی ریشه کن می شود و با هدایت و تربیت منجی، روابط صمیمی و انسان دوستانه که حقوق بشر به معنای واقعی در آن لحاظ می شود در میان نوع بشر برقرار خواهد شد.

چون هدف از خلقت انسان رشد و تکامل معرفت و شناخت اوست لزوماً باید روزی این هدف تحقیق یابد و روزگار دانش های راستین و پیروزی خرد بر مجهولات فرا رسد، از این رو در دوران ظهور که روزگار تحقق همه آرمان های انسانی و الهی است، شناخت انسان به تکامل نهایی

ص:۱۸۹

۱- (۱) . و تظهر الاصلاح فی بلادک. نهج البلاغه، خ ۱۳۱

۲- (۲) . لیظهره علی الدین کله، توبه / ۳۳ ؛ فتح / ۳۸ ؛ صف / ۹.

می رسد (۱) و در ابعاد گوناگون دانایی از جهان شناسی، انسان شناسی و خداشناسی عروج لازم را می یابد و آموزگار بزرگ اسرار و رموز، درس آموزان مدرس بشریت را به سرچشمه جوشان علوم حقیقی خواهد رساند. (۲) در رستاخیز ظهور آن امام رحمت و عشق و عبودیت، بندها و دام ها از سر راه برداشته می شود و زر، زور و تزویر که عوامل سلطهٔ بر فکر و فرهنگ و اقتصاد و سیاست جهان و کشورها است به وادی نابودی سپرده می شود و با هدایت آن امام، انسان، انسانیت کامل خویش را باز می یابد.

بر عکس آن ذهنیت نادرستی که برخی برای عصر ظهور ترسیم نموده اند، در عصر ظهور ویژگی هایی را که یک دین جهانی باید دارا باشد - از قبیل آمیختگی آن با رحمت و عطوفت، سهل الوصول بودن، ثابت و استوار بودن، مقبولیت داشتن عمومی - همه در پرتو آن ظهور تجلی خواهد یافت. در آن حکومت که دولت عشق و فرزانگی به تمام معنا است، وصول به احکام اسلام واقعی و یافتن مبانی مستحکم آن در عین آسان بودن، از ارکانی ثابت برخوردار است که هرگز به سستی نمی گراید و تا آنجا پیش می رود که کسی بر آن چیرگی نیابد و امانی برای آویختگان به آن و آرامی برای وارد شدگان بر شریعهٔ آن خواهد بود. (۳)

۱- (۱) . بحار ۵۲ / ۳۳۶

۲- (۲) . حکیمی، محمد، عصر زندگی، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۱، ص ۱۸۸ - ۱۷۷

۳- (۳) . نهج البلاغه، خ ۱۰۶.

مقایسه مختصات جهانی سازی مهدوی با جهانی شدن:

۱. مهم ترین وجوه ناسازگاری این است که تمدن غربی بر انسان محوری (اومانیسم) استوار است و اندیشه اسلامی و مهدویت بر خدا محوری؛ (۱)

۲. تمدن غربی بر تفکیک حوزه های دین و سیاست (سکولاریسم) پا می فشرد ولی در اندیشه مهدوی دین و سیاست در هم تنیده اند؛ (۲)

۳. دغدغه تمدن امروزی غرب و با گمان ایدهٔ آرمانی جهانی شدن، آزادی بی بند و بار انسان است ولی دغدغه اساسی دین و جهان اندیشی قرآن و مهدویت آزادی معقول و فضیلت و سعادت انسان است؛

۴. جهانی شدن و جهانی سازی بر علوم و فنون افسار گسیخته استوار است و مهدویت و اندیشه اسلامی بر علم هدفمند، عقل غایت مدار و وحی.

۵. سیطره، استثمار و استعمار در جهانی شدن و تمدن غرب نکته کانونی گفتمان ها است ولی مهدویت اسلامی بر عدل و رهایی همه انسان ها و نزدیک کردن مردم به فطرت اصلی استوار است.

۶. جهانی شدن مصطلح بر مبنای تسامح اخلاقی بازسازی شده و

چندان پروای عقاید مذهبی و دینی و عبادت - که فلسفه آفرینش است (۳)

ص:۱۹۱

۱- (۱) . ر.ک: بهروزلک، غلامرضا، سیاست و مهدویت، انتشارات حکمت رویش، قم، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰ - ۱۳۹

۲- (۲) . همان

۳- (۳) . ذاریات / ۵۶.

- ندارد و در خدمت نظام ارزشی لذت پرستی و توأم با افول زدایی از فرهنگ ها، قداست زدایی، همانندسازی و استیلاء یک فرهنگ خاص بدون توجه به تمایزها و تفاوت های فرهنگی تاریخی و اجتماعی است اما در جهان گرایی مهدوی حقوق همه ملل و مذاهب و گروه ها به نحو عادلانه مورد مطالبه قرار می گیرد.

۷. در فرهنگ و تمدن جهانی شدهٔ غرب چون تیغ عدالت به خاطر حرفه ای شدن آن کُند شده و می توان با چند تکنیک قانونی و لابی و مسائل پشت پرده، حقی را باطل یا باطلی را حق جلوه داد، درزمان حضور و ظهور امام عصر(عج) به خاطر نوع نگاه داوری آن حضرت و تسلط و سیطرهٔ او بر قضایا، عدالت به تمام معنای واقعی خود اجرا خواهد شد.

سخن پایانی:

مسلماً زمینه مساعد برای حکومتی در گسترهٔ گیتی، نه به توسط اعجاز صورت می پذیرد بلکه فراهم آوری بسترهای مناسب برای چنین حکومتی وابسته به کنش صحیح پیروان امام منجی است که به تعبیر شهید مطهری در «انتظاری بزرگ» خلاصه می شود، (۱) انتظاری که سازنده، نگهدارنده و تحرک آفرین است.

انتظار، جوهر اصلی حرکت و عمل انسان ها را محقق می سازد که در همهٔ ادوار زندگی آنان جریان دارد. بهترین شیوه های پیوند، همسویی و

۱- (۱) . مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی(عج)، نشر صدرا، ص ۷.

همـدلی بـا منتظر، در حـالت انتظـار نهفته است که امـام در تمـام مراحل زنـدگی منتظرین حضور یافته و آنان آرمان های او را همواره در نظر خواهند داشت.

مهمترین عنصری که در انتظار نقش اساسی دارد عنصر صبر است که بدون آن انتظار بی معنا است. در حقیقت جوهرهٔ بنیادی و روح اصلی انتظـار صبر است. صبر نه به معنـای سکوت و انفعال و عـدم تحرک بلکه بـدان معنا که با تحمل ناملایمت ها و تلاش در جهت مساعد ساختن هرگونه زمینهٔ لازم برای به سر رسیدن انتظار و تحقق دولت جهانی امام منجی ، فراهم شود.

منتظر راستین با پر توان سازی استعدادهای درونی - دینی خود، علاوه بر آن که خویش، قدم در جهت تدارک این زمینه ها بر می دارد، از نفوذ کژ اندیشه هایی که ممکن است افرادی را دچار یأس ساخته و شکیبایی را از ایشان بستاند جلوگیری کند و ایمـان بـه حتمیت وعــده هـای الهی و پیروزی دیـن خـدا و عزت مومنـان و هزیمـت دشــمنان و تحقـق جامعـهٔ عـدالت بنیـاد مهدوی(عج) را در دل آنان زنده نگهدارد. (۱)

اساساً انتظار دارای محتوایی تعهـدآور، اصـلاح گر و حرکت آفرین است که در تفکر شیعه ارجمندترین نوع عبادت و بندگی خداست. (۲) و ارزیـابی شخصـیت منتظر، نمایـانگر جـامعه ای پر تحرک و تلاشـگر اسـت که برای تشـکیل حکـومت جهـانی عدالت و ایمان همواره در تلاش و تکاپوست و

ص:۱۹۳

۱- (۱) . حکیمی، محمد، پیشین، ص ۳۰۵
۲- (۲) . افضل اعمال امتی انتظار الفرج، منتخب الاثر، ص ۴۹۶.

ارزش ها و آرمان ها را از حوزهٔ ذهن به کرانهٔ عمل کشانده و اصلاح خود، دیگران و جامعه اش را در تارک برنامه های اسامی اش آویخته است. (۱) و بدون اینگونه انتظار فعالانه و پویا، تفکر داشتن حکومتی جهانی که بر میزان عدل و قسط و معنویت و اخلاق در جراین باشد، سودایی است گران.

به امید طلعت مهر فروزان حقیقت و عدالت در سپهر وجود.

۱- (۱) . قال السجاد(علیه السلام): ... اولئک المخلصون حقاً و شیعتنا صدقاً والدعاۀ الی الله سراً و صبراً، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

آثار و برکات حکومت مهدوی

پرسش:

تشکیل حکومت جهانی توسط حضرت مهدی چه آثاری دارد؟

پاسخ:

ظهور و تشکیل حکومت توسط حضرت مهدی(عج) دارای امتیازات و ویژگی های ممتازی است که باید عصر ظهور را عصر طلائی دوران بشریت به حساب آورد. چرا که در زمان ظهور حضرت و به برکت حکومتی که آن سرور تشکیل می دهد ایده آل و مترقی ترین نوع زندگی بشری بر روی کره خاکی محقق خواهد شد و می توان آن دوران را بهشت روی زمین نامید. دورانی که از زمان حضرت آدم تاکنون نه تنها انبیاء و اولیاء الهی بلکه تمام مستضعفان و مظلومان و ستمدیدگان انتظار تحقق چنین دورانی را کشیده اند و آرزوی زندگی در سایه حکومت عدل گستر آن امام عزیز را داشته اند چنان چه قرآن مجید وعده آن را به مؤمنین داده است و

ص:۱۹۵

فرموده: «وعدالله الذین امنوا و عملو الصالحات» (۱)

دیدگاه قرآن و اهل بیت راجع به آینده بشر دیدگاهی مثبت و خوش بینانه است که بشر در چهارچوب قوانین و حکومت عدل الهی به عبودیت خدا در سطوح گوناگون فردی و اجتماعی خواهد پرداخت و فلسفه تاریخ براساس سیر صعودی و رسیدن جهان به کمال و آینده ای امیدوار کننده و روشن استوار گشته است و از تعابیر روایات پیرامون دولت حضرت مهدی مثل دولت جهانی و دولت عدالت و دولت کریمه و دولت صالحان و دولت حق و دولت مستضعفان و دولت امنیت به خوبی این امید و خوش بینی به آینده را تقویت می کند.

حضرت مهدی(عج) از سلاله پاك پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) و تحقق بخش سیره آن حضرت در تمام صحنه گیتی می باشد. پیامبر می فرمایند: مردی از اهل بیت من قیام کند و به سنّت و روش من عمل کند و خداوند برای وی روزی فرستد و زمین آن چه دارد بیرون می ریزد و او زمین را پر از عدل و داد می کند چنان چه پر از ظلم و ستم شده باشد (۲) امید و آرزوی ما آن است که زنده باشیم و آن دولت کریمه و تحقق سیره پیامبر را نظاره گر باشیم.

در این مجال به صورت گذرا به بعضی از مهم ترین آثار و برکات حکومت جهانی آن حضرت اشاره می کنیم.

۱- (۱) . سوره نور، آیه ۵

۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۲.

۱. تحقق عدالت به صورت کامل

یکی از بالاترین آرزوهای بشر از آغاز تاکنون تحقق عدالت و رسیدن به حق به صاحب آن است اما متأسفانه این آرزوی به حق انسان روی زمین به واسطه سلطه و بیدادگری ظالمان هنوز به صورت کامل تحقق پیدا نکرده است و خداوند وعده تحقق آن را در حکومت جهانی سرتاسر عدالت حضرت بقیهٔ الله الاعظم(عج) قرار داده است و شاید هیچ ویژگی به اندازه تحقق عدالت و قسط در خصوصیات و آثار حکومت آن حضرت درخشش نداشته باشد تا جائی که هرگاه نام مبارک حضرت برده می شود انسان تا خود آگاه به یاد حکومت جهانی عدل گستر او می افتد و از آن حضرت به عنوان مظهر و تجلّی کامل عدالت یاد می شود.

از امام صادق(علیه السلام) حکایت شده که می فرمایند: والله لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر و البرد؛ به خدا قسم هر آینه داخل می شود بر ایشان عدل آن حضرت در باطن خانه هایشان چنان چه سرما و گرما داخل می شود (۱) و در روایتی دیگر از امام باقر(علیه السلام) حکایت شده که می فرمایند: یملا الارض عدلاً و قسطاً و نوراً کما ملئت ظلماً و جوراً و شراً؛ پر می کند زمین را از عدل و داد و نور همان طوری که پر شده بود از ظلم و جور و شر (۲) و در سایه این عدالت هیچ انسانی در قید بندگی و بردگی باقی نمی ماند و حقوق به یغما رفته انسان ها به آن ها باز می گردد (۳)

ص:۱۹۷

۱- (۱) . غیبت نعمانی، ص ۲۹۷، بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۲

۲- (۲) . غیبت نعمانی، ص ۲۳۷، یاتی علی الناس، ص ۵۳۶

۳- (۳) . بحار، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

و بندهای پیدا و ناپیدای بندگی از سر و گردن انسان ها باز می گردد و زمینه استثمار انسان از انسان به کلی برچیده می شود و کارگزاران ظلم و بیداد مورد بازخواست قرار می گیرند و قاضیان و حاکمان بدرفتار از مسئولیت خود عزل می شوند و زمین از هر نوع خیانت و نادرستی پاک می گردد (۱) و مردم آرزو می کنند ای کاش مردگانشان در بین زندگان بودند و از عدالت بهره مند می شدند. (۲)

۲. تحقق معنویت و دین در سرتاسر جهان

در حکومت حضرت مهدی مردم به شکل بی سابقه ای به معنویت روی می آورند و در همه جا آوای اسلام طنین انداز می شود و وعده الهی که فرمود: و لیمکنن لهم دینهم الذی الرتض لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امثا یعبدوننی و لایشرکون بی شیأ؛ محقق می شود. (سوره نور آیه ۵۵)

مردم از آموزش قرآن و نماز جماعت و نماز جمعه استقبال چشمگیری می کنند و مساجد برطرف کننده نیاز آنان نخواهد بود تا جائی که در یک مسجد دوازده بار نماز جماعت خوانده شود. (۳)

امام صادق(علیه السلام) می فرمایند: خانه های کوفه به رودخانه کربلا و حیره متصل می شود به گونه ای که فرد نمازگذار روز جمعه برای شرکت در نماز

۱- (۱) . بحار، ج ۵۱، ص ۵۷

۲- (۲) . مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵، فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۴۸۴

۳- (۳) . کافی، ج ۴، ص ۴۲۷ و بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

جمعه سوار بر مرکبی تیز رو می شود ولی بدان نمی رسد. (۱) پیامبر اکرم می فرمایند خداوند مهدی(علیه السلام) را می فرستد و به وسیله او عظمت را به دین باز می گرداند ... در آن روزگار کسی بر کره خاکی نیست چر آن که لا اله الاّ الله به زبان دارد. (۲)

۳. تکمیل دانش در سایه حکومت حضرت

روایات جهان را در عصر حضرت حجّت جهانی مترقی و متمدّن و در اوج پیشرفت علمی معرفی نموده است امام باقر(علیه السلام) می فرمایند: وقتی قائم ظهور فرماید بر سر بندگان دست می کشد و به سبب آن عقل آنان کامل می گردد (۳) و از طرف دیگر امام صادق(علیه السلام) می فرمایند علم و دانش بیست و هفت حرف است و همه آن چه پیامبران آورده اند تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف آشنائی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده آن را میان مردم نشر و گسترش می دهد. (۴) که از این حدیث معلوم می شود در زمان حضرت تقریباً علم ۱۲ برابر حد کنونی خواهد شد. و چون این ترقی و پیشرفت علم در سایه تکمیل عقل انسان ها صورت می گیرد، بشر در عین ترقی و رسیدن به بالاترین رشد علمی و صنعتی به همان اندازه به تعالی اخلاقی و کمال معنوی انسانی نزدیک خواهد شد.

۱- (۱) . غیبت طوسی، ص ۲۹۵

۲- (۲) . عیون اخبار الرضا، ص ۶۵

۳- (۳) . نجم الثاقب باب سوم

۴- (۴) . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

۴. اقتصاد سالم در سایه حاکم عادل:

به برکت حکومت عدل حضرت مهدی زمین و آسمان برکاتش را بر بندگان ظاهر می سازد، رودخانه ها پر آب و زمین ها حاصلخیز می گردد (۱) و کشاورزی شکوفا می شود (۲) و بیابان هائی مانند اطراف مکه و مدینه که هرگز سبزی را به خود ندیده است به نخلستان های آباد تبدیل می گردد. (۳) و فقر و تنگدستی رخت بر می بندد و آبادانی همه جا به چشم می خورد موجب رواج بازرگانی و تجارت می شود. پیامبر اکرم می فرمایند: زمین پارهای جگرش را بیرون می ریزد. راوی پرسید پاره های جگر زمین چیست؟ حضرت فرمودند طلا و نقره. (۴)

حضرت علی(علیه السلام) می فرمایند: تمام گنج های عالم برای آن حضرت آشکار می گردد. (۵) و به فرموده پیامبر امت اسلام در زمان حضرت مهدی آن چنان متنعم می شوند که هرگز چنین بهره مند نشده اند. (۶) تا جائی که طبق حدیث زمانی بر مردم پیش می آید که انسان صدقات از طلا و نقره با خود برمی دارد تا آن را در راه خدا انفاق کند ولی نیازمندی را پیدا نمی کند که این صدقه را قبول کند.

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵

۲- (۲) . ملاحم سید بن طاووس، ص ۱۵۲

۳- (۳) . بحار، ج ۵۱، ص ۴۹

۴- (۴) . منتخب الاثر، ص ۱۶۸

۵- (۵) . بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۰

۶- (۶) . اعلام الوری، ص ۴۳۳.

۵. امنیت و آسایش و خشنودی همگانی

یکی دیگر از آثار و برکات حکومت جهانی آن حضرت این است که دشمنی از دلها زدوده می شود، حتی درندگان و چهار پایان با یکدیگر سازش می کنند، یک زن طبقی بر سر گذارده از عراق تا شام تنها سفر می کند همه جا قدم بر سرزمین سبز و خرم می گذارد در حالی که درنده ای او را نمی آزارد و دچار ترس و وحشت نمی شود. طبق روایت نقل شده از امام باقر(علیه السلام) راه های اصلی توسعه پیدا می کند. بالکن هایی را که به خارج جاده ها آمده و از دیگران سلب آسایش نموده و ناودان هائی را که به کوچه ها می ریزد از بین می برد. (۱)

همگان از حکومت سرتاسر عدالت آن سرور خشنود می شوند حتی ساکنان آسمان و پرندگان هوا و درندگان صحرا و ماهیان دریا. (۲)

بارالها: ما را نیز از این دولت کریمه و نعمت ها و بهشت روی زمین در جوار مولایمان مهدی(علیه السلام) متنعم بفرما. (آمین).

ص:۲۰۱

۱- (۱) . ارشاد مفید، ص ۳۶۵

۲- (۲) . الهاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۲ فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۳۳.

ص:٢٠٢

روش مبارزه مهدی(عج)

پرسش:

امام زمان، به چه صورت مبارزه می کنند؟

پاسخ:

با توجه به روایات، خداوند متعال هنگام ظهور امام زمان(عج) امدادهای غیبی را به کمک آن حضرت خواهد فرستاد که از آن جمله است:

۱. جذب تمام مسلمین:

یکی از تأییدات الهی در مورد حضرت آن است که به عنایت الهی از راهی قیام خود را شروع خواهد کرد که مورد اتفاق تمام مسلمین است. از جمله آنکه:

الف. ظهور خود را از مسجد الحرام شروع خواهد کرد که مورد اتفاق تمام مسلمانان است.

ب. خطابه ای که در مسجد الحرام هنگام ظهورش می خواند به امور

ص:۲۰۳

مشترک بین مسلمانان اشاره دارد.

ج. قیام خود را با همان شعارهای رسول الله(صلی الله علیه و آله) شروع می کند.

۲. ایجاد رعب و وحشت:

یکی از راه های نفوذ بر دشمن که درعلوم نظامی از آن بهره می برند ایجاد ترس و خوف و رعب در قلوب دشمنان است، تا از این راه تسلیم گردند. نعمانی به سند خود از امام صادق(علیه السلام) حکایت می کند:

«أمر الله عزوجل أن لاستعجل به حتی یؤیده الله ثلاثه أخباد الملائکهٔ، و المومنین و الرعب»؛ (۱)«خداوند عزوجل امر نمود تا به آن عجله نکنی تا اینکه او مهدی(عج) را به سه لشکر تأیید نماید. ملائکه، مومنین و وحشت»

۳. تأیید از جانب ملائکه:

از جمله تاییدات الهی نسبت به حضرت مهدی(عج) فرستادن ملائکه برای یاری حضرت می باشد. گنجی شافعی به سند خود از علی بن ابی طالب(علیه السلام) در حدیثی در رابطه با مهدی(عج) نقل کرده که فرمود: «خداوند او را با سه هزار فرشته یاری خواهد کرد.» (۲)

۴. عنصر ناگهانی و غفلت دشمنان:

مطابق روایات، حضرت هنگامی ظهور می کنند که دشمنان، همه از ظهور او غافلند. و در دانش نظامی این مطلب به خوبی روشن است که

۱- (۱) . الغیبهٔ، نعمانی، ص ۱۹۸

۲- (۲) . البیان، ص ۹۶.

چقدر عنصر غفلت و ناگهانی، در پیروزی بر دشمن تأثیر دارد امام زمان(عج) در توقیعی که به شیخ مفید(ره) فرستاد فرمود: «پس همانا امر ما به طور ناگهانی است...». (۱) البته از این روایت، عنصر ناگهانی، در غوه ی ظهور بدست می آید ولی بعید نیست که برای دشمنان غافلگیر کننده باشد.

برای روشن شدن این بحث لازم است به چند پرسش دیگر در این باره پاسخ دهیم:

پرسش اول: در روایات آمده که یاران حضرت ۳۱۳ نفر می باشد، در اینجا پرسشی مطرح می شود که غلبه ی بر جهان با یاران اندک چگونه ممکن است؟

پاسخ: اگر چه در روایات به یاران محدود حضرت یعنی ۳۱۳ نفر اشاره شده است، ولی پیروزی آنان بر مستکبران به رهبری حضرت مهدی(عج) از جهاتی دور از انتظار نیست زیرا:

۱. در روایات به یاران دیگری درحدود ده هزار نفر نیز اشاره شده که بدون تحقق آنها حضرت مهدی(عج) ظهور نخواهد کرد. پس ۳۱۳ نفر سرداران سپاه حضرت هستند.

۲. هر چند که غلبه ی حضرت بر جهان ممکن است از طریق اعجاز باشد، ولی از طریق علل و اسباب عادی و ظاهری نیز حصول چنین فتح و پیروزی امری دور از انتظار نخواهد بود، زیرا حضرت در موقعی ظهور

ص:۲۰۵

۱- (۱) . احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴.

خواهند کرد که اوضاع و احوال اجتماعی، اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد است. در آن هنگام ملت ها به خاطر سرخوردگی از نظام های مختلف و قتل و غارت ها به تنگ آمده اند و لذا در انتظار چنین حکومتی به سر می برند، و مردم به مجرد شنیدن خبر ظهور به آن حضرت و حکومتش می گروند و ایشان تنها با گروه خاصی درگیر خواهند شد.

۳. از آنجا که جهان به مانند دهکده ای کوچک شده و هر چه از عمر آن بگذرد این ارتباط تنگ تر خواهد شد لذا با به دست گرفتن نقطه های کلیدی و با استعانت از خداوند متعال، حکومت جهانی حضرت تحقق خواهد یافت.

پرسش دوم: در برخی روایات حکایت شده که امام زمان(عج) با شمشیر قیام خواهد کرد (۱) و چگونه ممکن است یک نفر با شمشیر در مقابل تسلیحات کشتار جمعی جدید و مخرب که می تواند کل کره زمین را چندین بار نابود کند بایستد و مقابله کند؟

پاسخ: ۱. چه اشکالی دارد که شخصی با شمشیر ولی همراه با اعجاز الهی که حضرت را مساعدت می کند با دشمنان خود به مقابله بپردازد؟ که در آن صورت اسلحه های مدرن به قدرت الهی از کار می افتد.

۲. ممکن است واژه ی شمشیر در اینجا کدی باشد برای معرفی تسلیحات، یعنی امام زمان با دشمنانش وارد جنگ می شود و مقصود از شمشیر، قوت و اسلحه است زیرا مسلمانان در آن عصر یعنی قبل از هزار

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

سال اسلحه ای به جز شمشیر نداشته و به ذهن آنها چنین تسلیحاتی خطور نمی کرده است، لذا از «اسلحه» به شمشیر تعبیر شده است. بنابراین:

امام زمان(عج) نیز با قدرت و اعجاز الهی و یا از راه تسلط بر تسلیحات موجود بر ضد مخالفان و ظالمان استفاده می کند. و از طرفی می توان گفت:

امام زمان(عج) با تسلط بر مراکز تصمیم گیری و از کار انداختن وسایل جنگی آنها که با هسته های مرکزی ارتباط دارد، تمام آنها را از راه اعجاز یا از طریق عادی از کار می اندازد و بر آنها غلبه می کند.

۳. مطابق برخی روایات، شمشیرهای اصحاب حضرت از آهن است، ولی نه مثل این آهن هایی که در دسترس ما قرار دارد، بلکه به گونه ای است که اگر یکی از آنان با شمشیر خود به کوه بزند، آن را دو نیم می کند و به تعبیر دیگر، وسیله ی دفاعی آنان به گونه است که اسلحه ی دشمن هرگز بر آنها کارگر نیست. (۱)

لذا ممکن است اسلحه ای را که حضرت و یارانش به کار می برند از وسایلی باشد که بتواند همه ی دستگاه های دشمنان را از کار بیندازد ولی در مقابل، هیچ دستگاهی بر آن کارگر نباشد، همان گونه که در این زمان برخی اسلحه های جدید را مشاهده می کنیم.

۴. رمز پیروزی امام زمان(عج) و سیطره ی آن حضرت بر جهان یکی از

۱- (۱) . بصائر الدرجات، ص ۱۴۱.

راه «اقبال عمومی مردم» به سوی ایشان است و دیگر از راه «ترس و رعبی» است که خداوند در قلوب مخالفان و ظالمان قرار می دهد تا تمام تسلیحات خود را بر زمین گذارده، فرار کرده یا تسلیم می شوند، خصوصاً آنکه در ابتدای ظهور، وقتی مقداری از معجزات حضرت را مشاهده کردند می فهمند که امداد الهی است و نمی توان با مشیت الهی مقابله کرد، بدین جهت تسلیم حضرت می شوند و گروه اندکی نیز که به مخالفت و مقابله می پردازند شکست می خورند.

۵. معلوم نیست که در زمان ظهور حضرت مهدی(عج) این تسلیحات خطرناک در اختیار بشر باقی مانده باشد؛ زیرا ممکن است در اثر حوادث و آشوب ها و جنگ های جهانی که پیش از ظهور آن حضرت اتفاق می افتد این تسلیحات نابود شود.

۶. جنگ ها و کشتارهای بی رحمانه، نتیجه ی گمراهی و جهل و بی خردی بشر است. حال اگر در عصر ظهور، «عقل» مردم «کامل» شود، بر فرضی که سلاح های خطرناک در اختیار داشته باشند آن را بر ضد یکدیگر به کار نمی گیرند؛ و نیروهایی که آن سلاح را در اختیار دارند پی به حقانیت حضرت برده و همچنین با ایجاد رعب و وحشت که در دلشان قرارمی گیرد از به کار بردن آن بر ضد حضرت خودداری می کنند.

۷. در پایان به دو ویژگی که در جنگ با شمشیر نهفته است اشاره می کنیم:

۱. در جنگ با شمشیر می توان در کشتارها گزینشی عمل کرد به خلاف تسلیحات کشتار جمعی که عالم و جاهل و مقصر و بی تقصیر و

ص:۲۰۸

گناهکار و بی گناه را همه و همه را با هم از بین می برد، که این از مرام و روش اولیای الهی به دور است.

۲. چنانچه در منابع فقه اسلامی آمده است در احکام جهاد دستور داریم که تا آنجا که ممکن است به محیط زیست آسیب نرسد، لذا جنگ با شمشیر در راستای این حکم شرعی می باشد به خلاف جنگ با ادوات نظامی مرسوم فعلی.

لذا با توجه به این دو ویژگی بعید نیست که به قدرت الهی امام زمان، توانایی تسلیحاتی آنها ساقط شود و همه با ابزاری مانند شمشیر وارد جنگ شوند.

ص:۲۰۹

وظیفه مردم در زمان ظهور

پرسش:

وظیفه ما در زمان ظهور (حضرت حجّت) چیست؟

پاسخ:

اساسی ترین ویژگی زمان ظهور که آن را از زمان غیبت ممتاز می سازد حضور امام به طور علنی و آشکار در بین مردم است به طوری که دسترسی به او امکان پذیر است. بنابراین اصلی ترین وظیفه در زمان ظهور شناخت امام عصر(عج) و ولایت پذیری از آن حضرت آگاهی از دستورات او و در نهایت عمل به آن دستورات می باشد و اگر در یکی از شئون زندگی فردی یا اجتماعی، دنیایی یا آخرتی، چه مادی و چه معنوی با مشکلی مواجه شویم از امام معصوم کسب وظیفه می کنیم. از این رو:

۱. شناخت امام حاضر؛

۲. ولایت پذیری؛

۳. آگاهی از دستورات ایشان؛

۴. عمل به آن دستورات؛

ص:۲۱۱

۵. کسب وظیفه از امام در گذران زندگی روزمره.

شاخصه های اصلی وظایف یک انسان در زمان ظهور امام معصوم می باشد.

برای آشنایی بیشتر مروری می کنیم به مهمترین ویژگی های یاران و اصحاب حضرت مهدی(عج) که در روایات معصومین حکایت شده است:

۱. یقین:

از امام صادق(علیه السلام) درباره یاوران حضرت مهدی حکایت شده: مردانی که گویا دل هایشان پاره های آهن است. غبار تردید در ذات مقدس خدا، خاطرشان را نمی آلاید... از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند برای شهادت دعا می کنند و آرزومند شهید شدن در راه خدا هستند. (۱)

۲. روحیه شهادت طلبی

این ویژگی از روایت فوق و روایات دیگر به دست می آید.

۳. بصیرت و آگاهی:

یاران مهدی(عج) در بصیرت، درایت و خردمندی سرآمدند؛ در فتنه هائی که زیرکان در آن می مانند هوشیارانه راه می جویند و حق را از باطل باز می شناسند.

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۴. عبادت و بندگی:

از امـام بـاقر(علیه السـلام) نقـل شـده: گویـا قـائم و یارانش را در نجف اشـرف می نگرم توشه هایشان به پایان رسـیده و لباس هایشان مندرس گشته است. جای سجده بر پیشانی شان نمایان است، شیران روزند و راهبان شب. (۱)

۵. حافظان حدود الهی:

از حضـرت علی(علیه السـلام) حکایت شده: یاران با این شـرایط با امام شان بیعت می کنند: دست پاک و پاکدامن می باشـند، زبان به دشـنام نگشاینـد، و خون کسـی را به ناحق نریزند، بر مرکب های ممتاز سوار نشوند و لباس های فاخر نپوشـند ... ساده زندگی کنند و در راه خدا به شایستگی جهاد کنند، امام نیز متعهد می شود به سان همراهان زندگی کند. (۲)

۶. شجاعت:

از امـام باقر(علیه السـلام) حکایت شـده: گویا آنان را می نگرم... که دل هایی چون پولاد دارنـد در هر سو تا مسافت یک ماه، ترس از آنها بر دل های دشـمنان سایه می افکنـد در سوارکاری و تیرانـدازی بی نظیرند در رزمگاه نشان شـجاعان بر تن دارند و... (۳)

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷

۲- (۲) . الملاحم و الفتن، ص ۱۴۹

۳- (۳) . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳ و ۳۱۰.

۷. فرمانبری:

از پیامبر نیز حکایت شده: تلاش گر و کوشا در پیروی از او هستند. (۱)

۸. ایثار و مواسات:

همچنین دل های یاران حضرت به هم پیوند دارد، و یار و غمخوار یکدیگر هستند. گویا یک پدر و مادر آنان را پرورش داده است و دل های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است. (۲)

۹. زهد و ساده زیستی:

زهد زینت کارگزاران مهدی است. نمی توانند تن به آسایش و شاد کامی سپارند و از احوال مردمان غافل شوند و نام مصلح جهان بر خویش نهند، زیرا آن که با عشرت طلبان همسو می شود و دل در گرو آز و طمع دارد، نمی تواند مروّج دین و کارگزاری شایسته برای حکومت عدل و داد باشد. (۳)

۱۰. نصرت و یاری:

از وظایف مومنان، نصرت و یاری کردن آن حضرت است که در حقیقت نصرت خداوند متعال است، یاری کردن امام عصر(عج) این است

۱- (۱) . عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۳

۲- (۲) . الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰

۳- (۳) . نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۱۱۰.

که مؤمن نسبت به آن چه خواست آن حضرت است اقدام نماید. و نصرت در زمان ظهور با جهاد کردن در کنار امام و صبر و شکیبائی بر سختی ها و بذل مال و جان به دست می آید. (۱)

۱- (۱) . راه وصال، حسینی مطلق، ص ۱۲۲.

خاتمه: کتاب شناسی مهدویت

اشاره

ص:۲۱۷

کتابشناسی مهدویت

پرسش:

تعدادی از مهمترین کتابهای مهدویت را برایم بیان کنید؟

اشاره

پاسخ:

برای ارائه کتابشناسی متناسب با سنین مختلف و نیازهای متفاوت، لازم است که به کتابشناسی ویژه ی انواع سنین و استعدادهای متفاوت بپردازیم.

الف. کتابشناسی برای کودکان

۱. امام زمان من کیه، شاعر: علی عباسی، نقاش: الهه ریحانی، منتظران ظهور، مشهد، ۱۳۸۱/۱۰/۱

موضوع: اشعار مهدویت برای کودکان در زمینه انتظار

۲. او کیست، محمد کاظم مزینانی، نقش: مریم ذاکرنژاد، نبأ تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: انتظار و شناخت امام زمان(علیه السلام)

ص:۲۱۹

۳. بعد از آن صدای آسمانی، مصطفی رحمان دوست، نقاش: محمدحسین صلواتیان، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱.

موضوع: داستان هایی در زمینه مهدویت

۴. پیام شادی، فریده گل محمدی آرمان، دارالنشر اسلامی، قم، ۱۳۷۸.

موضوع: انتظار

۵. چشم های منتظر، محمد علوی، نقاش: امینی، نبأ، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: داستان هایی برای کودکان در زمینه انتظار

۶. زیباترین دیدنی، عباس کلهر، نقاش: محمدحسین صلواتیان، بوستان کتاب قم، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: قطعه های ادبی در زمینه مهدویت.

۷. سر راهش گل بکاریم، مجتبی آموزگار، نقاش: شیلا خزانه داری، زیتون، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: ادبیات انتظار

۸. طلوع خورشید، زهره مسجدجامعی، نقاش: سیما همرنگ یوسفی، سیمای فرهنگ، تهران، ۱۳۷۸.

موضوع: ادبیات انتظار

۹. فصل ها، چشم به راه، عبدالحسین فخاری، نقاش: رضا غازی راد، زیتون، تهران، ۱۳۷۹.

موضوع: ادبیات انتظار.

۱۰. قصه زمین، عبدالحسین طالعی، مهرآوران، تهران، ۱۳۷۸.

موضوع: انتظار به زبان ساده.

ص:۲۲۰

۱۱. یک بهار هزار شکوفه، رضا فیروز، نقاش: محمد گوگانی، مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: داستان هایی در زمینه مهدویت

۱۲. در آغاز راه، احمد قندی، دیار، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: ادبیات انتظار.

۱۳. یا دیار مهربان، حسین درگاهی، توانگران، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: انتظار.

۱۴. راز دل با امام، احمد قندی، دیار، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: ادبیات انتظار. (۱)

ب: کتابشناسی برای نوجوانان

۱. آخرین امام، حمید قلندری بردسیری، آفرینه، تهران، ۱۳۷۹.

موضوع: ولادت، زندگی و ظهور به همراه....

۲. ۵۹ نکته درباره امام زمان(علیه السلام)، سید علی حسینی و تقی متقی، شیعه، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: مهدویت در پرتو احادیث.

۳. ۱۰۰ پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، علی رضا رجالی

تهرانی، نبوغ، قم، ۱۳۷۷.

موضوع: پرسش و پاسخ مختلف.

۱- (۱) . برای اطلاع بیشتر برای کتاب شناسی کودکان ر.ک: معارف مهدوی، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم.

۴. آشتی با امام زمان(عج)، محمد شجاعی، نشر محیی، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: رابطه معنوی با حضرت مهدی(علیه السلام)

۵. آشنایی با حضرت مهدی(عج)، عباس حق دوست، نشر گلستان کور، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: آشنایی اجمالی با ویژگی های امام زمان(علیه السلام)

۶. آفتاب در غربت، سید محمد بنی هاشمی، میقات، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: انتظار.

۷. آفتاب در نگاه خورشید، مرتضی طاهری، عهد، کرج، ۱۳۸۱.

موضوع: احادیث در زمینه مهدویت.

۸. آن روز دیدنی، جواد محدثی، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: اشعار در زمینه مهدویت.

۹. از انتظار تا دیدار، سید جعفر خلخالی، دلیل ما، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: چهل حدیث از غیبت تا ظهور.

۱۰. از زبان آینه ها، عبدالحسین طالعی، نبأ، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: مجموعه ای از دل نوشته ها به یاد امام موعود(عج)

۱۱. امام زمان را اباصالح چرا، علی هجرانی، مهدی یار، قم، ۱۳۸۰.

موضوع: شناخت و معرفت.

۱۲. امام مهدی(علیه السلام) آخرین یادگار الهی، حسین استادولی، شر، تهران، ۱۳۷۸.

موضوع: شناخت امام(علیه السلام)

۱۳. انتظارات امام زمان(علیه السلام)، مهدی شمس الدین، مؤسسه توسعه فرهنگ قرآنی، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: توقعات امام زمان(علیه السلام) از شیعیان.

۱۴. بهار باغستان های ایمان، محمد صادق موسوی گرمارودی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۸.

موضوع: انتظار.

۱۵. پاداش انتظار، نادر فضلی، مرکز فرهنگی رایحه، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: فضیلت انتظار.

۱۶. تپش قلم، عباسعلی کامرانیان، شرکت انتشاراتی کیهان، تهران، ۱۳۷۸.

موضوع: احادیث مهدویت و انتظار.

۱۶. داستان هایی از امام زمان(علیه السلام) و شهداء، سالم جعفری، محمد و آل محمد(صلی الله علیه و آله)، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: ارتباط معنوی شهدا با امام زمان(علیه السلام).

۱۷. در سایه ی امام زمان(عج) زینب پور حیدری، دهسرا، رشت، ۱۳۸۲.

موضوع: مهدویت، انتظار، آخرالزمان، احادیث.

۱۸. ملاقات جوانان با صاحب الزمان(علیه السلام)، عبدالرضا خرمی، مهدی یار، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: دیدار با امام زمان(علیه السلام)

۱۹. مهدی منتظر، یا ناموس اعظم در کلام امام هشتم(علیه السلام)، محسن کتابچی، به دید، مشهد، ۱۳۸۲.

موضوع: امام مهدی(علیه السلام) در کلام امام هشتم(علیه السلام).

ص:۲۲۳

۲۰. مهدی موعود(علیه السلام) یارانی اینگونه دارد. مصطفی علامه مهری، ناشر: علامه بحرانی، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: ویژگی های یاران امام زمان(علیه السلام).

۲۱. می دانم می آیی، جمعی از نویسندگان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: مهدویت، انتظار.

۲۲. نشان صبح امید، محمدرضا دین پرور، بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۷۹.

موضوع: امام زمان(علیه السلام) در کلام امیرالمؤمنین علی(علیه السلام).

۲۳. نگاهی بر زندگی حضرت مهدی(عج)، محمد محمدی اشتهاردی، نشر مطهر، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: تاریخ زندگی امام زمان(علیه السلام).

۲۴. نور پنهان در افق قرآن، جعفر شیخ الاسلامی، یکان، تهران، ۱۳۷۹.

موضوع: جنبه های قرآنی مهدویت.

۲۵. یوسف زهرا، یا مهدی صاحب الزمان(عج)، ابوطالب احسانی جاغوری، دارالکتاب جزایری، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: شناخت امام زمان(علیه السلام).

ج) کتابشناسی برای جوانان

۱. آثار اعتقاد به امام زمان(علیه السلام)، هادی قندهاری، منیر، تهران، ۱۳۷۷.

موضوع: آثار اعتقادی مهدویت.

ص:۲۲۴

۲. آفتاب عدالت، ابراهیم امینی، ترجمه: نثار احمد زین پوری، انصاریان، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: شناخت امام زمان(علیه السلام).

۳. آیا به یاد امام زمان(عج) هستید، محمد تقی صرفی، دفتر نشر برگزیده، قم، ۱۳۷۸.

موضوع: ارتباط معنوی با امام زمان(عج).

۴. آینده جهان، جلال برنجیان، طور، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: حوادث آخرالزمان.

۵. آینده جهان، محسن همتی، نشر نذیر، تهران، ۱۳۷۹.

موضوع: ویژگی های دوران حکومت امام زمان(علیه السلام).

۶. آیین انتظار، علی اکبر تلافی، نبأ، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: انتظار.

۷. آینه ی موعود، علی دژکام، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: معرفی و بررسی پانصد کتاب درباره امام زمان(علیه السلام).

۸. اتفاق در مهدی موعود(عج)، علی اکبر قریشی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۷.

موضوع: طرح دیدگاه های مختلف در مورد امام زمان(علیه السلام).

۹. ارتباط معنوی با حضرت مهدی(عج)، حسین گنجی، حضرت بقیة الله (عج)، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: ارتباط معنوی.

۱۰. الانتظار، سید مرتضی مجتهدی سیستانی، مترجم: زاملی، محبین، قم، ۱۳۸۰.

موضوع: انتظار.

۱۱. امام زمان(عج) و ایرانیان، محسن همتی، نشر نذیر، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: امام زمان(علیه السلام) و ایرانیان.

۱۲. امام مهدی و منتظران، محمدحسین صفاخواه، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶.

موضوع: نکاتی پیرامون آفاق مهدویت.

۱۳. انتظار در آینه ی شعر، محمد صفری، سنبله، مشهد، ۱۳۸۱.

موضوع: ولادت و ستایش امام زمان(علیه السلام) در آینه ی شعر.

۱۴. باور داشت مهدویت، لطف الله صافی گلپایگانی، حضرت معصومه(سلام الله علیها)، قم، ۱۳۷۵.

موضوع: شناخت امام زمان(علیه السلام).

۱۵. بامداد بشریت، محمدجواد مروجی طبسی، ناشر: مؤلف، قم، ۱۳۸۰.

موضوع: مجموعه ی پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(علیه السلام).

۱۶. جوانان، یاوران مهدی(علیه السلام)، محمدباقر پورامینی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: جوانان و امام زمان(علیه السلام) در دوران ظهور.

۱۷. حکومت شیعه در جهان، سید هاشم حسینی، نوین پژوهش، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: حکومت امام زمان(علیه السلام) (ویژگی ها).

۱۸. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.

موضوع: غیبت، انتظار، تکلیف.

ص:۲۲۶

۱۹. در طلب خورشید، کمیته علمی دبیرخانه دائمی اجلاس دو سالانه بررسی ابعاد وجودی، دبیرخانه اجلاس، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: مهدویت و انتظار.

۲۰. ده انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت امام مهدی(عج)، محمد بن محمد مفید، ترجمه: محمدباقر خالصی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.

موضوع: پرسش و پاسخ پیرامون غیبت.

۲۱. راز مکان زندگی امام زمان(عج)، محسن همتی، نشر نذیر، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: شناخت امام عصر(عج).

۲۲. راز نیایش منتظران، محمدتقی اصفهانی، مکیال، تهران، ۱۳۸۰.

موضوع: انتظار.

۲۳. راه مهدی(عج)، ناصر خسروشاهی، بوستان کتاب قم، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: نقد و تفسیر در زمینه مهدویت.

۲۴. رخسار آفتاب، مجتبی غیوری، مهدیه، قم، ۱۳۸۰.

موضوع: تحلیلی جامع در باب زندگانی حضرت حجت(عج).

۲۵. سرانجام صالحان، نادر فضلی، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: مهدویت، قرآن – قصه ها.

۲۶. سپیده امید، سید حسین اسحاقی، بوستان کتاب قم، قم، ۱۳۸۰.

موضوع: کاوشی در مهدویت.

۲۷. غیبت و مهدویت در تشیع امامیه، جاسم حسین ساشادینا، ترجمه: محمود رضا افتخار زاده، ناشر: محمدرضا افتخار زاده، قم، ۱۳۷۲.

ص:۲۲۷

موضوع: شناخت غیبت و مهدویت.

۲۸. قصص الظهور، یا داستان هایی از ظهور مهدی آل محمد(علیه السلام)، قاسم میر خلف زاده، مهدی یار، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: داستان هایی پیرامون ظهور.

۲۹. مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیهٔ الله(علیه السلام)، محمد خادمی شیرازی، مؤسسه انتشارات رسالت، قم، ۱۳۷۷.

موضوع:

۳۰. ملاقات جوانان با صاحب الزمان(علیه السلام)، عبدالرضا خرمی، مهدی یار، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: ملاقات جوانان با امام عصر(علیه السلام).

۳۱. مهدی(علیه السلام) کیست؟ ابوطالب تجلیل، ترجمه: جلیل تجلیل، سروش، تهران، ۱۳۸۱.

موضوع: احادیث پیامبر(صلی الله علیه و آله) و یکایک ائمه طاهرین در معرفی امام مهدی(علیه السلام).

۳۲. نشانه های آخرالزمان، حسین حسینی بابلکناری، تپش، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: نشانه های آخرالزمان.

۳۳. نشانی از امام غایب(علیه السلام): بازنگری و تحلیل توقیعات، محمدمهدی رکنی یزدی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۸۱.

موضوع: بررسی توقیعات امام زمان(علیه السلام)

د. کتابشناسی برای پژوهشگران:

۱. نگین آفرینش، مؤلفان: حائری، یوسفیان، بالا دشتیان، بنیاد

فرهنگی مهدی موعود(علیه السلام)، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۴.

موضوع: مبانی اعتقادی مهدویت، ضرورت آشنایی با مهدویت، غیبت و ... .

۲. نینوا و انتظار تأملی نو، جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، بنیاد فرهنگی مهدی موعود(علیه السلام)، اصفهان، ۱۳۸۳.

موضوع: انتظار.

۳. انتظار بایدها و نبایدها، ابراهیم شفیعی سروستانی، موسسه فرهنگی موعود و مرکز پژوهش های اسلام صدا و سیما، قم، ۱۳۸۳.

موضوع: انتظار.

۴. امام مهدی(عج) در قرآن، حائری، سعدی، یوسفیان، جزوی آموزشی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(علیه السلام)، اصفهان، ۱۳۸۴.

موضوع: امام مهدی در قرآن کریم.

۵. امام مهدی(علیه السلام) در آینه ادیان و مکاتب، مهدی حائری پور، جزوه ی آموزشی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(علیه السلام)، اصفهان، ۱۳۸۴.

موضوع: امام مهدی(علیه السلام) از دیدگاه ادیان و مکاتب.

۶. بابیت، گروه فرهنگی انصار المهدی(علیه السلام)، قم جزوه آموزشی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(علیه السلام)، اصفهان، ۱۳۸۴.

موضوع: بابیت.

۷. دولت مهدی(علیه السلام)، سیرت مهدی(علیه السلام)، مصطفی دلشاد تهرانی، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران، ۱۳۷۴.

موضوع: ویژگی های حکومت امام زمان(علیه السلام).

۸. راز طول عمر امام زمان(علیه السلام) از دیدگاه علم و ادیان، علی اکبر مهدی پور، انتشارات طاووس بهشت، ۱۳۷۸.

موضوع: راز طول عمر امام زمان(علیه السلام) از دیدگاه علم و ادیان.

۹. دادگستر جهان، ابراهیم امینی، انتشارات شفق، قم، ۱۳۷۷.

موضوع: مباحث مختلف مهدویت.

۱۰. حضرت مهدی(علیه السلام) در بشارت های آسمانی، محمد فقیه نیا، بنیاد پژوهش های فرهنگی نورالاصفیاء، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: حضرت مهدی(علیه السلام) در بشارت های آسمانی.

۱۱. تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ترجمه دکتر سید حسن افتخار زاده، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱.

موضوع: بررسی غیبت از لحاظ تاریخی.

۱۲. پیشگویی ها و آخرالزمان، مجموعه مقالات: اسماعیل شفیعی سروستانی، مجید شاه حسینی، حسن بلخاری و ...، موعود عصر تهران، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: پیشگویی ها و آخرالزمان.

۱۳. حکومت جهانی مهدی(علیه السلام)، آیة الله مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۸۰.

موضوع: حکومت امام زمان(علیه السلام).

۱۴. شش ماه پایانی، تقویم حوادث پیش از ظهور، مجتبی السادهٔ، ترجمه محمود مطهری نیا، موعود عصر، تهران، ۱۳۸۳.

موضوع: حوادث پیش از ظهور.

۱۵. سفیانی از ظهور تا افول، نصرالله آیتی، انتشارات ثانی عشر، قم، ۱۳۸۴.

موضوع: سفیانی.

۱۶. عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.

موضوع: مباحث مختلف مهدویت.

۱۷. معارف مهدوی، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی(عج)، قم، ۱۳۸۵.

موضوع: انتظار موعود در ادیان، امام مهدی در قرآن، غیبت، نیابت و ....

۱۸. فصلنامه تخصص انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(علیه السلام)، اصفهان، ۱۳۸۳.

موضوع: مباحث مختلف مهدویت.

۱۹. موعود شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۴.

موضوع: پاسخ به شبهات.

۲۰. عصاره خلقت، برگرفته از آثار آیهٔ الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: مباحث مختلف مهدویت.

۲۱. ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، سید اسدالله هاشمی شهیدی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: ظهور امام زمان(علیه السلام) از دیدگاه مذاهب مختلف.

۲۲. سفیران امام، عباس راسخی نجفی، انتشارات محب، تهران، ۱۳۷۵.

موضوع: سفیران.

۲۳. اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفایی کاشانی، مفید، تهران، ۱۳۷۶.

موضوع: اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن.

۲۴. اصالهٔ المهدویهٔ فی الاسلام فی نظر اهل السنهٔ و الجماعهٔ، مهدی فقیه ایمانی، ترجمه: محمدرضا مهری، معارف الاسلامیه، قم، ۱۳۷۸.

موضوع: مهدویت از نظر اهل تسنن.

۲۵. الغیبهٔ الصغری و السفراء الاربعهٔ، فاضل مالکی، سنبه، مشهد، ۱۳۸۲.

موضوع: غیبت و نواب اربعهٔ.

۲۶. القرآن والحجهٔ: مشترکات قرآن و حجهٔ زمان(عج)، رضا توحیدی، سیمای آفتاب، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: مشترکات قرآن و امام زمان(علیه السلام).

۲۷. بشارات قرآن در شأن حضرت مهدی(علیه السلام)، علی اکبر شعفی، آشنا، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: بشارت های قرآن در مورد امام زمان(علیه السلام).

۲۸. پژوهشی پیرامون غریب غیبت در قرآن؛ به ضمیمه غریب غیبت در آیینه کلام غریب غدیر، محمدحسین صفاخواه، ابرون، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: غیبت و قرآن، غدیر و غیبت.

۲۹. تاریخ عصر غیبت، مسعود پور سید آقایی و دیگران، حضور، قم، ۱۳۷۹.

موضوع: نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم(عج).

ص:۲۳۲

۳۰. تمدن در عصر ظهور مهدی(عج)، عباس مدرسی، مترجم: لطیف راشدی، حضور، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: ویژگی های حکومت مهدوی.

۳۱. جامعه موعود، محمد مهدی بهداروند، مرکز نشر صبح میثاق، قم، ۱۳۸۲.

موضوع: ویژگی های جامعه مهدوی.

۳۲. موسوعۀ الامام المهدی(عج)، مهدی فقیه ایمانی، مکتبۀ الامام امیرالمؤمنین(علیه السلام)، اصفهان، ۱۴۰۱ ه- . ق.

موضوع: احادیث و سخنان امام مهدی(علیه السلام).

۳۳. الموسوعۀ فی احادیث المهدی الضعیفه و الموضوعۀ، عبدالحلیم عبدالعظیم البستوی، المکتبۀ المکیۀ و بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۰ ق.

موضوع: احادیث جعلی و ضعیف در مورد امام مهدی(علیه السلام).

۳۴. کتابنامه حضرت مهدی(علیه السلام) (۲ جلد)، علی اکبر مهدی پور، ناشر: مؤلف، قم، ۱۳۷۵.

موضوع: معرفی بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب به زبان های مختلف.

۳۵. مرجع مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، همان، تهران، ۱۳۸۲.

موضوع: کتابشناسی مهدویت به صورت گسترده.

۳۶. ذهنیت مستشرقین (پژوهسی در اصالت اندیشه مهدویت و نقد گفتار شرق شناسان، عبدالحسین فخاری، آفاق، تهران، ۱۳۷۹).

موضوع: نقد گفتار شرق شناسان در باب اصالت مهدویت.

ص:۲۳۳

۳۷. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی نیا، امام عصر(عج)، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: جنبه های قرآنی مهدویت.

۳۸. نجم الثاقب، حسین بن محمد تقی نوری، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۱.

موضوع: احوال امام غائب(عج).

ه- : کتاب شناسی امام مهدی(عج) و قرآن:

۱. المحجهٔ فیما نزل فی القائم الحجه، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ ق)، ترجمه / سیمای حضرت مهدی(عج) در قرآن، مهدی حائری قزوینی، تهران، ۱۳۷۴، آفاق.

*** ۱۲۰ آیه را به ترتیب نزول جمع کرده و روایات آنها ***

۲. امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت و علائم بعد از ظهور، محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷)، قم، قلم، ترجمه علی دوانی.

*** گزیده کتاب مهدی موعود (جلد ۱۳ بحار) است ***

۳. ملاحم القرآن، ابراهیم انصاری زنجانی، ۱۴۰۰ ق، عربی، چاپ مولف.

*** پیش گویی های قرآن در مورد نشانه های ظهور و روایات... ***

۴. طریق الی المهدی(عج) المنتظر، سعید ایوب، بیروت / الغدیر، ۱۹۹۸ م، عربی.

*** آینده و ظهور مهدی و اخبار غیبی قرآن در این مورد ***

ص:۲۳۴

۵. المهدی فی القرآن (موعود قرآن)، سید صادق حسینی شیرازی، موسسه امام مهدی(عج)، تهران، ۱۳۶۰ ه- . فارسی و عربی.

*** ۱۹۰ آیه در مورد امام عصر(عج) از منابع اهل سنت ***

۶. سوره و العصر، حضر امام زمان(عج) است، عباس راسخی نجفی، قیام قم / ۱۳۷۲ فارسی.

۷. المهدی الموعود فی القرآن الکریم، محمدحسین رضوی، دارالهادی، ۲۰۰۱ عربی.

۸. حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) از دیدگاه قرآن و عترت، محمود شریعت زاده خراسانی، ۱۳۷۹، فارسی، دارالصادقین.

*** مجموعه آیات قرآن درباره مهدی(عج) با روایات آمده است ***

۹. مصلح مقتدر الهی کیست؟، سید علی اکبر شعفی، ۱۳۴۲، اصفهان.

۱۰. پور پنهان در افق قرآن حضرت مهدی(عج)، جعفر شیخ الاسلامی، تهران، یکان، ۱۳۷۸ ش.

۱۱. غریب غیبت در قرآن، محمدحسین صفاخواه، تهران، آمه.

۱۲. اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفئی کاشانی، ۱۳۷۶، تهران، مفید.

۱۳. قاطع البیان فی الایات المووله بصاحب الزمان(عج)، فضل الله عابدی خراسانی، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ ق.

*** ۲۰۲ آیه را تاویل و تطبیق کرده است ***

۱۴. القرآن یتحدث عن الامام المهدی(عج)، مهدی حسن علاء الدین، دارالاسلامیه، بیروت.

ص:۲۳۵

۱۵. ثورة المواطئن للمهدی(عج)، مهدی حمد فتلاوی، ۱۹۹۳ م، دارالبلاغه، بیروت.

*** بشارت های قرآنی و نبوی در مورد انقلاب مهدی(عج) ***

۱۶. مهدی(عج) در قرآن، رضا فیروز، ۱۳۷۸، تهران، رایحه.

۱۷. مهدویت از نظرقرآن و عترت، خیرالله مردانی، تهران، آیین جعفری، ۱۴۰۱.

۱۸. چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضایل حضرت ولی عصر(عج)، مسجد جمکران، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۸.

*** چهل آیه و روایات مربوطه ***

۱۹. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی نیا، قم، امام عصر(عج)، ۱۳۸۱.

۲۰. الایات الباهره فی بقیة العترة الطاهرة او تفسیر آیات القرآن فی المهدی صاحب الزمان(عج)، تهران، بعثت، ۱۴۰۲ ق، سید داود میرصابری.

۲۱. سیمای امام زمان(عج) در آیینه قرآن، علی اکبر مهدی پور.

*** ۱۴۰ آیه را جمع کرده است ***

۲۲. موسوعة المصطفی و العترة (۱۶) المهدی المنتظر، حسین شاکری، نشر الهادی، ۱۴۲۰.

*** ۱۴۴ آیه را با روایات آورده است ***

۲۳. الامام المهدی فی القرآن و السنة، سعید ابومعاشر، ۱۴۲۲ ق،

آستان قدس.

ص:۲۳۶

*** کل آیات طبق سوره ها تا آخر قرآن مع روایات ***

۲۴. معجم احادیث الامام المهدی(عج)، موسسه المعارف الاسلامیه، الجزء الخامس، الآیات المفسر.

*** تحت اشراف شیخ علی الکورانی، ۱۴۱۱ ق، ۲۶۰ آیه را جمع کرده است ***

۲۵. مهدی در قرآن، محمد عابدین زاده، بنیاد تهران.

*** ۴۰ آیه ***

۲۶. سیمای نورانی امام زمان(عج) در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری.

۲۷. سیمای حضرت مهدی(عج) در قرآن، سید جواد رضوی، چاپ موعود.

و. کتابشناسی دائرهٔ المعارف ها و مجموعه مقالات مهدویت:

۱. دانشنامه ایران و اسلام، نویسندگان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۴.

۲. دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر سید مصطفی میرسلیم، دایرهٔ المعارف اسلامی، تهران، بی تا.

۳. دائرهٔ المعارف اسلام (۱۰ جلد)، نویسندگان، ایران، هلند، بریل، چاپ اول، ۱۹۹۹ م.

۴. دائرهٔ المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دائرهٔ المعارف بزرگ اسلامی، تهران، چاپ اول.

۵. دائرهٔ المعارف تشیع، زیر نظر بهاءالدین خرمشاهی و دیگران، بنیاد اسلامی طاهر، تهران، ۱۳۶۶.

۶. دائرة المعارف دنیای جدید اسلام آکسفورد (۴ جلد)، زیر نظر جان

اسپوزیتو، دانشگاه آکسفورد، آکسفورد، ۱۹۹۵، چاپ اول.

۷. الموسوعة العربیه العالمیة (۳۰ جلد)، نویسندگان، مؤسسه اعمال الموسوعة العربیه العامة، ریاض ۱۹۹۹ م.

۸. دائرة المعارف القرن العشرین (۱۰ جلد)، محمد فرید وجدی، دارالمعرفة، بیروت، چاپ ۳، بی تا.

۹. دائرة المعارف الشیعیة العامة (۱۸ جلد)، محمد حسین اعلمی حائری، اعلمی، بیروت، ۱۹۹۳ م، چاپ دوم.

۱۰. کتاب دائرة المعارف و هو قاموس عام لکل فن و مطلب (۱۱ جلد)، پترس بستانی، دارالمعرفه، بی تا.

۱۱. معارف و معاریف، دائرة المعارف جامع اسلامی (۱۰ جلد)، سید مصطفی حسینی دشتی، آرایه، تهران، ۱۳۷۹.

۱۲. دایرة المعارف آمریکانا.

۱۳. دائرة المعارف بریتانیکا.

۱۴. دائرة المعارف گراندلاروس (۲۳ جلدی)

۱۵. دائرة المعارف مستشرقان، عبدالرحمن بدوی، صالح طباطبایی، روزنه، تهران، ۱۳۷۷.

ز. معرفی نرم افزار و سایت های مهدویت

۱. نرم افزار موعود، مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، تحت اشراف آیة الله مظاهری (مدظله العالی).

ص:۲۳۸

موضوع: کتاب خانه تخصصی حضرت مهدی(علیه السلام) شامل متن ۳۱۳ جلد کتاب و ۳۱۳ مقاله و معرفی ۴۰۰۰ عنوان کتاب، مقاله و پایان نامه پیرامون حضرت مهدی(عج) و... .

۲. نرم افزار رایحه عشق، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) فارس.

موضوع: کتابخانه، مقالات، پرسمان، نوای دل، نگارخانه، لینکستان.

۳. نرم افزار عترت امام مهدی(عج)، مؤسسه تحقیقاتی امام رضا(علیه السلام).

موضوع: زندگینامه، ولادت، غیبت، مهدویت، قرآن و مهدی(عج) و کتابشناسی یک هزار جلد کتاب فارسی.

۴. لوح فشرده شامل فیلم سخنرانی، کلیپ، مداحی، مجموعه احادیث و تصاویر پیرامون مهدویت، مدرسه عقائد و کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر(عج).

۵. سلسله نرم افزارهای موعود، مؤسسه گنجینه معرفت.

الف. مهدویت سخنرانی مراجع و خطبا ۱۱۰ ساعت.

ب. صاحب الامر ۷۰۰ جلد کتاب فارسی و ترجمه نویسندگان معاصر پیرامون حضرت مهدی(عج).

ح. بحارالانوار مجلدات ۵۳-۵۲-۵۱ در مورد مهدویت.

د. حدیث نما - متون فارسی کتب روایی (غیبت نعمانی و شیخ طوسی، الملاحم و الفتن سید بن طاووس و ...).

ه-. نرم افزار الفضایل، ترجمه البیان فی اخبار المهدی آخرالزمان، خواجه کلان قندوزی و برخی دیگر از فضایل ائمه و امامت و ولایت.

و. موعود ۱.

ص:۲۳۹

ط. مولودی ۷-۱ و .... .

۶. چهارده معصوم(علیه السلام)، میثاق نوین.

شامل: مطالبی پیرامون ائمه(علیه السلام) از جمله امام مهدی(عج).

۷. نرم افزار مرحوم صدوق(ره)، پدید آورنده: حدیث نما.

۸. نرم افزار دایرهٔ المعارف جامع اسلامی، پدید آورنده: دجا.

۹. کتابشناسی و چکیده کتب و منابع مهدویت، مؤسسه پارسا و مؤسسه موعود.

شامل: کتابشناسی، چکیده و تصویر کتب مهدویت.

۱۰. اینک آخرالزمان Apocalypse new ، پدید آورنده: سینمای آمریکا. (۱)

شامل: ۱۵۳ دقیقه فیلم ۳۵ میلی متری در مورد وقایع آخرالزمان.

۱۱. آرماگدون

۱۲. نجات بخشی

۱۳. جمکرانیه

۱۴. نستراد اموس

۱۵. پیشگویی های پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله)، آدرس: Matireya. ory

شامل: بحث و گفتگو و پرسش و پاسخ در مورد جایگاه امام مهدی(عج)، مسیح، میترا کالکی، و تار، دجال و... در پیشگویی های

ص:۲۴۰

۱- (۱) . آدرس: Miramax. Com/ appcalypsenow.

حضرت محمد(صلی الله علیه و آله). (۱)

۱۶. almawood. Net

۱۷. movood. org

۱۸. imammahdi _ s. com

۱۹. monjee. Org

۲۰. imam almahdi. Com

۲۱. almahdi ۴ v. com.

۲۲. almowood. Net.

۲۳. al. mahdi. Org

۲۴. ejlas nahdi. Com

۲۵. montazar. Net.

۲۶. shamsevelayat. Com.

۲۷. m _ mahdi. Com.

۲۸. imammahdi _ s. com.

۲۹.alqaem. net.

۳۰. mahdi news. Com.

۳۱. rayehe. Ir.

۳۲. almontadbar. Net.

۱- (۱) . ر.ک: مؤسسه فرهنگی انتظار نور، عبدالحسین حاجی ابوالحسنی، آدرس سایت: www. Monjee. org

۳۳. moslih. Org

۳۴. abasaleh. Com.

ح. شرق شناسان و مسئله مهدویت

کلیه آثاری را که شرق شناسان در زمینه مهدویت انجام داده اند، ذیل پنج محور می توان گرد آوری نمود که عبارتند از:

۱. کتاب های مستقل در زمینه مهدویت

۲. نوشتن مقاله و پرداخت به مسأله مهدویت در بخشی از کتاب، مجله یا دائرة المعارف.

۳. سایت ها و بلاگ هایی که توسط شرق شناسان و پژوهشگران غربی در زمینه مهدویت ایجاد شده است.

۴. فعالیت های علمی و تحقیقی بنیادها و مؤسسان پژوهشی در زمینه مهدویت.

۵. پایان نامه ها، رساله ها، پروژه ها و تحقیقاتی که به وسیله پژوهشگران دانشگاهی و اندیشمندان غربی در مجامع علمی غربی در زمینه مهدویت نوشته شده است. (۱)

ما در این مختصر به برخی از موارد مربوط به بند ۱ و ۲ می پردازیم.

۱. تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، اسدالله مبشر، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۱.

۱- (۱) . مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سید رضی موسوی گیلانی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، قم، ۱۳۸۵، چاپ اول.

۲. العقیده و الشریعهٔ فی الاسلام، ایگناتس گلدتسیهر، محمد یوسف

موسی و همکاران، دارالکتب الحدیثه، مصر، ۱۹۵۹. (۱)

۳. تاریخ شیعه و علل سقوط بنی امیه، فان فلوتن، سید مرتضی هاشمی حائری، چاپ تهران، بی جا، بی تا.

۴. مهدی ازصدر اسلام تا قرن سیزدهم، دار مستتر، محسن جهانسوز، کتاب فروشی ادب، تهران، ۱۳۱۷.

۵. فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی هانری کربن،

۶. Ayear Among the Persians, by Edward G. Browne, London, ۱۸۹۳. (۲) ۷. D.S. Margolivght, Encyclopedia of religioun and ethics, Edited by gomes Hasting, latest edit, Edinbovgn, new yerk, ۱۹۶۴, vol ۸, p.۳۳۶. (۳)

۸. دائرهٔ المعارف جهان نوین اسلام (عنوان: مهدی)، رابرت اس. کرام،

ص:۲۴۳

۱- (۱) . این کتاب به فارسی نیز ترجمه شده است. به نام: درس هایی درباره اسلام (فرقه ها)، علی نقی منزوی، بی جا، بی تا

۲- (۲) . این کتاب از ادوارد براون به نام «یک سال در میان ایرانیان» است که به جریان دیدار او از شهرها و گفتگوهایش با رهبران مذهبی هم چون زرتشتی، اسلامی و از جمله فرقه بابی می پردازد که به صورت سفرنامه نوشته شده است. ر.ک: مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سید رضی موسوی گیلانی

۳- (۳) . مقاله ای به نام «مهدی» در دائرهٔ المعارف دین و اخلاق (ویراسته جیمز هاستیگ) اگر مارگولیوث، ر.ک: مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سید رضی موسوی گیلانی.

بهروز جنـدقی، مجله انتظـار بنیـاد فرهنگی حضـرت مهـدی موعود(عـج)، قم، سـال چهـارم، شـماره یازدهم و دوازدهم (بهار و تابستان ۱۳۸۳)، ص ۱۹۹.

۹. دائرهٔ المعارف اسـلام چاپ کمبریج (ذیل کلمه مهدی)، دبلیو مادلاتگ، بهروز جندقی، مجله انتظار، بنیاد فرهنگی حضـرت مهدی موعود، قم، سال سوم، شماره دهم (زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۲۹ - ۱۲۵).

۱۰. سه سال در ایران، کنت دو گوبینو، ذبیح الله منصوری، انتشارات فرخی، تهران، بی تا.

۱۱. مذهب و سیاست در مسیحیت و اسلام، همیلتون گیب، مهدی قائنی، دارالفکر، قم، ۱۳۵۱.

۱۲. درآمدی بر اسلام، آند ماری شیمل، عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.

ص:۲۴۴

فهرست منابع (دو جلد ۱۱ و ۱۲):

۱. معارف مهدوی، گردآوری: مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، ناشر: دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی(علیه السلام)، قم، چاپ اول، بهار، ۱۳۸۵.

۲. ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، انتشارات امیر، تهران ۱۳۴۴ ه- .ش (چاپ دوم).

۳. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰ ه-. ش.

۴. آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، تهران، ۱۳۹.

۵. مهدی تجسم امید و نجات، عزیزالله حیدری، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۰.

۶. خدمات متقابل اسلامی و ایران، داوود الهامی، مکتب الاسلام، بی جا، ۱۳۷۳.

ص:۲۴۵

۷. گات ها، ابراهیم پورداود، انجمن زرتشتیان ایران، بمبئی، ۱۹۳۸.

۸. مجله موعود، ش ۱۷، مقاله هزاره گرایی در مسیحیت، حسین توفیقی، مؤسسه فرهنگی موعود.

۹. نرم افزار رایحه عشق، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) فارس، بخش مقالات، مقاله اتفاق مذاهب در موضوع موعود.

۱۰. مجله هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳ مقاله گونه شناسی موعود در ادیان مختلف.

۱۱. آرشیو دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، بخش بانک اطلاعات.

۱۲. کتابنامه حضرت مهدی(علیه السلام)، علی اکبر مهدی پور، ناشر: مؤلف، قم، ۱۳۷۵.

۱۳. مرجع مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، مؤلف، تهران، ۱۳۸۲.

۱۴. مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سید رضی موسوی گیلانی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، قم، ۱۳۸۵، چاپ اول.

۱۵. مؤسسه فرهنگی انتظار نور Monjee. Com

۱۶. تفسیر قرآن مهر (سوره توبه)، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران قرآنی، انتشارات پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ ش، قم.

۱۷. بحارالانوار الجامعة لدرراخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسة الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری.

ص:۲۴۶

۱۸. بحارالانوار الجامعة لدرراخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسة الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری.

۱۹. کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیة قم، دوم، ۱۳۹۵ قمری.

۲۰. مستطرفات السرائر، ابن ادریس حلی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ادریس عجلی حلی، موسسه انتظارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، دوم، ۱۴۱۱ قمری.

۲۱. دستغیب، شهید عبد الحسین، ۱۳۶۱ ش، گناهان کبیره، کانون ابلاغ اندیشه های اسلامی، بی جا،دو جلدی.

۲۲. دلائل الامامة، ابن جریر طبری آملی مازندرانی، ابوجعفر محمد بن جریر، دارالذخائر للمطبوعات، قم، کتاب حاضر از نسخه نشر حیدریه نجف به سال ۱۳۸۳ قمری است.

۲۳. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، دوم، ۱۴۱۳ ه.ق.

۲۴. عیون اخبار الرضا، صدوق (محمد بن علی ابن بابویه)، قم،

مشهدی، ۱۳۶۳ ش.

۲۵. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش، چاپ سوم.

۲۶. معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خوئی.

۲۷. الصوارم المهرقهٔ فی نقد الصواعق المحرقهٔ، شوشتری، قاضی نور الله، انتشارت چاپخانه نهضت، تهران، بی نو، ۱۳۷۶ قمری.

۲۸. البیان فی تفسیر القرآن، خوئی، آیهٔ الله سید ابو القاسم، المطبعهٔ العلمیهٔ، قم، ۱۳۹۴ ق.

۲۹. الاحتجاج، طبرسی، احمد بن علی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است).

۳۰. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد(صلی الله علیه و آله)، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیهٔ الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۴ قمری.

۳۱. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبدالله، دارالکتب الاسلامیهٔ، دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری).

۳۲. طوسی، خواجه نصیر الدین و علامه حلّی، ۱۴۰۷ ق، کشف المراد

فی شرح تجرید الاعتقاد، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم.

ص:۲۴۸

۳۳. المفردات فی غریب القرآن، الراغب الاصفهانی، تهران، المکتبة المرتضویه، ۱۳۳۲ ش، ۵۵۴ص.

۳۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبة الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ق، ده جلدی.

۳۵. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.

۳۶. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، آیة الله ناصر، دار الکتب الاسلامیة، تهران چاپ بیست و ششم (۲۷ ج)، ۱۳۷۳ ش.

۳۷. نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه حویزی عروسی، قم، المطبعة العلمیه، الطبعة الثانیة، ۱۳۸۳ ق، پنج جلدی.

۳۹. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت داراحیاء الثراث العربی، الطبعة الخامسة، ۱۳۸۶ ق

۴۰. انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۳۲ م، کتاب مقدس، تهران، (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها).

۴۱. ری شهری، محمد محمدی، ۱۳۶۷، میزان الحکمة، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ده جلد.

۴۲. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری،

المكتبة العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق

۴۳. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، رازی، فخرالدین، ۱۴۱۱ ق، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۳۲ جلد.

۴۴. الدرّ المنثور فی تفسیر الماتور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۴۵. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبة اللّه، ابن ابی الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش.

۴۶. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی (صاحب مجمع البیان)، ابوعلی فضل بن حسن انتشارات دارلکتب الاسلامیة، قم، سوم، بی تا.

۴۷. انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۳۲ م، کتاب مقدس، تهران، (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها).

۴۸. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبة النینوی الحدیثة، تهران، بی نو، بی تا.

ص:۲۵۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹